



جامعه‌شناسی خرافات در ایران



پژوهشنامه
جامعه‌شناسی خرافات در ایران

۲ ▶ جامعه‌شناسی خرافات در ایران

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳

۴ ▶ جامعه‌شناسی خرافات در ایران

فهرست مقالات

- پیشگفتار ۷
- بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی / علی فروغی و رضا عسگری مقدم ۹
- میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد / سیدعلیرضا افشانی و اصغر احمدی ۵۹
- خرافات و برخی علل و زمینه‌های آن / مجتبی شاهنوشی ۱۰۱
- توصیفی از میزان گرایش به خرافات در شهر اهواز / عباس عسگری ندوشن و دیگران ۱۱۷
- تقدیرگرایی عامیانه؛ ریشه‌ها و پیامدها / جواد شجاعی ۱۵۳
- خرافات و کارکردهای آن / مسعود درودی ۱۸۱
- خرافه و خرافه‌گرایی / صفورا نصراللهی ۱۹۹

پیشگفتار

بروز پاره‌ای گرایش‌ها و رفتارهای انحرافی و خرافی به‌ویژه در حوزه رفتارها و اعتقادات اجتماعی و دینی در دهه اخیر موجب اعلام نظر و ورود رهبر معظم انقلاب اسلامی، مراجع عالی‌قدر و نخبگان و دلسوزان حوزوی و دانشگاهی شده و هشدارها و تحذیرهای مختلف را مطرح کرده است. با این وجود و به سبب ریشه‌های قوی و پایدار این‌گونه اعتقادات و رفتارها، متأسفانه همچنان جامعه امروز ایران از این مسأله رنج می‌برد و نگرانی‌ها و دغدغه‌ها رو به فزونی دارد. مشکل اصلی در این باره آسیب‌هایی است که از قبل اندیشه‌های انحرافی و خرافی بر پیکر دین و باورهای اعتقادی سالم و متعادل وارد می‌شود. افزون بر این روبه خرافه‌گرایی مغایر با ویژگی‌های مورد نیاز برای توسعه کشور و ترقی و تحولات مثبت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. بنابراین دلایل مسأله خرافات علی‌رغم ظاهر فرهنگی در زمره موضوعات استراتژیک به شمار می‌آید؛ چراکه با پایه‌های مشروعیت نظام دینی مرتبط بوده و در تضعیف آن مؤثر خواهد بود. همان‌طور که مانع تحقق اهداف درازمدت نظام

می‌شود و انگیزه‌ها و محرک‌های سالم و کنشگران اجتماعی را تخریب می‌نماید، جامعه، کشور و نظام را معطل و متوقف می‌سازد.

بر این مبنا، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، از چندی پیش به جمع‌آوری پژوهش‌ها و مطالعاتی روی آورد که به توصیف و تبیین این پدیده در ایران امروز دست یازیده‌اند و خوشبختانه موفق شد تا تعدادی از پژوهش‌های تجربی - که در سطح شهرهای مختلف کشور به سنجش گرایش به خرافه اقدام نموده‌اند - را در پژوهشنامه پیش رو ارائه کند. عمده پژوهش‌های ارائه شده نتیجه بررسی‌های تجربی بوده که با هدف توصیف وضعیت گرایش به خرافه در کشور انجام شده‌اند. بنابراین اطلاعات مفیدی درباره میزان خرافه‌گرایی در جامعه ایران ارائه می‌کنند. هم‌چنین تعدادی از مقالات غیر تجربی و غیر پیمایشی که به بررسی مفهومی و تاریخی خرافه‌گرایی پرداخته‌اند نیز در این پژوهشنامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در اینجا بر خود واجب می‌دانیم از کلیه پژوهشگران محترمی که با دقت‌های فراوان روش‌شناختی در این باره کوشش نموده‌اند و با همت خود گوشه‌های مبهم این موضوع را مورد واکاوی و تحقیق قرار داده‌اند سپاسگزاری نماییم. هم‌چنین از زحمات آقای جواد شجاعی که در گردآوری مقالات این مجموعه قبول زحمت نموده‌اند سپاسگزاری می‌کنیم.

امید آنکه صاحب‌نظران ضمن ملاحظه این آثار، با ارائه نقطه‌نظرات خود پژوهشکده تحقیقات استراتژیک را در حوزه بررسی‌های فرهنگی - اجتماعی یاری رسانند.

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی

* علی فروغی

** رضا عسگری مقدم

چکیده

در گوشه و کنار جهان، در میان فرهنگ عامه، عقاید و باورهایی به چشم می‌خورند که از نظر تفکر مدرن در رده عقاید خرافی طبقه‌بندی می‌شوند. علی‌رغم بار معنایی منفی‌ای که بر این دسته از عقاید متصور است و بر پایه منطق امروزی، خرافات آن دسته از عقاید و باورهایی هستند که به لحاظ علمی و تجربی غیرقابل دفاع بوده و می‌تواند زمینه‌های تحرک یا توقف جامعه را حول موضوعی خاص فراهم آورد. به همین ترتیب، به لحاظ کارکردهای آشکار و پنهان، مثبت و منفی‌ای که این دسته از عقاید در جوامع امروزی دارند، بحث و بررسی پیرامون آنها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

* عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی.

** عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی.

براین اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر عقاید و باورهای رایج در فرهنگ عامه شهروندان تهرانی، در پی کشف گستره و نفوذ برخی زمینه‌های مرتبط با آنها برآمده و با استفاده از روش پیمایشی، ابزار پرسشنامه و توصیف و تحلیل یافته‌ها به این نتیجه رسیده است: افرادی که نحوه ارتباط و نزدیکی بیشتری با نوگرایی، خردگرایی، علم‌ورزی و تجربه‌گرایی (تحصیلات بالاتر، مدت اقامت بیشتر در تهران، تولد در شهرهای بزرگ‌تر، مشاغل امروزی‌تر) و به‌طور کلی درگیری بیشتری با شرایط جامعه مدرن دارند، تمایل کمتری به عقاید خرافی پیدا می‌کنند. همچنین مردان کمتر از زنان و منطقه ۱ کمتر از سایر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به عقاید خرافی گرایش دارند.

واژگان کلیدی

عقاید خرافی، هم‌رنگی اجتماعی، یافته‌ها و سودمندی عمل به باورها.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در حیطه اعتقادات و باورها معرفی می‌شود و اذهان زیادی را به خود مشغول داشته، دسته خاصی از اعتقادات است که تحت عنوان خرافات^۱ از آنها یاد می‌شود. این دسته از عقاید، بنا بر ماهیت شهودی که دارند، همواره مورد مناقشه بوده و جهت‌گیری‌های موافق و مخالفی به همراه داشته‌اند.

بخشی از این باورها، جنبه محلی و قومی دارند و در حیطه یک جغرافیای خاص شناخته می‌شوند و برخی دیگر جنبه بین‌المللی دارند. به عنوان مثال، نحس بودن عدد ۱۳ تقریباً در اکثر فرهنگ‌ها و ملت‌ها شایع است و به نحو غیر قابل باوری در بین مردم اشاعه پیدا کرده است. آنچه مسلم است بخش عظیمی از فرهنگ عامه به این مفاهیم اختصاص داشته و با شیوه‌های بنیادین اندیشیدن و احساس کردن و به‌طور کلی نحوه پاسخگویی انسان‌ها به محیط پیوند تنگاتنگی دارد.

نکته حائز اهمیت در مورد خرافات این است که به واسطه ارتباط این‌گونه عقاید با صور زیرین (زیرساخت) احساسی اقوام و احساسی امنیت درونی، چنان ارزش و اعتباری کسب نموده‌اند که تقریباً هیچ‌گونه باور متضادی را نمی‌پذیرند. «دیوید هیوم» معتقد است: تمایل به خرافات را هرگز نمی‌توان از بین برد. نکته اصلی اینجاست که خرافات بخش جدایی‌ناپذیر آن دسته از سازوکارهای انسان است که بدون آنها آدمی قادر به ادامه حیات نیست.

1. superstitious

بنابراین، با توجه به اهمیت و کارکردهای آشکار و پنهانی که این قسم از فرهنگ در رشد، تحرک یا توقف جوامع بشری دارد، بر پژوهشگران و محققان است که انواع و اقسام عقاید خرافی رایج در بین عامه مردم را شناسایی کرده و جنبه‌های مثبت و منفی این پدیده را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. به‌ویژه اینکه امروزه خرافات نه تنها به حوزه‌های سنتی زندگی افراد، بلکه به حوزه نوین زندگی نیز رسوخ کرده و در زیر نقاب به ظاهر فردگرایی جامعه نوین، اشتیاق گسترده نسبت به پدیده‌های تخیلی و اسرارآمیز فزونی یافته است.

۱- تعریف خرافه

خرافه واژه‌ای عربی و ریشه آن «خرف» به معنی چیدن میوه است. خرفه با ضم حرف خ به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه نامه‌ها در تعریف کلمه خرافات آمده است: «اعتقادات بی‌اساس که با عقل، منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد». خرافه پرستی نیز عبارت است از: پیروی از عقاید باطل و بی‌اساس که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است هیچ تناسبی نداشته باشد (مولوی گنجه، ۱۳۸۲: ۱).

همچنین از خرافات در کتب مختلف به معنای حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۰۱)، سخن موهوم و افسانه‌ای (فروتن، ۱۳۰۰: ۸۰۲)، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراء الطبیعه در زندگی بشر (صدری، ۴۱۳) و هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس (فرهنگ آکسفورد) یاد می‌شود.

بر همین اساس، در کتاب‌های پژوهشی مختلف تعاریف متفاوتی از خرافات ارائه شده است که در ادامه به پاره‌ای از این تعاریف اشاره می‌شود:

جاهودا خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند:

«هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافه نامیده می‌شود» (جاهودا، ۱۳۷۱: ۵).

«رابرت اینگرسول»^۱ از خرافات یک تعریف عملیاتی ارائه می‌دهد. به نظر وی، خرافات عبارت است از:

- ◆ اعتقاد به پدیده‌هایی که شواهد تجربی برای آن موجود نباشد؛
- ◆ تخمین یک راز به وسیله راز دیگر؛
- ◆ اعتقاد به اینکه جهان به وسیله شانس و هوس هدایت می‌شود؛
- ◆ ارائه افکار، تمایلات و مقاصد با اشاره به طبیعت اولیه آنها؛
- ◆ اعتقاد به اینکه ذهن قادر به کنترل پدیده‌ها است؛
- ◆ اعتقاد به اینکه نیروها خارج از ذات خود هستند و یا ذات از نیروهای خود بیرون است؛
- ◆ اعتقاد به ماوراء الطبیعه؛
- ◆ اعتقاد به معجزه، سحر، طلسم و غیب‌گویی (Ingersoll, 2002: 12).

به‌زعم وی، اساس خرافه بر نادانی استوار است، و زیرساخت آن و عقیده و منزلگاه آن امیدهای واهی است.

1. Robert Ingersoll

تعریفی که اینگرسول از خرافه ارائه می‌دهد، مبنای بسیاری از تعاریف دیگر ارائه شده در حوزه اعتقادات خرافی است. آنچه بر اعتبار این تعریف افزود و مبنای تعاریف بسیاری از صاحب‌نظران قرار رفت وسعت تعریف و عملیاتی نمودن مفهوم خرافه است.

«کوهلر»^۱ معتقد است: «خرافه یک اعتقاد غیرمعقول یا غیرعلمی در مورد ایفای نقش پدیده‌ها در جهان است که این اعتقاد یا براساس تقلید شکل گرفته و یا با تمایلات (معمولاً) مریض‌گونه همراه است. بنابراین خرافه همواره ملازم طلسم، معجزه و جادو است (kohler, 2000). «پاره‌تو» اعتقاد دارد خرافات به قوای مرموز سحرآمیزی اشاره دارد که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و توسط اعضاء اجتماع به‌عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است.

سایر نظریه‌پردازان و متفکران نیز از عقاید خرافی تعاریف نظری متعددی ارائه کرده‌اند که با اصطلاحاتی چون جهل، غیرمنطقی و خیالی بودن امور خرافی همراه است. آنها عموماً خرافه را مترادف با عقایدی می‌دانند که هیچ‌گونه مبنای تجربی و علمی برای آن نمی‌توان فرض نمود. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی خرافه را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

«خرافه عبارت است از: سلسله باورها و عقاید شکل‌گرفته حول یک موضوع خاص در ذهن افشاری که [عمدتاً] دانش کافی نسبت به موضوع ندارند. براین‌اساس، خرافه بیشتر ناشی از جهل و ناآگاهی انسان درباره

1. Peter Kohler

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۵

پیوندها و روابط علی پدیده‌ها است و قابلیت اثبات عینی و علمی ندارند. از این رو، در بین اقشار کمتر تحصیل‌کرده نفوذ و گستره بیشتری دارد».

۲- زمینه‌های تاریخی خرافات

در طول تاریخ، استعداد بشر در برقراری روابط بین پدیده‌ها و اصرار او در نسبت دادن رخدادها به علتی دیگر، همراه با ضعف دانش او نسبت به وقایع و اتفاقات، گرایش‌های مختلفی پدید آورده که زیرساخت فکری ادوار تاریخی بشر محسوب می‌شود.

در گام آغازین و در دوره طفولیت اندیشه، هر پدیده‌ای ساخته و پرداخته دست خدا یا خدایان بود. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی، این طرز تفکر از پختگی چندانی برخوردار نبود؛ زیرا بر فرض صحیح بودن کلیت قضیه و دخالت داشتن خدایان در خلق پدیده‌ها (به عنوان علت غایی)، سازوکارهای شکل‌گیری و توجه به علت‌های اعدادی مغفول واقع شده و تنها به علت غایی اکتفا می‌شد. خدایگان، باد، باران، صاعقه، آفتاب و... پدیده‌ها را در دستان خویش داشتند و خشم‌شان همواره بلای جان، مال، ملک و مُلک انسان‌های اولیه بود. از این رو، جادو و طلسم به عنوان ابزارهایی برای کمک به انسان خسته اولیه در خدمت او قرار گرفتند و همان‌گونه که «مالینفسکی» به درستی اشاره دارد، «انسان زمانی به جادو متوسل می‌شود که نتواند شرایط زندگی و اتفاقات را از طریق دانش مهار کند».

بنابراین شالوده‌های اصلی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری خرافات به جهل و ناآگاهی انسان‌های اولیه و عدم کنترل محیط توسط او برمی‌گردد. در این شرایط است که انسان برای راهنمایی خویش به عقل اتکا نمی‌کند

و به واسطه میل و احتیاجی که به دانستن علت وجود اشیاء دارد به احساسات و قوه تصور خود پناهنده می‌شود. از سوی دیگر، در اعصار سیاه اجتماعی و سیاسی، از جمله دوره غلبه اقوام بیگانه، زمانی که جامعه دستخوش اضطراب و درماندگی می‌شد و راهی برای گریز یا بهروزی نمی‌یافت، گرایش به اعتقادات خرافی به‌عنوان تنها راه کاهش آلام و مصیبت‌های جوامع تحت سلطه شناخته می‌شد؛ زیرا جامعه ذاتاً برای ادامه حیات نیازمند «امید» بود و در غیاب امید واقعی به آرزوهای واهی متوسل می‌شد. بنابراین، باز این نتیجه حاصل می‌شود که خرافات از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوند علّی موجود بین پدیده‌ها نشئت گرفته است.

۳- پیشینه پژوهش

در بررسی سابقه موضوع مورد مطالعه، مشاهده شد به جز چند پژوهش اسنادی و میدانی که شمار آن به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد، پژوهش گسترده‌ای درباره موضوع خرافات در ایران به انجام نرسیده است. به‌عنوان نمونه‌ای از کارهای انجام شده، می‌توان به پژوهش «مسعود سپهر» با عنوان «بررسی مصادیق بارز عوامل و علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری»، در سال ۱۳۸۶ اشاره کرد که در سطح توصیفی به بررسی میزان شیوع خرافات پرداخته است. تحقیق به این نتیجه رسیده است که در زمینه مسائل دینی، خرافات زیادی در جامعه وجود دارد. در پایان تحقیق نیز پاسخ علمای متعدد به سؤالات محقق پیرامون برخی خرافه‌های مذهبی ارائه شده است.

«راه‌های مقابله با خرافات و موهومات» عنوان تحقیق دیگری است که در سال ۱۳۷۵ توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان انجام شده است. در این تحقیق، تعدادی از خرافه‌های موجود مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نتایج تحقیق به صورت درصدی ارائه شده و در پایان به‌طور بسیار مختصر راهکارهایی ارائه شده است.

در مقایسه با تحقیقات داخلی، گرایش به تحقیق پیرامون موضوع خرافه و خرافه‌گرایی در بین محققان خارجی بیشتر و قدیمی‌تر است. «زب و باربارا» در تحقیقی در که مورد تأثیر خرافات بر اختلالات روانی در کشور کلمبیا انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که زنان بسیار بیشتر از مردان به خرافات گرایش دارند و پیشنهاد کردند در مطالعات بعدی، جنسیت به‌عنوان یک متغیر اصلی در نظر گرفته شود (Zebb & Barbara, 2001). «پلتزر» نیز در مورد افکار جادویی و عقاید ماوراء الطبیعی در آفریقای جنوبی تحقیقی انجام داده و به مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق، دانشجویان کمتر از دانش‌آموزان خرافاتی هستند. در نمونه آنها، زنان بیشتر از مردان خرافاتی بودند، ولی نتیجه به دست آمده به لحاظ آماری معنادار نبود. همچنین بین عقاید مذهبی سنتی و داشتن افکار جادویی در این منطقه رابطه ضعیف، ولی معناداری وجود داشت (Peltzer, 2002). در پژوهشی دیگر، پلتزر به همراه رنر به بررسی رابطه خرافات با ریسک‌پذیری در تصادفات در بین رانندگان تاکسی در آفریقای جنوبی پرداخت. اگرچه در این تحقیق، شیوع خرافات در بین رانندگان زیاد بود، ولی رابطه‌ای بین سن، سطح تحصیلات و تجربه رانندگان با خرافات یافت نشد (Peltzer & Renner, 2001).

در مطالعه‌ای دیگر، «گریفیتس» و «بینگهام» با گرفتن نمونه‌ای ۴۱۲ نفری در تینگهام - یکی از شهرهای انگلستان - به بررسی عقاید خرافی میان بازیکنان بینگو^۱ پرداختند. آنها ضمن ارائه یک سری آمار توصیفی در مورد شیوع خرافات، به این نتیجه رسیدند که زنان از مردان خرافاتی‌ترند؛ همچنین بازیکنان مسن‌تر گرایش بیشتری به خرافات دارند (Griffiths & Bingham, 2003). «بوخاری» و دیگران، خرافات مربوط به مسائل بهداشتی را در بین گروه‌های قومی مختلف در کراچی بررسی کردند. این محققان به این نتیجه رسیدند که ۷۳ درصد مردم پیرامون مسائل بهداشتی عقاید خرافی دارند، تحصیلات با خرافات رابطه معکوسی دارد، بین گروه‌های قومی مختلف تفاوت معناداری به لحاظ گرایش به خرافات وجود ندارد و در نهایت خرافات بر نگرش مردم به مسائل بهداشتی تأثیر بسیار زیادی دارد (Bukhari and etal, 2002).

۴- چارچوب نظری و رویکردهای تحقیق

۴-۱- رویکردهای جامعه‌شناسی

با مروری بر منابع موجود در مورد نظریه‌های جامعه‌شناسی، هیچ نظریه‌ای یافت نشد که به‌طور مستقیم و منسجم به موضوع خرافات پرداخته باشد. البته در بسیاری از آثار و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف، می‌توان اظهارنظرهایی را در این مورد شناسایی کرد. نکته قابل توجه در واکاوی این نظرات این است که صاحب‌نظران در تحلیل این

1. Bingo Players

مفهوم بیشتر بر نوگرایی در نقطه مقابل خرافه‌گرایی تأکید کرده‌اند. در ادامه شرحی از این موارد آورده می‌شود.

نوگرایی تفاوت عمده انسان سنتی و انسان مدرن است. عقیده قدیمی و درعین‌حال قابل قبول «لوئی برول» این است: «به‌طور کلی در جامعه‌های سنتی، جوّ فکری عاطفی، شاعرانه و اساطیری است و زبان، فرهنگ قومی و مذهب، همه دست به دست می‌دهند تا ذهن در حال رشد فرد را چنان شکل دهند که پذیرای تداوم چیزی باشد که آن را به‌طور کلی «خرافات» می‌نامند: زیرا خود و جهان خارج هرگز به صورت کامل از هم تفکیک نمی‌شوند، در نتیجه مفاهیم رمزی - جادویی در سراسر زندگی شخص بر تفکر او فرمان می‌دهد. اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارد، اندیشه اولیه کنار گذاشته و نفی می‌شود و به جدا شدن خود از محیط و تشکیل یک جهان‌بینی عینی کمک می‌کند (جاهودا، پیشین: ۱۸۴).

«رونالد اینگلهارت»^۱ نیز در کتاب «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» اذعان می‌کند در جوامع کشاورزی، گذران زندگی بخش وسیعی از مردم از طریق کشاورزی و وابسته به عناصری بود که منشأ آسمانی داشت مانند خورشید و باران. شخص برای آب‌وهوای خوب، رهایی از بیماری یا آسیب حشرات دعا می‌کرد. ولی در جامعه صنعتی، تولید به‌طور روزافزون به داخل محیطی که توسط انسان ساخته شده بود کشانده شد. شخص در انتظار طلوع خورشید و تغییر فصل نبود- او نور و گرما داشت و برای داشتن محصول خوب، وابسته به ماشین‌هایی بود که

1. R. Inghart

با ابتکار انسان طراحی و نگهداری می‌شد- دعا نمی‌کرد، حتی با کشف میکروب‌ها و آنتی بیوتیک‌ها، دیگر بیماری‌ها، مجازات الهی به حساب نمی‌آمدند و آنها در کنترل انسان بودند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۴).

«اینکلس»^۱ به همراه «اسمیت»، نقطه آغاز تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می‌دانند. آنها انسان نوین را فراهم‌کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و برای او ویژگی‌ها و معیارهایی را برمی‌شمرند. آن دو عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، وسایل ارتباط جمعی، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و ... می‌بینند و برای معیارهای درونی در خصوص انسان نو و مدرن به ویژگی‌ها و معیارهای زیر توجه دارند:

- ۱) آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر؛
- ۲) برخورداری از عقاید آزاد، توجه به تنوع عقاید و آگاهی از اختلاف آنها با یکدیگر؛
- ۳) معطوف بودن ذهن او به حال و آینده و برخوردار بودن از وقت‌شناسی و نظم و انضباط؛
- ۴) تمایل داشتن به برنامه‌ریزی و سازماندهی امور؛
- ۵) کارآمد بودن یا داشتن ایده‌ها و توانمندی تسلط بر محیط؛
- ۶) قابل محاسبه دانستن جهان؛
- ۷) احترام به دیگران؛
- ۸) اعتقاد به علم و تکنولوژی؛

۹) احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

اینکلس و اسمیت نتیجه می‌گیرند این مشخصات به صورت یک مجموعه به دنبال هم ظاهر می‌شوند. با بروز یکی از عوامل نوگرایی، زمینه بازی دیگر عوامل نیز فراهم می‌شود. به نظر آنان، انسانی که در جوامع سنتی زندگی می‌کند، در مقابل جوامع نوگرا، محکوم به جمود فکری، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراسان از نوآوری، بی‌اعتماد و ناآشنا به جهان خارج و به شدت وابسته به اقتدار سنتی است. او منفعل، فاقد همت بلندپروازانه و ناتوان در جهت تغییر سرنوشت است و برای آموزش منزلتی قائل نیست (Inkeles & Smith, 1974: 84). اینکلس به وسایل ارتباط جمعی نیز اشاره می‌کند و به نظر او آنهایی که در معرض وسایل ارتباط جمعی قرار گرفته‌اند، دیدگاه نوتری دارند (Ibid). نوگرایی به دلیل ویژگی‌هایی که گفته شد، می‌تواند باعث کاهش گرایش به خرافات شود، از این رو، میزان نوگرایی به‌عنوان یکی از متغیرها مورد بررسی تجربی قرار می‌گیرد.

«راجرز» - از جامعه‌شناسان مکتب توسعه و نوسازی - با تأکید بر متغیرهای فردی و مربوط به نظام‌های شخصیتی افراد، در قالب بحث خرده فرهنگ روستایی به پویش‌های نوگرایی در میان روستاییان پرداخته است. وی با انجام پاره‌ای از تحقیقات تجربی در مورد تقدیرگرایی در جامعه دهقانی، بر این باور است که دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند. از آنجاکه دهقان معتقد است ستیز با طبیعت به‌منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است، از این رو هر زمان خود و یا همسایه‌اش موفقیتی در زندگی به

دست آوردند، این امر را ناشی از مداخله قوای مابعدالطبیعه می‌داند. راجرز معتقد است: دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجهه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری، نرمش و گریز هستند. او در پایان نتیجه می‌گیرد روحیه تقدیرگرایی یکی از عواملی است که مانع پذیرش نوسازی و تغییر در میان دهقانان می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۲: ۳۵). به نظر او، افرادی که خیلی زود تغییر یا رویه جدیدی را می‌پذیرند از سایرین جوان‌تر، دارای پایگاه اجتماعی بالاتر و نیز ثروتمندتر هستند.

«هوگارت»^۱ در کتابی با عنوان «هواید سواد» به بررسی میزان رواج خرافات در بین طبقه کارگر پرداخته است. وی توضیح می‌دهد چگونه خرافاتی نظیر خوش‌شانسی، رؤیاها و سلامتی، در همه زوایای زندگی ما رسوخ کرده‌اند، با وجود اینکه افراد طبقه کارگر به خرافات می‌خندند و خود را از داشتن چنین عقایدی مبرا می‌دانند، اما به راهی می‌روند که در همان نقشه مشخص شده است. وی در مجموع به این نتیجه می‌رسد افراد طبقه کارگر به این علت که سواد کمتری دارند، برای مدت بیشتری به خرافات روی می‌آورند (جاهودا، پیشین: ۲۴۱).

پرواضح است نوگرایی بسیاری از عرصه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله عرصه دین؛ تاجایی که اصطلاحاتی همچون نواندیشی دینی را پدید آورده است. فرد نواندیش در هرچه مبنای عقلانی نداشته باشد با دیده تردید می‌نگرد، اما فرد غیرنواندیش بدون کمترین مقاومت، بسیاری از امور را فارغ از هرگونه پایه عقلانی می‌پذیرد. بنابراین نوع

1. R. Hogart

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۳

دینداری (نواندیشانه - غیر نواندیشانه) بر میزان خرافه‌گرایی مؤثر است. نوع دینداری به نوبه خود متأثر از متغیرهایی همچون سن، جنس، تحصیلات، نوگرایی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی است.

از سوی دیگر، براساس مطالعاتی که با استفاده از نظریه معصیت، نظریه فرویدی، نظریه محرومیت، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه نقش در بسیاری از کشورها صورت گرفته است مشخص شده است که زنان از مردان مذهبی‌ترند (دواس، ۱۳۷۶: ۲۶-۲۵).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارند. صرف‌نظر از نام‌های گوناگونی همچون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود، این مفهوم یا سازه^۱ یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها، عقاید افراد و موقعیت آنها در سلسله مراتب اجتماعی است. همان‌گونه که نابرابری در فرصت‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی می‌گذارد، در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۸۲).

«کارل مانهایم» پا را از تحلیل طبقاتی فراتر گذارده و معتقد است: «عقاید و اندیشه‌های ما تنها به وسیله طبقه اجتماعی تعیین یا مشروط نمی‌شود». از نظر او، حتی اگر طبقه، عامل مهمی باشد، عوامل دیگری مانند سن، دین و قومیت در کنار آن وجود دارند که نشانگر تعلق گروهی ما هستند. به گفته وی، حتی مقوله‌هایی که تجربیات ما در آنها گردآوری

1. construct

و مرتب می‌شوند نیز بر حسب مقام و منزلت اجتماعی این گروه‌ها تفاوت می‌پذیرند (گلوور و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۱).

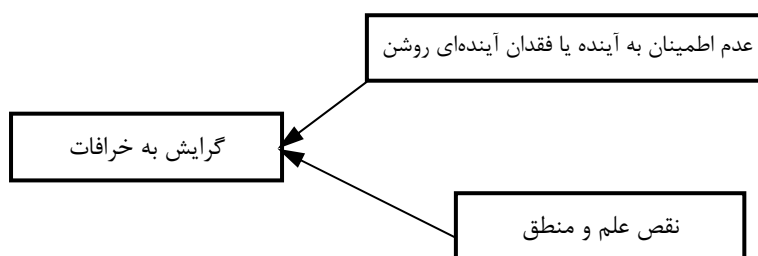
۲-۴- رویکردهای روان‌شناختی^۱

مطالعات روان‌شناسی خرافات نشان می‌دهند معمولاً در مواقع حساس و لحظاتی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، مثلاً در رویارویی با مسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی، فقر، حوادث طبیعی و پیشامدهایی از این قبیل که همیشه برای بشر اضطراب‌آور بوده و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته‌اند، خرافات زاده می‌شود. در این مواقع، انسان‌ها به دلیل اینکه نمی‌توانسته‌اند از راه علم و منطق دلایلی معقول برای توجیه اتفاق ارائه نمایند، به اعتقادات خرافی گرایش پیدا کرده‌اند تا از اضطراب و تشویش درونی رها شده و تسکین خاطر پیدا کنند (داویدیان و ساعدی، ۱۳: ۱۸).

براساس این دیدگاه، بشر همواره برای فائق آمدن بر ترس درونی خویش و ارائه راهکار مناسب در مقابل ناآگاهی خود، دست به اعمال خرافی می‌زند.

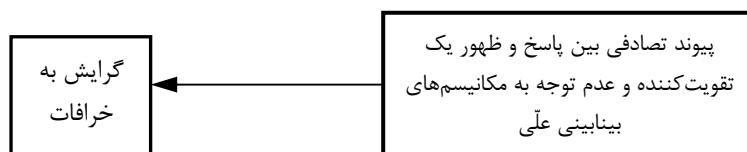
نمودار شماره ۱: روابط علی گرایش به خرافات از منظر روان‌شناسان

^۱ هرچند در این پژوهش ما تنها به میزان شیوع باورهای خرافی اکتفا نموده و کمتر به واکاوی علت‌های شیوع این دسته از عقاید می‌پردازیم، اما برای کمک به مطالعات بیشتر در این زمینه (که بسیار هم مورد نیاز است)، ادبیات نظری این موضوع را به‌طور مختصر و مجمل مورد بررسی قرار می‌دهیم.



«اسکینر» از جمله نظریه‌پردازانی است که اساس نظریه خود را بر اصل تقویت رفتار بنا نهاده است. وی معتقد است که هر گاه بین پاسخ و ظهور یک تقویت‌کننده پیوندی تصادفی وجود داشته باشد، رفتار حاصل را رفتار خرافی می‌نامیم. به‌زعم اسکینر، رفتار یا عقیده زمانی در فرد ایجاد می‌شود که فرد به‌طور مکرر یک حادثه یا تجربه را به‌طور عینی تجربه می‌کند و در این صورت این تجربه منتهی به اعتقاد به آن پدیده می‌شود.

نمودار شماره ۲: نمودار علی گرایش به خرافات از نظر اسکینر و مکتب رفتارگرایی



ایراد اساسی این نظریات روان‌شناختی آن است که اهمیت فرایندهای اجتماعی و به‌خصوص تأثیر دیگران را در فرایند گرایش به خرافات مدنظر قرار نداده‌اند؛ برخی دیگر از نظریات حوزه روان‌شناسی اجتماعی تلاش

نموده‌اند در این معادله عوامل دیگری را مورد بررسی قرار دهند که در زیر به تعدادی از این نظریات اشاره می‌شود. این نظریات هر کدام تلاش کرده‌اند تا از منظری خاص به پدیده خرافات بنگرند و آن را مورد تبیین علمی و علمی قرار دهند:

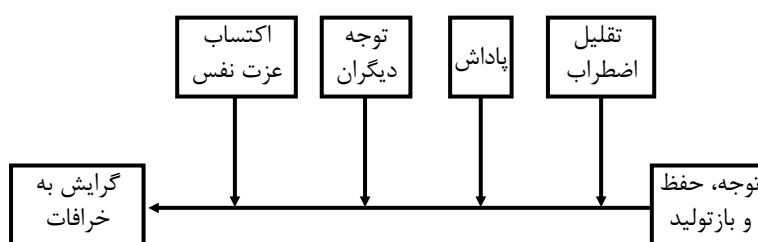
۳-۴- رویکردهای روان‌شناختی اجتماعی

روان‌شناسان اجتماعی با انتقاد از تقلیل‌گرایی موجود در نظریه‌های روان‌شناختی، عواملی چون فرایندهای اجتماعی، دیگران مهم و... را در نظریه‌های خود لحاظ کرده و رویکرد دیگری را پیش روی ما گشوده‌اند. از منظر نظریه یادگیری اجتماعی^۱ که یکی از نظریات مطرح در حوزه روان‌شناسی اجتماعی است و فرضیه‌های اصلی آن مبتنی بر آثار «آلبرت بندورا»^۲ می‌باشد، علت رفتارها و اندیشه‌های خرافی، فرهنگ حاکم بر جامعه است که با نفوذ و اثر بر فرد، نسل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، برخی ویژگی‌های فرهنگی و عادات اجتماعی که رنگ و بوی خرافی دارند به‌عنوان متغیرهای محیطی، افکار، اندیشه‌ها و تصورات خرافی را در فرد ایجاد می‌کنند و فرد نیز به‌عنوان یک عامل بسط خرافه در محیط بر افراد دیگر اثر می‌گذارد. به زعم بندورا، افراد در اثر توجه^۳ به بعضی ابعاد رفتاری سعی در حفظ^۴ و سپس بازتولید^۱ رفتار یاد شده می‌نمایند و درنهایت انگیزه^۲ نقش بسیار حیاتی در این زمینه دارد.

-
1. Social Learning Theory
 2. Albert Bandura
 3. Attention
 4. Retention

پیروان این نظریه اعتقاد دارند رفتار از طریق مشاهده رفتار دیگران و به خصوص رسانه‌ها و محیط در فرد ایجاد شده و از طریق تقویت‌کننده‌هایی چون تقلیل اضطراب،^۳ به دست آوردن پاداش مالی و پولی،^۴ به دست آوردن تحسین دیگران^۵ و یا اکتساب عزت نفس^۶ تقویت می‌شود.

نمودار شماره ۳: نمودار علی گرایش به خرافات از نظر بندورا



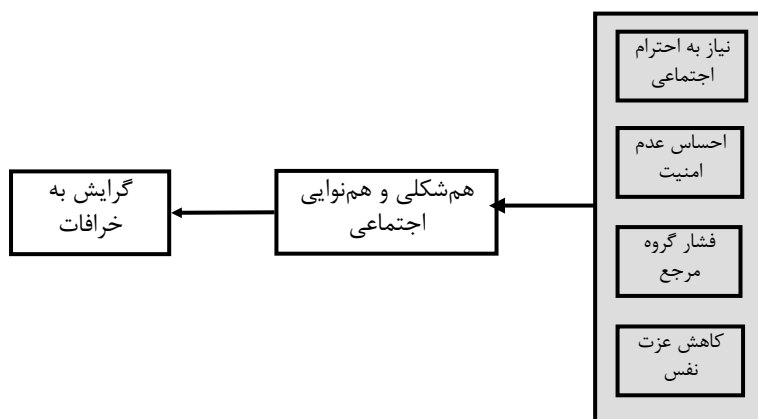
نظریه دیگری که در تبیین گرایش به باورهای خرافی وجود دارد، نظریه هم‌شکلی اجتماعی^۷ است. براساس این نظریه، خرافات ریشه در اعمال فشارهایی دارد که از جانب گروه یا یک اجتماع و به‌ویژه از سوی گروه مرجع و دیگران مهم بر فرد وارد می‌آید و در نتیجه این فشار، افراد

1. Reproduction
2. Motivation
3. Reduction of tension
4. Gaining financial reward
5. Gaining the praise of others
6. Building self-esteem
7. Social Conformity Theory

خود را ملزم می‌دانند تا در رفتار و عقاید خود تغییراتی ایجاد کنند و خود را با جمع هماهنگ سازند.

بنابراین برطبق این نظریه، بسط خرافات در اجتماع یک نوع هم‌رنگی اجتماعی محسوب می‌شود که افراد برای احراز توانایی ورود به جماعت و مورد قبول واقع شدن به آن دست می‌زنند.

نمودار شماره ۴: نمودار علی گرایش به خرافات از منظر هم‌شکلی اجتماعی



۵- گونه‌شناسی خرافات

از نظر دایره المعارف بریتانیکا^۱ انواع خرافه عبارتند از:

۱- عبادت ناشایست خدای واقعی؛

۲- بت پرستی؛

۳- فال‌گیری؛

1. Encyclopedia of Britannica

۴- عقاید باطلی (جادو و جنبل).

همچنین این دایره‌المعارف پس از طبقه‌بندی خرافات، به صورت جزئی انواع دیگر خرافات را عبارت می‌داند از: طالع‌بینی، تفال به هوا، طلسم، غیب‌گویی یا کف‌بینی، تفال به وسیله آینه، تفال به وسیله نمک، فال‌گیری با ورق، رمل و اسطرلاب، تفال به وسیله آب، پرستش خورشید، ماه، ستارگان و حیوان‌پرستی، شیطان‌پرستی، غیب‌گویی، احضار مردگان، روح‌گرایی و پیشگویی از طریق خواب، طلسم عشق، جادو و جنبل. دسته‌بندی دیگری که در مورد انواع خرافات انجام گرفته است، مربوط به دکتر یوسف فضایی است. او در مقاله خویش پس از تعریف خرافات و اوهام، خرافات را به شش دسته تقسیم می‌کند:

۱- فال‌گویی و پیشگویی حوادث آینده؛

۲- جن‌گیری و ارتباط؛

۳- طالع‌بینی، فال‌بینی و دعانویسی؛

۴- توسل به جادو، طلسم و تعویذ؛

۵- عقیده به حاکمیت سرنوشت؛

۶- عقیده به بخت، شانس و قسمت.

در ارتباط با مورد شماره ۲ نکته اینجا است که نفس اجنه و وجود آن در بسیاری از متون و کتب اسلامی تأیید شده است و حتی بسیاری از یافته‌های علمی جدید نیز مؤید وجود آنها می‌باشند؛ اما این مسئله با نحوه بهره‌برداری از آن و ادعاهایی که عوام در مواد تسخیر یا به‌کارگیری اجنه می‌نمایند، متفاوت است. بنابراین منظور ما بررسی وجود یا عدم وجود آنها نیست، بلکه آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ادعاهای افرادی است که مدعی تسخیر روح و جن هستند.

منصور نیک پناه نیز معتقد است چهار نوع خرافه در بین جوامع رایج است:

- ۱- خرافات به‌عنوان جهان بینی: اعتقاد به ارواح (پرستش درخت، رودخانه، حیوانات، ارواح نیاکان، که فتیشیسم و آنیمیسم از این دسته‌اند)؛
- ۲- خرافات اجتماعی: خوش‌شانسی، بدشانسی، به تخته زدن، طلسم، تعویذ، آینه شکستن، جاهای مراد، عطسه زدن و...؛
- ۳- تجربه‌های غیبی: اشباح، خانه‌های جن‌زده، پیشگویی و فال‌گویی؛
- ۴- خرافات شخصی: تصور شخصی در مورد سعد و نحس بودن رنگ‌ها، روزها، مکان‌ها و....

طبقه‌بندی‌هایی که تاکنون در مورد انواع خرافات انجام گرفته است هرکدام در نوع خود بسیار جالب و قابل توجه هستند، اما بعضی از آنها اصول اولیه جامعیت و مانعیت را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند؛ لذا با امعان نظر به طبقه‌بندی‌های انجام گرفته و بررسی زمینه‌های مشترک اعتقادات خرافی، طبقه‌بندی زیر که بیشتر براساس گرایش به خرافات انجام شده است، ارائه می‌شود. براساس این تقسیم‌بندی خرافات، به چهار دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- اعتقاد به نیروهایی که در طبیعت هستند؛ این دسته از خرافات به ابعاد ماوراء الطبیعی زندگی انسان‌ها اشاره می‌کنند و در واقع بیشتر حالت شهودی دارند. در این طبقه، خرافاتی چون احضار و ارتباط با ارواح، احضار و ارتباط با اجنه و جادوگری قرار می‌گیرد.

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ۳۱

۲- پیش‌بینی حوادث آینده (پیشگویی)؛ دسته دیگر از خرافات ماهیت پیشگویی و پیش‌بینی حوادث آینده دارند و مواردی چون فال‌گیری، طالع‌بینی و کف‌بینی از این نوع هستند.

۳- دور کردن بلا و مصیبت؛ برخی دیگر از خرافات به منظور دور کردن بلا و مصیبت انجام می‌گیرد. مانند آویزان کردن مُهره مار، اسفند دودکردن و تخم مرغ شکستن.

۴- دست‌یابی به خواسته‌ها و نیازها؛ دسته دیگر از انواع خرافات ناظر بر این باور هستند که خرافات در خدمت افراد قرار می‌گیرند تا دخل و تصرفی در پدیده‌ها به وجود آورند و این دخل و تصرف معمولاً برای برآوردن نیاز یا خواسته‌ای از بشر به کار می‌رود. این طبقه، مواردی چون افسونگری، درمان بیماری‌های لاعلاج و چیزخور کردن افراد را شامل می‌شود.

۶- چالش‌های موجود و پیش‌روی سنجش خرافه‌گرایی و استراتژی تحقیق در قبال آن

در ارتباط با خرافه و خرافه‌گرایی ذکر این نکته ضروری است که خرافه همیشه از دید ناظر خارجی که علم به روابط بین پدیده دارد (به این مفهوم که روابط بین پدیده علمی است)، معنا می‌یابد. بر این اساس، شیوه رایج حل یا توضیح مسئله در یک پارادایم خاص یا یک گفتمان حاکم به هیچ عنوان خرافه یا خرافه‌گرایی به حساب نمی‌آید. خرافه آن هنگام معنا می‌یابد که از خارج گفتمان و فراروایت‌های حاکم بر گفتمان، از زاویه و منظر گفتمانی دیگر و پارادایمی متفاوت به آن نظر کنیم و به آن نسبت خرافه دهیم. به بیان دیگر، مدعی آن شویم که شیوه توضیح یا

حل مسئله طرف مقابل بر مبنای واقعیت نیست. علت اینکه در تعریف از خرافه بر غیراثباتی بودن و غیرعلمی بودن گزاره‌ها و قضایای خرافی تأکید می‌شود، این است که گفتمان و پارادایم حاکم، گفتمان علمی و از نوع اثباتی آن است. بر همین اساس، کلیه گزاره‌های غیراثباتی و تجربی خرافه از نوع منفی ارزیابی می‌شوند.

با ذکر این نکته که تحقیق حاضر به منظور سنجش میزان خرافه‌گرایی در بین مردم تدارک دیده شده است، با دقت نظر به چالش‌های موجود و پرهیز از اختلاط مفهوم خرافه با مفاهیمی چون سنت، دین و حقیقت، همچنین پرهیز از قضاوت شخصی درباره عقاید رایج و انتخاب خرافه از بین آنها و به منظور توصیف وضعیت موجود از بین راهکارهای مختلف، راهکار تجربی انتخاب شده است. در این روش چندین نکته نظری و روشی مورد توجه قرار گرفته است که این نکات عبارتند از:

۱- بعد از مطالعه مفصل ادبیات نظری انواع خرافات، آن نوع عقایدی به عنوان خرافه انتخاب می‌شوند که دارای معیار تواتر و نوعی اعتبار صوری^۱ باشند. به عبارت دیگر، متون زیادی به خرافه بودن این نوع عقاید و باورها اذعان داشته باشد.

۲- در این تحقیق، ارزیابی پاسخگو از خرافی بودن یا نبودن یک عقیده، ملاک عمده تمیز عقاید حقیقی و عقاید خرافی از یکدیگر بودند.

۳- در این روش پاسخگو نخست نظر خود را از واقعیت داشتن یا نداشتن عقاید مطرح شده ابراز می‌دارد (جزء ارزیابی نگرش)، سپس

۱. اعتباری که تعداد زیادی از اندیشمندان اذعان دارند معتقدند این نوع معرف‌ها شاخص سنجش خرافه‌گرایی هستند.

میزان تمایل خود به رفتار خرافی را بیان می‌نماید (جزء تمایل به عمل نگرش) و در نهایت نتیجه‌مند بودن یا نبودن نوع رفتار ابراز شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

این روش چندین مزیت دارد: نخست اینکه بر آراء و عقاید مردم در مورد باورها تکیه می‌کند و دیگر اینکه مانع دخالت نظر محقق در خرافی بودن یا نبودن یک رفتار/ عقیده می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر سعی کرده است با راهکارهای متفاوت به بررسی میزان خرافه‌گرایی مردم بپردازد. آنچه واضح می‌باشد، این است که به دلیل چالش‌های موجود و عدم وجود ادبیات نظری و ریشه‌شناسی انواع خرافه در جامعه باید در تعمیم نتایج احتیاط شود.

۷- روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی انجام شده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها بهره جسته است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه شهروندان تهرانی هستند که از تعداد کل جامعه آماری نمونه ۱۰۱۷ نفری به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss11/5 استفاده شد که بنا بر ضرورت از آمارهای توصیفی و استنباطی چون جداول دو بعدی^۱، ضرایب همبستگی^۲ و مقایسه میانگین‌ها^۳ استفاده شده است.

-
1. Cross tables
 2. Pearson Correlation
 3. Compare Mean

۸- یافته‌ها

۸-۱- یافته‌های توصیفی (توصیف یافته‌ها)

۸-۱-۱- سیمای پاسخگویان

همان‌گونه‌که در جدول شماره ۱ مشخص است، ۴۹/۴ درصد از افراد وارد شده در نمونه را زنان و ۵۰/۱ درصد دیگر را مردان به خود اختصاص داده‌اند. از این میان ۳۲/۶ درصد مجرد و ۶۷/۴ درصد متأهل هستند. از میان اقوام مختلف فارس‌ها، با ۶۰/۱ درصد بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند. پس از فارس‌ها ترک‌ها با ۲۸/۹ درصد از نظر فراوانی در رتبه دوم جای دارند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی درصدی متغیرهای زمینه‌ای کیفی

متغیرها	جنسیت		وضعیت تأهل		قومیت			محل تولد		
	زن	مرد	مجرد	متأهل	فارس	ترک	سایر اقوام	تهران	شهرستان	
درصد فراوانی	۴۹/۹	۵۰/۱	۳۲/۶	۶۷/۴	۶۰/۱	۲۸/۹	۱۱/۱	۳۲/۶	۳۷/۷	
									شهر	روستا
									۷۲/۴	۲۷/۶

میانگین سنی افراد پاسخگو ۳۵ سال، مدت اقامت در تهران ۲۹ سال و میانگین تحصیلات پاسخگویان نیز ۱۱/۲ سال است.

۲-۱-۸- آگاهی مردم در مورد باورهای خرافی

هسته مرکزی نگرش، موضوع نگرش است. به بیان دیگر، تا موضوعی وجود نداشته باشد، نگرشی پیرامون آن شکل نمی‌گیرد و همین ارتباط، سؤال آغازین تحقیق حاضر در پی کشف آگاهی مردم از وجود باورهای خرافی بود. بدین منظور ورود به بحث با این سؤال آغاز شد: «برخی باورها و عقاید در بین مردم وجود دارند که عده‌ای از مردم انجام دادن آن را خوب می‌دانند و بعضی دیگر انجام آن را خیلی خوب نمی‌دانند. به عنوان مثال بعضی افراد برای جلوگیری از چشم‌زخم اسپند دود کردن را مفید می‌دانند. شما تا به حال در مورد این عقاید چیزی شنیده‌اید؟» نتایج نشان می‌دهد ۳/۹ درصد از افراد مورد مطالعه در این زمینه اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند. صرف‌نظر از اینکه ۳/۹ درصد از افراد اظهار بی‌اطلاعی‌شان ناشی از طرح بد سؤال پرسش‌گر، فهم نادرست از سؤال و ملاک قرار دادن تنها عقیده اسپند دود کردن و یا بی‌اطلاعی آنها از این‌گونه عقاید است. به‌طور قطع می‌توان گفت: ۹۶/۱ درصد از پاسخگویان در این مورد آگاهی داشته و حداقل یک بار در مورد این نوع عقاید چیزی شنیده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر حسب آگاهی یا

عدم آگاهی از وجود باورهای خرافی

درصد فراوانی	اطلاع از وجود باورهای خرافی
۹۶/۱	بلی
۳/۹	خیر
۱۰۰	کل

۳-۱-۸- اظهار نظر درباره واقعی یا غیرواقعی بودن برخی از عقاید رایج
 به‌منظور اطلاع از نظر جامعه درباره عقاید خرافی رایج، از پاسخگویان خواسته شد نظر خود را درباره واقعی یا غیرواقعی بودن برخی عقاید رایج ابراز نمایند. جدول شماره ۴ میانگین نظرات پاسخگویان درباره هر عقیده را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: میانگین نظرات پاسخگویان درباره برخی عقاید رایج

آویزان کردن مهره مار برای جلوگیری از چشم‌زخم	گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجت	شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم‌زخم	صبر کردن پس از عطسه برای رفع خطر احتمالی	اسپند دود کردن برای جلوگیری از چشم‌زخم	آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او	باور
۱/۲۷	۱/۵	۸/۱	۲/۲۲	۲/۲۶	۲/۴۰	میانگین

Min=1 max=3

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، پاسخگویان عقیده آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او را بیشتر از سایر عقاید منطبق با واقعیت دانسته‌اند (میانگین؛ ۲/۴۰) [بین نقاط شاید واقعیت داشته باشد و قطعاً واقعیت دارد].

۴-۱-۸- عمل به باورهای خرافی

پس از اطلاع از باور فرد پاسخگو، در ادامه از او سؤال شد آیا تاکنون این اعمال را انجام داده‌اید یا خیر و پس از نتیجه عمل نیز او مورد سؤال واقع شد که در زیر گزارش می‌شود.
 در زمینه انجام هریک از باورهای مطرح شده فوق، نتایج نشان می‌دهد به موازات میانگین باورهای جمعی ۷۹/۵ درصد از پاسخگویان

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۳۷

تاکنون عمل آب ریختن پشت سر مسافر را برای سلامت او انجام داده‌اند. درصد انجام سایر رفتارهای خرافی در جدول شماره ۵ خلاصه شده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی درصد پاسخگویان برحسب عمل به

برخی از عقاید

آویزان کردن مُهره‌مار برای جلوگیری از چشم‌زخم	گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجت	شکستن تخم‌مرغ برای جلوگیری از چشم‌زخم	صبر کردن پس از عطسه کردن برای رفع خطر احتمالی	اسپند دود کردن برای جلوگیری از چشم‌زخم	آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او	باور
۷/۶	۲۸/۸	۴۳/۱	۶۴/۶	۷۸/۵	۷۹/۵	درصد مرتکبان

میانگین ارتکاب به اعمال خرافی که توسط فرد متعهد قابل انجام است، حدود ۵۰/۳۵ درصد می‌باشد.

۵-۱-۸- سودمندی عمل به باورها

صرف‌نظر از اینکه باور داشتن به یک موضوع می‌تواند زمینه‌های ارزیابی مثبت درباره آن موضوع را فراهم کند، احساس اینکه موضوع، پدیده، عمل یا حادثه‌ای منجر به نتیجه مثبت برای فرد شده باشد می‌تواند به‌عنوان یک پاداش و تقویت‌کننده رفتار، زمینه‌های ارزیابی مثبت و استنتاج سودمندی را به همراه داشته باشد. در این راستا، از پاسخگویان خواسته شد در خصوص سودمندی باورهای انجام شده (عمل به باور) اظهار نظر نمایند.

نتایج حکایت از آن دارند که ۹۲/۳ درصد از پاسخگویانی که عمل شکستن تخم‌مرغ را انجام داده‌اند، اعتقاد دارند این کار باعث دفع چشم‌زخم می‌شود. برای سایر باورها درصد‌های مربوط به قرار جدول شماره ۶ هستند.

نمودار شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سودمندی اعمال انجام شده

نتیجه‌مند بودن (درصد)	سودمند بودن اعمال انجام شده
۸۴	اسفند دود کردن برای جلوگیری از چشم‌زخم
۷۹/۷	آویزان کردن مُهره‌مار برای جلوگیری از چشم‌زخم
۹۲/۳	شکستن تخم‌مرغ برای جلوگیری از چشم‌زخم
۹۱/۶	آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او
۵۹	گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجات
۹۱/۲	صبر در هنگام عطسه برای رفع خطر احتمالی

۶-۱-۸- باور، مراجعه و سودمند دانستن افراد مدعی ارائه خدمات خارق‌العاده درکنار باور به موضوعاتی که فرد خود می‌تواند به آنها دست نزند، باور به موضوعاتی نیز رایج است که از پیچیدگی بیشتری برخوردارند و فرد قادر به انجام آنها نیست (خود را قادر به انجام آنها نمی‌داند). در همین راستا و براساس همین نیاز، افراد و گروه‌هایی فرصت را غنیمت شمرده و با ادعای اینکه قادر به پاسخگویی به این نیازها هستند، خدماتی را عرضه می‌کنند. این دسته از افراد شامل رمال‌ها، فال‌گیرها، جن‌گیرها و... هستند. در این ارتباط، ارزیابی پاسخگویان از واقعی بودن

یا واقعی نبودن ادعاهای این افراد مورد سنجیده قرار گرفت، سپس میزان مراجعه افراد مورد مطالعه این افراد سنجش و در نهایت نتیجه‌مند بودن یا نبودن این مراجعه نیز از پاسخگویان پرسیده شد.

۷-۱-۸- باور به افراد مدعی ارائه خدمات خارق‌العاده (واقعی و غیرواقعی دانستن این ادعاها)

مقایسه میانگین‌های مربوط به واقعی یا غیرواقعی بودن ادعاهای افراد فوق نشان می‌دهد پاسخگویان بیش از هر کس ادعاهای افسونگران را غیرواقعی می‌پندارند؛ هرچند نباید این نکته را نیز فراموش کرد که نگرش پاسخگویان هیچ‌گاه از متوسط به سمت واقعی دانستن این افراد تمایل پیدا نکرده است؛ بدین معنا که افراد مورد مطالعه چندان اعتقادی به افراد و ادعاهای آنها ندارند. میانگین نظرات پاسخگویان درخصوص میزان واقعی یا غیرواقعی بودن انواع گروه‌های مدعی ارائه خدمات خارق‌العاده به قرار زیر است:

کسانی که توانایی احضار و ارتباط با روح مردگان را دارند، با میانگین ۱/۵۸، کسانی که توانایی ارتباط با اجنه و احضار آنها را دارند ۱/۵۱، کسانی که اظهار می‌کنند قادر به طلسم و جادو کردن هستند ۱/۴۲، کسانی که اظهار می‌کنند می‌توانند بیماری‌های لاعلاج را درمان کنند ۱/۴۰ درصد، طالع‌بین‌ها^۱ ۱/۳۷ درصد، فال‌گیرها^۲ ۱/۳۷ درصد، و کف‌بین‌ها^۳ ۱/۲۱ درصد.

^۱ کسانی که از طریق سیارات ابعاد درونی شخصیت فرد را می‌شناسند.

^۲ کسانی که به وسیله خصوصیات و مشخصات فرد، آینده او را پیش‌بینی می‌کنند

^۳ افرادی که از طریق خطوط کف دست، فرد را شناسایی می‌کنند

۸-۱-۸- مراجعه به افراد مدعی خدمات خارق العاده

در زمینه وضعیت مراجعه به هر یک از افراد فوق، نتایج نشان می‌دهد پاسخگویان بیش از همه به فال‌گیرها (۱۷/۲ درصد) و کمتر از همه به احضارکنندگان اجنه مراجعه نموده‌اند (۴/۸ درصد). مراجعه به طالع‌بین‌ها (۱۰/۶ درصد)، افسونگران (۹/۸ درصد)، احضارکنندگان ارواح (۸/۸ درصد) بوده که در رده بعد از فال‌گیرها قرار دارند. ستون میانی جدول شماره ۷ توزیع فراوانی درصد مراجعه‌کنندگان به مدعیان این‌گونه اعمال را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مراجعه و نتیجه‌مند بودن مراجعه به افراد مدعی خدمات خارق العاده

نتیجه‌مند بودن (درصد)	مراجعه (درصد)	
۷۰	۸/۸	احضارکنندگان ارواح
۷۴/۱	۹/۸	افسونگران
۷۱/۷	۴/۸	احضارکنندگان اجنه
۸۳/۸	۵	جادوگران
۴۹/۱	۱۷/۲	فال‌گیرها
۷۴/۴	۱۰/۶	طالع‌بین‌ها
۵۱/۶	۷/۱	کف‌بین‌ها
۷۱/۸	۷/۷	درمان‌کنندگان بیماری‌های لاعلاج

میانگین ارتکاب به اعمال و مناسک خرافی که توسط افراد دیگر برای فرد معتقد انجام می‌شود (مراجعه) حدود ۹/۸ درصد بوده است.

۹-۱-۸- سودمندی خدمات خارق العاده دریافت شده

۷۰ درصد از مراجعه‌کنندگان به احضارکنندگان ارواح معتقد بودند این مراجعه نتیجه داشته است، ۷۴/۱ درصد از مراجعان به افسونگران از مراجعه راضی بودند، ۷۱/۷ درصد از مراجعه‌کنندگان به احضارکنندگان اجنه کار آنها را نتیجه‌مند دانسته‌اند، ۶۳/۸ درصد از مراجعان به جادوگران کار آنها را سودمند دانستند، ۴۹/۱ درصد از کسانی که به فال‌گیرها مراجعه نموده‌اند کار آنها را با نتیجه دانستند، ۷۴/۴ درصد از مراجعان به طالع‌بین‌ها این مراجعه را با نتیجه قلمداد نموده، ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان مراجعه‌کننده به کف‌بین‌ها، این مراجعه را با نتیجه دانسته و درنهایت ۷۱/۸ درصد از کسانی که نزد درمان‌کنندگان بیماری‌های لاعلاج رفته‌اند، کار آنها را با نتیجه دانسته‌اند. بنابراین، از نظر پاسخگویان بیشترین میزان نتیجه‌مند بودن مراجعه، مربوط به طالع‌بین‌ها است (جدول شماره ۷ ستون سمت چپ).

۱۰-۱-۸- مقایسه میانگین‌های عقاید ذکر شده

یکی از اساسی‌ترین خصایص کار عملی، مقایسه است. با مقایسه می‌توان ابعاد مورد مطالعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و رأی بر اولویت یکی و تأخر دیگری داد. به دلیل اهمیت مقایسه در همه علوم و به خصوص علوم اجتماعی در این بخش میانگین انواع مختلف عقاید و باورهای خرافی که در بالا به صورت تک‌تک گزارش شد، با یکدیگر مقایسه می‌شود. لازم به ذکر است که هر عقیده و باور خرافی از ۱ تا ۳ نمره‌گذاری شده که نمره ۱ کمترین و نمره ۳ بیشترین نمره است.

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین عقاید

میانگین (درصد)	نوع عقیده
۱/۵۵	عدد ۱۳ نحس است.
۲/۳۹	خوش‌شانسی و بدشانسی
۱/۲۷	زدن ناخن‌ها به هم باعث دعوا می‌شود.
۱/۴۱	اگر کفش‌ها روی همدیگر قرار گیرد، فرد به مسافرت خواهد رفت.
۱/۲۱	حضور دختر دم بخت بر سر سفره عقد دختر دیگر نحس است.
۱/۶۳	افتادن قند در چای باعث آمدن میهمان می‌شود.
۱/۲۶	سوت زدن در شب بدیمن است.
۱/۵۳	اگر تیغه‌های قیچی را به هم بزنند، حتماً دعوا می‌شود.
۱/۲۱	اگر سر بینی بخارد، حتماً به میهمانی خواهید رفت.
۱/۲۹	حمام کردن در بعضی روزها بدیمن است.
۱/۳۹	بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها نحس هستند.
۱/۶۶	خاریدن کف دست نشانه پولدار شدن فرد است.
۲/۲۰	صبر کردن در هنگام عطسه نمودن.
۱/۸۲	ردیف شدن استکان‌ها پشت سر هم نشانه آمدن مهمان است.
۱/۳۲	موها را نباید در شب شانه کرد.
۱/۷۳	نگهداری جغد در خانه نشانه شوم بودن آن است.
۱/۳۲	خوردن پیاز خام در روز جمعه خوب نیست.
۱/۴۰	پاشیدن نمک در کفش میهمانی که می‌خواهیم زودتر برود.
۱/۲۱	نگاه کردن به آینه در شب بدیمن است.
۱/۶۵	لقمه غذا اگر در گلوئی شخص گیر کند، یکی از اعضای خانواده گرسنه است.
۱/۷۹	اگر تفاله چای روی آب بیاید، نشانه آمدن میهمان است.

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۴۳

۱/۳۴	لکه سفید روی ناخن نشانه خوشبختی است.
۲/۳۷	اگر شخص فوت شده در خواب چیزی به شما بدهد، طلب خیرات از شما دارد.
۲/۰۲	اگر شخص فوت شده در خواب چیزی از شما بگیرد، از بین فامیل کسی می‌میرد.
۱/۶۴	زنی که تازه بچه به دنیا آورده است نباید تنها بماند، زیرا آل به سراغش می‌آید و او را می‌برد.
۱/۵۱	وصل کردن سنجاق به لباس برای محافظت از جن‌زدگی
۱/۸۶	وقتی پسری سر سفره غذا می‌رسد، مادرزنش او را دوست خواهد داشت.
۱/۳۶	بچه ای که زیاد گریه کند، قطعاً خوش آواز می‌شود
۱/۷۰	خوردن ته دیگ توسط عروس و داماد باعث آمدن باران در شب عروسی می‌شود.
۱/۶۳	پاشیدن آب به گربه باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود.
۱/۳۱	گرفتن چاقو به طرف کسی باعث کم شدن عمر شخص می‌شود.

همان‌گونه‌که در جدول فوق ملاحظه می‌کنید، میانگین میزان مقبولیت (قبول داشتن یا نداشتن) عقاید عنوان شده نشان می‌دهد: اولاً اکثر عقاید تاحدودی پایین‌تر از متوسط قرار گرفته‌اند و این امر نشان از این دارد که اکثریت مردم عقاید مطرح شده فوق را کمتر قبول دارند و ثانیاً، عقایدی چون خوش‌شانسی و بدشانسی، صبر کردن در هنگام عطسه نمودن، اگر شخص فوت شده در خواب چیزی به شما بدهد طلب خیرات از شما دارد و اگر شخص فوت شده چیزی از شما بگیرد از بین فامیل کسی می‌میرد، بالاتر از متوسط قرار گرفته‌اند و به سمت قبول دارم، تمایل پیدا کرده‌اند.

در تحلیل داده‌های فوق می‌توان هر یک از باورها را یک گزاره شرطی در نظر گرفت که دارای حداقل دو مفهوم اصلی است و به‌گونه‌ای به هم پیوند داده شده‌اند. در نگاهی به مفاهیم موجود در هر یک از گزاره‌ها مشاهده می‌شود هرچه مفاهیم به سوی مفاهیم انضمامی و عینی نزدیک‌تر می‌شوند، از میزان باور جامعه (میانگین) کاسته می‌شود (به جز گزاره‌ای که در ارتباط با مهمان و مهمان‌نوازی است). بالاترین ارقام (میانگین) مربوط به گزاره‌هایی است که انتزاعی‌ترین، غیرواقعی‌ترین و غیرتجربی‌ترین مفاهیم را در خود دارند. به عبارت دیگر، مفهوم اولیه یا شرط گزاره خود نیز انتزاعی باشد.

از نگاهی دیگر چنانچه گزاره‌ها را به دو دسته گزاره‌های مثبت و منفی تقسیم نماییم و میانگین میانگین‌های‌شان را باهم مقایسه کنیم، خواهیم دید مقدار گزاره‌های مثبت (۶۴/۱) بیشتر از گزاره‌های منفی (۳۹/۱) است. این بدان معنا است که میزان گرایش مردم به گزاره‌ها یا عقایدی که اشارات مثبتی را در زندگی ترویج می‌کنند، بیش از گرایش به موارد منفی است. به‌عنوان شاهدی بر مدعا می‌توان به گزاره‌های ۲۳ و ۲۴ اشاره کرد. این دو گزاره در حقیقت بیان یک حقیقت از دو زاویه است، اما گرایش به گزاره ۲۳ بیشتر است.

نکته: از آنجایی که مورد شماره ۲ یک گزینه خنثی، غیرشرطی و غیراجباری می‌باشد، از دور محاسبه خارج شده است.

۱۱-۱-۸- مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها

در خصوص مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها توسط پاسخگویان، نتایج نشان می‌دهد ۱۳/۲ درصد از افراد مورد مطالعه همیشه ستون

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ۴۵

طالع‌بینی روزنامه‌ها را مطالعه می‌کنند، ۴۲/۳ درصد بعضی وقت‌ها این کار را انجام می‌دهند و ۴۳/۶ درصد ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها را اصلاً مطالعه نمی‌کنند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مطالعه یا عدم

مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها

درصد	ارزش‌های متغیر
۱۳/۲	بلی، همیشه
۴۲/۳	بلی، بعضی وقت‌ها
۴۳/۶	خیر، اصلاً

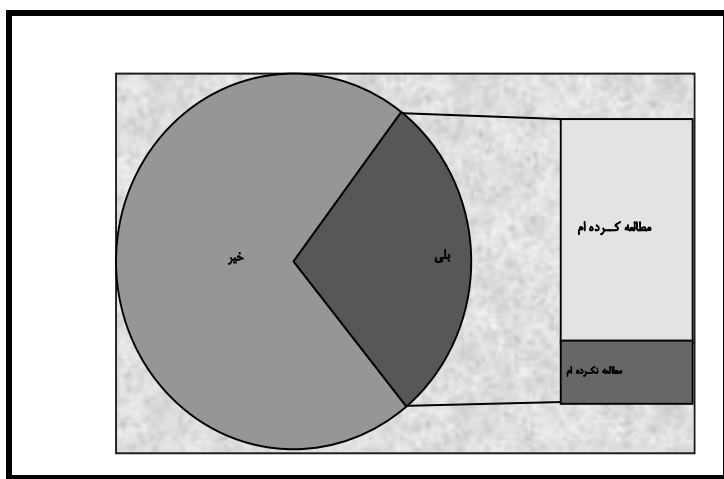
۱۲-۱-۸- وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل و مراجعه به آن

مطالعات و تحقیقات عدیده نشان داده است اگر فرد در معرض چیزی قرار داشته باشد، به مرور زمان تمایل و کششی به سمت آن در فرد به وجود می‌آید. این نظریه به‌ویژه در مباحث کنترل اجتماعی و از بین بردن زمینه‌های جرم و انحراف بسیار مفید و مؤثر بوده است. به همین ترتیب و براساس ایده نهفته در این نظریه می‌توان انتظار داشت گرایش به عقاید خرافی نیز با وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل شدت و ضعف پیدا کند. در این جا تهیه کتاب طالع‌بینی مدنظر نیست - کسی که کتاب را تهیه کرده است، زمینه استفاده و گرایش به آن را نیز دارد- بلکه فرض وجود و تهیه آن توسط فرد دیگر است. نتایج این تحقیق نیز گویای این است که ۲۸ درصد از پاسخگویان در منزل خویش کتاب طالع‌بینی داشته و ۷۲ درصد این امکان را در اختیار نداشته‌اند و میان کسانی که در منزل خویش کتاب طالع‌بینی داشته‌اند (۲۸ درصد)، ۲۲ درصد به این

۴۶ ▶ جامعه‌شناسی خرافات در ایران

کتاب‌ها مراجعه نموده و ۶ درصد بقیه به این کتاب‌ها مراجعه نکرده‌اند، لذا نتایج نیز فرضیه فوق را حمایت می‌کند و وجود کتاب طالع بینی در منزل، احتمال استفاده از آن را نیز بیشتر کرده است.

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل و مراجعه به آنها



۲-۸- تحلیل یافته‌ها

پس از بررسی نتایج توصیفی متغیرهای موجود در طرح بررسی اعتقادات فرهنگی شهروندان تهرانی، در ادامه پاره‌ای از نتایج تبیینی جالب توجه در این طرح مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش قبل درصدها و میانگین‌های مربوط به هر عقیده و باور مورد بررسی اجمالی قرار گرفت، سپس به منظور دستیابی به یک ارزیابی کلی

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۴۷

از میزان اعتقاد مردم به این‌گونه باورها، تمام باورها دوباره کدگذاری^۱ شد، بدین منظور در کدگذاری جدید کسانی که معتقد بودند عقیده‌ای قطعاً واقعیت دارد، بیشترین نمره (۳) گرفتند و به کسانی که در طرف دیگر طیف یعنی قطعاً واقعیت ندارد بودند، نمره ۱ داده شد. پس از انجام این تغییرات در داده‌ها تمام عقاید و باورها با یکدیگر ترکیب^۲ شدند تا نگرش کلی پاسخگویان به دست آید. نتیجه‌ای که از این ترکیب حاصل شد، در یک مقیاس صفر تا صد برابر ۳۲/۴۷ بود که میانگین نگرش کلی پاسخگویان به این دسته از عقاید را نشان می‌دهد؛ لذا می‌توان گفت: میزان شیوع این‌گونه باورها در جامعه خیلی زیاد نیست و پایین‌تر از حد متوسط و میانه است.

$$\frac{x - \min}{\text{Range}} \times 100 = \frac{75/16 - 47}{(133 - 47)} \times 100 = 32.47$$

۱-۲-۸- تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به خرافات

با توجه به پیش‌زمینه‌های گفته شده برای متغیر جنسیت در مبانی نظری، به نظر می‌رسد این تغییر بر میزان اعتقاد به باورهای خرافی تأثیر داشته باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد میانگین باورهای خرافی در بین مردان ۷۳/۲۵ و در بین زنان ۷۶/۹۹ درصد است. بنابراین میزان گرایش به خرافات در بین زنان بیشتر از مردان است. آزمون F محاسبه شده برابر با ۱۳/۴۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۱، بیانگر آن است که تفاوت بین میانگین‌های زنان و مردان از سر تصادف و یا ناشی از خطا در

-
1. Recode
 2. Compute

نمونه‌گیری نیست، بلکه ناشی از اختلافات واقعی است که در بین سطوح متغیر جنسیت وجود دارد. ضریب آماری Eta2 نیز با مقدار ۰/۰۱۳ گویای این است که متغیر جنسیت به تنهایی ۱ درصد متغیر وابسته (اعتقاد به باورهای خرافی) را تبیین می‌کند.

جدول شماره ۹: آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب جنسیت

Eta2	sig	F	Mean	N	جنسیت
۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۱۳/۴۸	۷۳/۲۵	۵۰۸	مرد
			۷۶/۹۹	۵۰۵	زن
			۷۵/۱۱	۱۰۱۳	کل

۲-۲-۸- تأثیر وضعیت تأهل بر میزان گرایش به باورهای خرافی

آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین گرایش به باورهای خرافی بر اساس وضعیت تأهل، نشان می‌دهد که میانگین گرایش به خرافات در بین مجردین ۴۷/۶۰، در بین متأهلین ۷۵/۴۵، واریانس بین گروهی ۱۶۱/۷۷ و آزمون F رابطه، برابر با ۰/۶۰۶ است که در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت: علی‌رغم وجود تفاوت بین میانگین گرایش به باورهای خرافی در بین مجردین و متأهلین، این تفاوت به گونه‌ای نیست که بتوان آن را معنادار فرض نمود. بر این اساس می‌توان گفت: تفاوتی بین گرایش به خرافات در بین مجردین و متأهلین وجود ندارد.

جدول شماره ۱۰: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب وضعیت تأهل

جنسیت	N	Mean	Std. Deviation	F	Sig	Eta2
مجرد	۳۲۶	۷۴/۶۰	۱۴/۳۵	۰/۶۰۶	۰/۴۳۷	۰/۰۰۱
متأهل	۶۷۴	۷۵/۴۵	۱۷/۲۲			
کل	۱۰۰۰	۷۵/۱۷	۱۶/۳۴			

۳-۲-۸- تأثیر رابطه بین میزان درآمد بر میزان گرایش به خرافات

جدول ضریب همبستگی حاصل ارتباط این دو متغیر نشان می‌دهد که هرچه بر میزان درآمد پاسخگویان افزوده می‌شود، میزان خرافه‌گرایی کاهش پیدا می‌کند. ضریب همبستگی پیرسون این دو متغیر (۰/۲۴۳) = r می‌باشد که نشان‌دهنده ارتباط تقریباً متوسط رو به پایینی بین این دو متغیر است؛ جهت این ارتباط نیز منفی است. این رابطه در سطح ۰/۰۰۰ معنادار می‌باشد، بنابراین بین میزان درآمد با میزان خرافه‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد.

جدول شماره ۱۱: ضریب همبستگی بین میزان درآمد و گرایش به

خرافات

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۰	-/۲۴۳	۹۸۱	درآمد و گرایش به خرافات

۴-۲-۸- تأثیر میزان تحصیلات پاسخگویان بر میزان گرایش به خرافات

یکی دیگر از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان گرایش به خرافات، تحصیلات پاسخگویان است؛ به طوری که احتمال می‌رفت با افزایش میزان

تحصیلات، میزان خرافه‌گرایی کاهش پیدا کند (رابطه معکوس). نتایج حاصل از این تحقیق نیز دقیقاً این ارتباط معکوس را اثبات می‌نماید. ضریب همبستگی بین این دو متغیر (۰/۴۳۵-) نشان می‌دهد: اولاً رابطه متوسطی بین دو متغیر وجود دارد، ثانیاً جهت این رابطه نیز معکوس است و به میزانی که تحصیلات فرد افزایش پیدا می‌کند، میزان گرایش به خرافات او کاسته می‌شود.

جدول شماره ۱۲: ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات و میزان گرایش به خرافات

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۰	-/۴۵۳	۱۰۱۳	تحصیلات پاسخگویان و میزان گرایش به خرافات

۵-۲-۸- تأثیر تحصیلات والدین بر میزان گرایش به خرافات

همان‌گونه که احتمال داده می‌شد، افزایش تحصیلات می‌تواند آگاهی‌های فرد را افزایش داده و زمینه کاهش خرافه‌گرایی را فراهم آورد. احتمال می‌دادیم تحصیلات پدر و مادر و در مجموع سطح آگاهی خانواده - به‌عنوان یکی از اولین عوامل جامعه‌پذیری- زمینه کاهش خرافه‌گرایی را در افراد فراهم آورد. در این تحقیق ضریب همبستگی تحصیلات پدر و میزان گرایش به خرافات ۰/۲۶۹ و ضریب همبستگی تحصیلات مادر و گرایش به خرافات برابر ۰/۲۵۸ است که نشان از رابطه تقریباً ضعیفی بین این دو متغیر دارد. آزمون فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰۱ مؤید فرضیه تحقیق و گویای آن است که هر قدر میزان تحصیلات والدین بیشتر باشد، میزان گرایش به خرافات نیز کاهش پیدا می‌کند.

جدول شماره ۱۳: ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات والدین و گرایش به خرافات

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۰	-/۲۶۹	۹۲۳	تحصیلات پدر و میزان گرایش به خرافات
۰/۰۰۰	-/۲۵۸	۹۳۰	تحصیلات مادر و میزان گرایش به خرافات

۶۲-۸- مدت اقامت در تهران و میزان گرایش به خرافات

ضریب همبستگی بین دو متغیر مدت اقامت در تهران و میزان گرایش به خرافات معادل ۱۱۱- نشان از ارتباط ضعیف و معکوسی بین این دو متغیر دارد و گویای این است که هرچه مدت اقامت در تهران بیشتر شود، میزان خرافه‌گرایی کمتر می‌شود. این رابطه در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد.

جدول شماره ۱۴: ضریب همبستگی بین مدت اقامت در تهران و گرایش به خرافات

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۱	-/۱۱۱	۹۶۶	مدت اقامت در تهران و میزان گرایش به خرافات

۷-۲-۸- اهلیت و میزان گرایش به خرافات

یکی از فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی و آزمون قرار گرفت، تأثیر خاستگاه اجتماعی افراد و میزان تمایلات خرافاتی آنها بود.

برای محاسبه این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد و نتایج این رابطه نشان می‌دهد که میانگین تمایل به خرافات می‌تواند توسط متغیر اهلیت تبیین شود. به بیان دیگر، از نظر میزان تمایل به خرافات میان متولدان شهر تهران با سایر شهرستان‌ها تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۵: آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب محل تولد

Eta2	sig	F	Mean	N	اهلیت
۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۱۱/۷۴	۷۳/۷۷	۶۲۳	تهران
			۷۷/۳۸	۳۷۷	شهرستان
			۷۵/۱۳	۱۰۰۰	کل

۸-۲-۸- محل تولد و میزان گرایش به خرافات

میانگین گرایش به خرافات در بین کسانی که در شهر متولد شده‌اند ۷۳/۸۴ و در بین متولدین روستا ۸۶/۲۰ است و این امر گویای آن است که تفاوت فاحشی بین گرایش به خرافات بین متولدین شهر و روستا وجود دارد. از این نظر تمایلات بیشتری در بین افرادی که در روستا هستند وجود دارد. مشاهده واریانس بین گروهی (۱۱۱۱۲/۲۰)، واریانس درون‌گروهی (۱۰۰۲۹۶/۶۲) و آزمون آماری $F(۳۸/۳۳)$ در سطح ۰/۰۰۰ نیز گویای این مطلب است که تفاوت ناشی از میزان خرافه‌گرایی در بین متولدان شهر و روستا ناشی از متغیر محل تولد است و به کمک ضریب Eta2 می‌توان گفت: ۱۰ درصد از متغیر گرایش به خرافات به وسیله متغیر محل تولد تبیین می‌شود.

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۵۳

جدول شماره ۱۶: آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین نمره
گرایش به خرافات بر حسب محل تولد

محل تولد	N	Mean	F	sig	Eta2
شهر	۲۵۲	۷۳/۵۴	۳۸/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۱۰
روستا	۹۶	۸۶/۲۰			
کل	۳۴۸	۷۷/۰۳			

۹-۲-۸- نوع شغل و میزان گرایش به خرافات

نتایج حاصل از ارتباط این دو متغیر نشان می‌دهد افراد مورد بررسی که در گروه محصلان جای گرفته‌اند، با میانگین گرایش به خرافات ۷۷/۹۵ بیشترین میزان خرافه‌گرایی را داشته و کارمندان شرکت‌های خصوصی، دولتی، مدیران مدارس و نیز اساتید دانشگاه‌ها با میانگین تقریباً ۶۹/۶۰ کمترین میزان خرافه‌گرایی را دارند. میانگین میزان خرافه‌گرایی در سایر گروه‌ها نیز عبارت است از: دانشجویان ۶۹/۹۳، فروشندگان و تجار ۷۶/۱۲، بیکاران و بازنشستگان ۷۲/۶۴، مهندسان و تکنسین‌ها ۷۰/۹۵، هنرمندان ۷۰/۵۵ و کارکنان مشاغل تولیدی ۷۷/۹۱. واریانس بین‌گروهی ۱۳۴۶۷/۲۴ و واریانس درون‌گروهی ۲۲۲۶۲۰/۴ است. آزمون آماری F محاسبه شده برابر ۵/۸۵ به دست آمده که در سطح معناداری ۰/۰۰۰ این رابطه معنادار است. ضریب آماری Eta2 این رابطه نیز برابر ۰/۰۵۷ است و نشان از این دارد که ۵/۷ درصد متغیر میزان خرافه‌گرایی براساس نوع شغل تبیین می‌شود.

جدول شماره ۱۷: آزمون واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین نمره
گرایش به خرافات بر حسب نوع شغل

Eta2	sig	F	Mean	N	نوع شغل
۰/۰۵۷	۰/۰۰۰	۵/۸۵	۷۷/۹۵	۶۹	محصل
			۷۸/۹۲	۳۰۲	خانه‌دار
			۶۹/۹۳	۶۶	دانشجو
			۷۶/۱۲	۷۳	فروشنده و تجار
			۷۲/۶۴	۱۲۴	بیکار و بازنشسته
			۶۹/۵۵	۱۱۸	کارمندان شرکت‌های خصوصی و دولتی
			۷۰/۹۵	۳۱	مهندسان و تکنسین‌ها
			۷۰/۵۴	۲۳	هنرمندان
			۷۷/۹۱	۴۳	کارکنان مشاغل تولیدی
			۶۹/۶۴	۳۲	مدیران مدارس و اساتید دانشگاه‌ها
			۷۴/۹۱	۸۸۱	کل

۱۰-۲-۸- منطقه و گرایش به خرافات

ارتباط بین منطقه و گرایش به خرافات نیز توسط آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه نشان‌دهنده این است که پاسخگویانی که در منطقه ۱۸ سکونت داشته‌اند، با میانگین گرایشی برابر ۸۶/۶۵ بیشترین میزان خرافه‌گرایی را داشته و پاسخگویان منطقه ۱ با میانگین خرافه‌گرایی برابر ۶۴/۸۷ کمترین میزان خرافه‌گرایی را داشته‌اند. میانگین خرافه‌گرایی در بین سایر گروه‌ها عبارتند از:

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۵۵

منطقه ۲ برابر ۷۵/۵۰، منطقه ۴ برابر ۶۹/۲۳، منطقه ۵ برابر ۷۵/۸،
منطقه ۶ برابر ۷۱/۴۸، منطقه ۷ برابر ۷۴/۲۹، منطقه ۸ برابر ۷۳/۷۷،
منطقه ۹ برابر ۷۹/۳۷، منطقه ۱۰ برابر ۷۰/۱۱، منطقه ۱۱ برابر ۶۵/۱،
منطقه ۱۲ برابر ۷۳/۱۱، منطقه ۱۳ برابر ۶۹/۴۶، منطقه ۱۴ برابر ۷۲/۳۱،
منطقه ۱۵ برابر ۸۳/۸۸، منطقه ۱۶ برابر ۷۶/۸۱، منطقه ۱۷ برابر ۷۸/۵۸،
منطقه ۱۹ برابر ۸۴/۶۰، منطقه ۲۰ برابر ۸۰/۵۷، منطقه ۲۱ برابر ۷۸/۹۸
و منطقه ۲۲ برابر ۶۷/۵۰.

واریانس بین‌گروهی این رابطه برابر ۳۸۵۵۲/۶۸ و واریانس
دورن‌گروهی ۲۳۲۰۱۶/۲ است. آزمون آماری F محاسبه شده نیز در
سطح ۰/۰۰۰ معنادار بوده و ضریب Eta² نیز که معادل ۰/۱۴ می‌باشد،
نشان می‌دهد ۱۴ درصد متغیر خرافه‌گرایی به وسیله منطقه محل
سکونت تبیین شده است.

جدول شماره ۱۸: آزمون واریانس یک‌طرفه تفاوت میانگین نمره
گرایش به خرافات بر حسب منطقه محل سکونت

منطقه محل سکونت	N	Mean	F	sig	Eta2
منطقه ۱	۵۰	۶۴/۸۷	۸/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴۳
منطقه ۲	۴۱	۷۵/۵۰			
منطقه ۴	۸۰	۶۹/۲۳			
منطقه ۵	۶۸	۷۵/۸			
منطقه ۶	۵۹	۷۱/۴۸			
منطقه ۷	۴۳	۷۴/۲۹			
منطقه ۸	۵۰	۷۳/۷۷			
منطقه ۹	۲۰	۷۹/۳۷			
منطقه ۱۰	۴۷	۷۰/۱۱			
منطقه ۱۱	۲۰	۶۵/۱			
منطقه ۱۲	۲۲	۷۳/۱۱			
منطقه ۱۳	۶۰	۶۹/۴۶			
منطقه ۱۴	۶۵	۷۲/۳۱			
منطقه ۱۵	۱۰۰	۸۳/۸۸			
منطقه ۱۶	۴۰	۷۶/۸۱			
منطقه ۱۷	۵۰	۷۸/۵۸			
منطقه ۱۸	۵۱	۸۶/۶۵			
منطقه ۱۹	۴۰	۸۴/۶۰			
منطقه ۲۰	۶۰	۸۰/۵۷			
منطقه ۲۱	۲۰	۷۸/۹۸			
منطقه ۲۲	۱۱	۶۷/۵۰			
کل	۱۰۱۷	۷۵/۱۶			

۹- نتیجه‌گیری

هدف نهایی از آمارها و ارقام تحقیق، نشان دادن این واقعیت است که علی‌رغم شیوع گسترده عقاید و باورهای خرافی (آگاهی از عقاید و باورهای خرافی) درصد نفوذ آن به‌عنوان یک باور در افراد بسیار پایین است (میانگین گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی برابر ۳۲/۷۴ درصد است). در همین ارتباط از بین کسانی که باور به چنین عقایدی دارند، گستره و نفوذ عقیده به اعمال و مناسک شخصی (آب پشت سر مسافر پاشیدن و...)، بیش از اعمال و مناسکی است که توسط افراد دیگر (کف‌بینی، طالع‌بینی و...) قابل انجام است.

میانگین ارتکاب به اعمال خرافی که توسط فرد معتقد قابل انجام است ۵۰/۳۵ و میانگین ارتکاب به اعمال مناسک خرافی که توسط افراد دیگر برای فرد معتقد انجام می‌شود ۸/۸۷ درصد است.

از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به اختلاف و تضاد فضای مفهومی نوگرایی (با همه شاخص‌ها و متغیرهای پیرامونی‌اش) با فضای مفهومی خرافه‌گرایی اشاره نمود. به بیان ساده، هر آنچه اساساً نوگرایی باشد و گرایش به جامعه مدرن داشته باشد (از نوع مشاغل گرفته تا محیط سکونت، تولد، تحصیلات، سطح آگاهی خانواده و...) به نحوی با مفاهیم مرتبط با خرافه‌گرایی در تضاد است. همچنین براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان ادعا کرد عقاید خرافی و باورهایی که اشاره مثبت را در زندگی ترویج می‌کنند، در مقایسه با عقاید مروج نتایج منفی، از اقبال بهتر در بین مردم برخوردارند.

به همین ترتیب می‌توان گفت: انتزاعی بودن و غیرتجربی بودن گزاره‌ها بیشترین میزان ضریب نفوذ را در عقاید و باورهای مردم دارند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۷.
۲. اینگلهارت، رونالد، تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳.
۳. جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۱.
۴. داویدیان، هاراطون و ساعدی، غ، آل و ام الصبیان بر مبنای روان‌شناسی، مجله سخن، ۱۳۴۴.
۵. دواس، دی. ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۷. گلوور، دیوید، استرابریج، شیلاف و توکل، محمد، جامعه‌شناسی معرفت و علم، ترجمه شاپور بهیان و همکاران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۸. نیکپناه، منصور، اساطیر سیستان و تجلی آن در ادب فارسی، ماهنامه اسوه، (پیاپی ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲)، ۱۳۸۴-۱۳۸۳.
۹. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۰.

ب) منابع لاتین

1. Alex Inkeles, David Horton Smith, *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries* (1974), Harvard University Press.
2. Ingersol, Robert Green, *Superstition*, (2002) Published by Kessinger Publishing.
3. Peter Kohler, *What is Superstition?* About.com
(<http://urbanlegends.about.com/cs/folklore/f/superstition1.htm>)

میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد

دکتر سیدعلیرضا افشانی*

اصغر احمدی*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد و روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر یزد تشکیل می‌دهند که ۲۴۹ نفر از آنها به‌عنوان نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر بدین صورت بوده است: در مجموع میزان نوگرایی پاسخگویان بیش از حد متوسط و میزان گرایش به خرافات پاسخگویان کمتر از حد متوسط بود. هرچه میزان نوگرایی افزایش می‌یابد، میزان گرایش به خرافات کاهش پیدا می‌کند. از بین مؤلفه‌های نوگرایی، مؤلفه‌های عقل‌گرایی، فردگرایی و علم‌گرایی تأثیر

* دکترای جامعه‌شناسی و استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی.

معکوس و معنی‌داری بر میزان گرایش به خرافات دارند؛ یعنی باعث کاهش گرایش به خرافات می‌شوند. تأثیر مؤلفه‌های سودگرایی، آزادی‌خواهی، نگرش دموکراتیک، مصرف‌گرایی و انتقادگرایی نیز معنادار نمی‌باشد. مؤلفه‌های علم‌گرایی و فردگرایی به ترتیب با ۱۲ و ۵ درصد بیشترین سهم را در تبیین میزان گرایش به خرافات داشتند. با استفاده از ترکیب خطی مؤلفه‌های مختلف نوگرایی، ۲۵/۴ درصد از واریانس میزان گرایش به خرافات تبیین گردید.

واژگان کلیدی

خرافات، نوگرایی، علم‌گرایی، فردگرایی و شهر یزد.

مقدمه

خرافه^۱، لغت عربی و ریشه آن «خرف» به معنی چیدن میوه است. خرافه با ضم خ به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. همچنین عبارت است از باور و وابستگی شدید عاطفی به یک عمل. در باورشناسی خرافه این عمل به‌گونه‌ای غیرمعقول و خارج از روال عادی، طبیعی و علمی در پیدایش، بهبود و یا از میان رفتن یک وضعیت، مؤثر واقع می‌شود (خاشعی، ۱۳۷۹: ۱).

از طرف دیگر، نوگرایی^۲، خردباوری و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حس‌ها و باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱).

نوگرایی تفاوت عمده انسان سنتی و انسان مدرن است. عقیده قدیمی و درعین حال قابل قبول «لوئی برول» این است که در جامعه‌های سنتی، به‌طور کلی جو فکری اغلب عاطفی، شاعرانه و اساطیری است. زبان، فرهنگ قومی و مذهب، همه دست به دست هم می‌دهند تا ذهن در حال رشد فرد را چنان شکل دهند که پذیرای تداوم چیزی باشد که آن را به‌طور کلی «خرافات» می‌نامند و از آنجایی که خود و جهان خارج هرگز به صورت کامل از هم تفکیک نمی‌شوند، در نتیجه مفاهیم رمزی - جادویی در سراسر زندگی شخص بر تفکر او فرمان می‌دهد. اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارند، اندیشه اولیه کنار گذاشته و نفی

-
1. Superstition
 2. Modernism

می‌شود و به جدا شدن خود از محیط و تشکیل یک جهان بینی عینی کمک می‌کند (جاهودا، ۱۳۷۱: ۱۸۴).

«کلود تاپیا» (۱۹۷۲) در تونس تحقیقاتی را انجام داده که در آنها تجدید سازمان‌ها، گرایش‌ها و تصاویر ذهنی مورد تحلیل قرار گرفته است. به عقیده وی، همراه با نو شدن جامعه باید درگرایش‌های افراد نیز تغییراتی صورت گیرد (تاپیا، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۰۹).

به گفته «ساموئل هانتینگتون»، مهم‌ترین تفاوت انسان نوین با انسان سنتی، دیدگاه او نسبت به انسان در رابطه با محیط‌اش است. در جامعه سنتی، انسان محیط طبیعی و اجتماعی‌اش را به‌عنوان یک واقعیت طبیعی می‌پذیرد و هر کوششی جهت دگرگون ساختن جامعه امکان‌ناپذیر است. نوین‌شدگی زمانی آغاز می‌شود که انسان‌ها در خودشان احساس توانایی کنند و این اندیشه را در سر پروراندند که می‌توانند طبیعت و جامعه را درک کنند و تحت سلطه خود در آورند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۴۸-۱۴۷).

«اینکلس»^۱ به همراه «اسمیت»^۲، نقطه آغاز تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می‌دانند. آنها انسان نوین را فراهم‌کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته، و برای او ویژگی‌ها و معیارهایی را برمی‌شمرند. عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و ... می‌بینند و برای معیارهای درونی درخصوص انسان نو و مدرن به ویژگی‌ها و معیارهای زیر توجه دارند:

-
1. A. Inkeless
 2. D.H.Smith

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۶۳

۱. آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر؛
۲. برخورداری از عقاید آزاد و توجه به تنوع عقاید و آگاهی از اختلاف آنها با یکدیگر؛
۳. معطوف بودن ذهن او به حال و آینده و برخوردار بودن از وقت‌شناسی و نظم و انضباط؛
۴. تمایل داشتن به برنامه‌ریزی و سازماندهی امور؛
۵. کارآمد بودن یا داشتن ایده‌ها و توانمندی‌هایی جهت تسلط بر محیط؛
۶. قابل محاسبه دانستن جهان؛
۷. احترام به دیگران؛
۸. اعتقاد به علم و تکنولوژی؛
۹. احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران (از کیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

«اینکلس» و «اسمیت» نتیجه می‌گیرند این مشخصات به صورت یک مجموعه به دنبال هم ظاهر می‌شوند و با بروز یکی از عوامل نوگرایی، زمینه برای دیگر عوامل نیز فراهم می‌شود. به نظر آنان، در مقابل جوامع نوگرا، انسانی که در جوامع سنتی زندگی می‌کند محکوم به جمود فکری، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراسان از نوآوری، بی‌اعتماد و ناآشنا به جهان خارج و به‌شدت وابسته به اقتدار سنتی است. او منفعل، فاقد همت بلندپروازانه و ناتوان در جهت تغییر سرنوشت است و به آموزش ارجحی نمی‌نهد (Inkeles & Smith, 1974: 84). «اینکلس» به وسایل ارتباط جمعی نیز اشاره می‌کند و به نظر او آنهایی که در معرض وسایل توده‌ای قرار گرفته‌اند، دیدگاه نوتری دارند (Inkeles, 1969: 205 -)

206). نوگرایی به دلیل ویژگی‌هایی که گفته شد، می‌تواند باعث کاهش گرایش به خرافات شود. همچنین براساس مطالعه‌ای که در سه شهر ایلام، اصفهان و اهواز صورت گرفته است، بین میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافات رابطه معناداری وجود دارد (افشانی، ۱۳۸۵). از این رو، میزان نوگرایی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار بر گرایش افراد به خرافات در نظر گرفته شود.

یزد به‌عنوان یکی از شهرهای سنتی و مذهبی ایران، برخوردار از محیط اجتماعی متمایز و منحصربه‌فردی است که برای موضوع پژوهش حاضر دارای اهمیت می‌باشد. نخست اینکه شهر یزد و به‌طور کلی استان یزد، در زمره یکی از توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور است و از نظر بسیاری از شاخص‌های متعارف اقتصادی - اجتماعی نظیر تحصیلات، شهرنشینی و اشتغال، بالاتر از متوسط کشوری قرار دارد. دوم اینکه، جمعیت یزد نسبتاً همگون است و تنوعات قومی، مذهبی و زبانی چشمگیر در آن وجود ندارد و در نهایت شهر یزد فرهنگ مذهبی و بسیاری از عناصر سنتی خود را تا به امروز همچنان حفظ کرده و بدین ترتیب پارادوکس سنت و مدرنیته را در خود مجسم نموده است (Tremayne, 2006). عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴).

مقاله حاضر، با ارائه یک مطالعه موردی از شهر یزد، سعی دارد میزان گرایش به خرافات در این شهر و همچنین رابطه مؤلفه‌های شکل‌دهنده جریان نوگرایی شامل فردگرایی، عقلانیت، مصرف‌گرایی، آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و گرایش به خرافات را بررسی کند.

۱- تعریف خرافات

دهخدا در مورد خرافه می‌نویسد: «نام مردی پری‌زده از قبیله غدر بوده است. او آنچه از پریان می‌دید، نقل می‌کرد. لذا مردم او را به دروغ می‌پنداشتند و باور نداشتند و می‌گفتند: «هذا حدیث خرافه و هی حدیث مستملح کذب» (لغت‌نامه دهخدا، واژه خرافه).

البته نویسنده کتاب فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی با دهخدا در مورد ریشه عربی این کلمه موافق نبوده و معتقد است: ریشه اصلی این واژه فارسی می‌باشد و سپس به زبان عربی رفته است. وی می‌نویسد: «این کلمه [خرافه] از خرفت در فارسی گرفته شده است و در عربی مصدر و فعل از آن ساخته‌اند. این واژه به معنی افسانه در فارسی نیز رایج شده و واژه خرفت در همه جای ایران به معنی گیج و نفهم به کار می‌رود. در خوزستان این واژه را (خَرَف) تلفظ می‌کنند و (خَرَف‌خانه) دخمه‌هایی را گویند که از زمان زرتشتی‌گری در بدنه کوه‌ها باقی مانده و هریک مقبره خانوادگی یک خانواده بوده است. در میان عامیان شوشتر، این افسانه رواج دارد که در دوران باستان، طول زندگی انسان‌ها دراز بود و پیران از سالخوردگی، گیج و نفهم می‌شدند و فرزندان‌شان از آنان به ستوه می‌آمدند. از این‌رو آنان را با توشه و آب در این اطاقک‌ها می‌نهادند تا بقیه عمر را در آنجا بگذرانند» (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۱۹۹).

خرافات در کتب مختلف با عناوینی از قبیل: کلام باطل و بیهوده، پریشان و افسانه (لغت‌نامه دهخدا، واژه خرافه)، حدیث باطل، سخن بیهوده و یاهو (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۰۱)، سخن موهوم و افسانه‌ای (فروتن، ۱۳۷۴: ۸۰۲)، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و

اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی بشر (صدری‌افشار، ۱۳۷۰: ۴۱۳)، هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس (فرهنگ آکسفورد، Gordon, 1994) و عقیده‌ای باقی‌مانده از گذشته، فاقد جهات عینی و یا توجیهی (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۸۶۶) تعریف می‌شود.

ویژگی‌های خرافات

در منابع مختلف و از نظر دانشمندان و صاحب‌نظران، ویژگی‌های متعددی برای خرافات ذکر شده است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- دائمی بودن و جدایی‌ناپذیری از زندگی انسان؛ خرافات بخش جدایی‌ناپذیر آن دسته از سازوکارهای انسان است که بدون آنها آدمی قادر به ادامه حیات نیست (خاشعی، ۱۳۸۰: ۷).
- ۲- جایگزینی، تسکین‌بخشی و تسلط‌آفرینی؛ یکی دیگر از ویژگی‌های خرافه آن است که به سرعت به وجود می‌آید و جایگزین انواع دیگر می‌شود. به اعتقاد «یونگ»، اگر اجتماع نتواند مضامین مشترک برای باورهای ما عرضه کند، مجبور خواهیم شد به جای آنها به چیزهای دیگر متوسل شویم (نقل از روزت، ۱۳۷۱: ۲۰۸).
- ۳- پایدار بودن؛ ویژگی دیگر خرافات این است که به آسانی به وجود می‌آیند، ولی به دشواری از بین می‌روند. چه بسا طلسم‌هایی که در نتیجه یک تصادف محض، اقبال را نصیب خود کرده‌اند (جاهودا، پیشین: ۱۲۲).
- ۴- بی‌ریشه بودن؛ مطالعه خرافات نشان می‌دهد فلسفه به وجود آمدن بسیاری از خرافات بعد از به وجود آمدن آنها از بین رفته است و

تنها خودشان باقی مانده‌اند. لذا وقتی سعی می‌کنیم دلایل و یا علل به وجود آمدن آنها را پیدا کنیم، به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم.

۳- بستر خرافات

در مورد عوامل پیدایش این عقاید در جامعه، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. در این قسمت به چند عامل از عوامل مهمی که زمینه‌ساز پیدایش خرافات معرفی می‌شوند اشاره می‌شود:

۱- ترس و فشارهای محیطی؛ نگاهی گذرا به تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد پیدایش خرافات ناشی از هراس‌های انسان از شرایط مادی و روحی پیرامون اوست و این اندیشه‌های خرافی در گذران سال‌ها، سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده و این استفاده همچنان ادامه دارد (وارینگ، ۱۳۷۱: ۶).

از سوی دیگر در اعصار سیاه اجتماعی و سیاسی از جمله دوره غلبه اقوام بیگانه، وقتی جامعه دستخوش اضطراب، درماندگی و نومیدی بوده و راهی برای گریز یا بهروزی نمی‌یافت، گرایش به اعتقادات خرافی به‌عنوان تنها راه کاهش آلام و مصیبت‌های جوامع تحت سلطه شناخته می‌شد (هدایت، ۱۳۸۱: ۲۲).

۲- جهل علمی؛ گروهی از محققان، یکی از عوامل مهم پیدایش و رشد خرافات را جهل و خامی بشر می‌دانند و معتقدند: به هر اندازه که انسان از درک حقایق، رابطه منطقی پدیده‌ها، قانون علت و معلول، تشخیص و فهم واقعیات، عاجز باشد به همان نسبت دچار خرافات و خرافه‌پرستی می‌شود؟ زیرا در برخورد با مشکلات از شناخت راه‌حل‌های عقلی و منطقی عاجز می‌ماند و اندیشه علت‌یابی او ضعیف می‌شود، در

نتیجه برای تسکین و اقناع خویش به هر اوهامی متوسل و معتقد می‌شود (صادقی، ۱۳۷۵: ۲۴).

از آنجایی که بشر قبیله‌ای قادر به تفاوت قائل شده میان قوانین طبیعی و قوانین اجتماعی که ناشی از عملکرد زندگی اجتماعی انسان‌هاست نبوده، لذا قوانین اجتماعی را نیز لایتغیر فرض می‌کند و به جای ترمیم و اصلاح آنها چنین درمی‌یابد که با همان اهرم‌های قبیله‌ای که با قوانین طبیعی مواجه می‌گردید، می‌تواند با پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نیز مواجه شود؛ در نتیجه از ابزارهای نفرین، جادو و... برای مهار امور اجتماعی جاری سود می‌برد (خاشعی، ۱۳۸۰: ۸). همان‌گونه که «مالینوفسکی»^۱ به درستی اشاره دارد: «انسان زمانی به جادو متوسل می‌شود که نتواند شرایط زندگی و اتفاقات را از طریق دانش مهار کند» (نقل از جاهودا؛ ۱۳۷۱: ۲۱۸).

۳- ویژگی ذاتی روح آدمی؛ عده‌ای خرافه‌پرستی را از خواص روح آدمی می‌دانند که با پیشرفت علم از بین نمی‌رود و می‌گویند منشأ اساسی همان روح و نفس بشر است که در مقابل هیجان‌ات مختلف واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهد و اگر بشر از قدیم‌الایام این قدرت را داشت که به‌طور منطقی هیجان‌ات خود را کنترل کند، مسلماً خرافاتی در کار نبود (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۴۵).

گروهی نیز به کلی دخالت نفس و روح آدمی را در بقاء یا تجدید ظهور خرافات منکر هستند. علامه نوری در کتاب «سلام و عقاید و آراء بشری» می‌گوید: «به نظر ما این عقیده صحیح نیست (عقیده به اینکه

1. Branislaw Malinowski

خرافه‌پرستی از خواص روح آدمی باشد)، بلکه بقاء و یا تجدید ظهور خرافات در عدم گسترش واقعی نور علم و یا نرسیدن به حقایق مؤثر است (نوری، ۱۳۵۴: ۴۸۲).

۴- تقلیدات کورکورانه و تلقین‌های دوران کودکی؛ روان‌شناسان و مورخان علت عمده اعتقاد به خرافات را تقلید کورکورانه می‌دانند، این نظریه را به همه جوامع بشری تعمیم می‌دهند و در روانشناسی اجتماعی، جامعه بدون تقلید را قابل تصور نمی‌دانند. خرافات، از آنجایی که خرافات از دوران کودکی (هنگامی که فدر نمی‌تواند آن را امتحان کند) تلقین می‌شود لذا تأثیر خودش را همیشه نگه می‌دارد و پیوسته قوی‌تر می‌شود (هدایت، ۱۳۸۱: ۳۱).

۵- انحراف از فطرت؛ عده‌ای از دانشمندان اسلامی این مسئله را مربوط به حس حقیقت‌جویی و علت‌یابی بشر که یک حس فطری است می‌دانند و معتقدند: انسان نمی‌تواند در برابر علل حوادث بی‌تفاوت بماند. اگر او موحد خداپرست باشد و علل حوادث را در نهایت به ذات پاک او که طبق حکمتش همه چیز را روی حساب انجام می‌دهد بازگرداند و از نظر سلسله علل و معلول طبیعی نیز تکیه بر علم کند، مشکل او حل می‌شود، اما اگر معتقد به خدا نباشد، یک سلسله علل خرافی، موهوم و بی‌اساس برای آنها می‌تراشد (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۲۷۷).

۴- دیدگاه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان در مورد خرافات

تحلیل جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان از خرافات و باورهای غلط در دو گروه فکری اصلی قابل تقسیم‌بندی است:

الف) گروهی از جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان معتقدند مجموعه فرهنگ شامل باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، ارزش‌ها، هنجارها، سلوک رفتاری، هنرها، فنون، ابزار، ابنیه و تکنولوژی است و آنچه تحت عنوان خرافات و باورهای غلط نامگذاری شده‌اند، جزئی از فرهنگ هر جامعه هستند و این برجستگی است که ما به اعتقادات، باورها و ارزش‌های دیگران می‌زنیم. بنابراین چیزی به نام خرافات و باورهای غلط در این عالم، واقعیت ندارد؛ بلکه آنچه وجود دارد مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه، یک فرهنگ، قوم و یا یک گروه است که چون منطبق با ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات ما نیست، عنوان خرافه بر آن می‌نهیم. اصحاب این تفکر که به لحاظ مشی فکری جزء مکاتب تفهیمی، پدیدارشناسی، اتنومتدلوژی (کنش متقابل نمادی) هستند، به دنبال پی بردن به دلایل، انگیزه‌ها، معناها، قصد و اراده در به وجود آوردن پدیده‌های اجتماعی بوده و هر نمود ذهنی، ارزش و باوری را دارای معنی، هدف و قصد معینی می‌دانند که فهم آن جز با شناخت درون و انگیزه کنش‌گران امکان‌پذیر نیست. آنان هدف جامعه‌شناسی را شناخت و تغییر باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و رفتار مردم می‌دانند، معتقد به جدایی علم از ارزش‌ها هستند و وظیفه یک محقق اجتماعی را قبل از هر چیز رعایت اصل فارغ بودن از ارزش‌ها می‌دانند. در نزد آنان باورهای درست یا نادرست، ارزش‌ها و اعتقادات خرافی یا حقیقی وجود ندارد؛ بلکه آنچه وجود دارد مجموعه باورها و ارزش‌های یک جامعه است که ممکن

است با ارزش‌ها و باورهای ما سازگاری نداشته باشند (دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، ۱۳۷۵: ۷).

ب) دیدگاه دوم، دارای صاحب‌نظران متعددی است. اصحاب این تفکر معتقدند در هر فرهنگ و جامعه‌ای، در بطن ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم درست و کنش‌های منطقی؛ ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم منحط و نادرست و کنش‌های غیرمنطقی نیز وجود دارد و وظیفه جامعه‌شناس را، شناخت این مجموعه و ارائه راه‌حل جهت از بین بردن آنها می‌دانند. ایشان به لحاظ مشی فکری؛ علت‌گرا، قانون‌گرا و تا حدودی طبیعت‌گرا می‌باشد و در تحلیل مسائل و فرهنگ جامعه به دنبال علت‌ها هستند و به دلایل و انگیزه‌های عمل در روش‌شناسی توجهی ندارند. صاحبان این نظریه معتقدند: افراد جامعه را از روی تفکرات، ارزش‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات نمی‌توان شناخت، بلکه باید به ورای این مجموعه نگریم و علت‌هایی که موجب به وجود آمدن این آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورها شده‌اند کشف نمود. به‌عنوان مثال، «پاره‌تو»^۱ با استفاده از این روش رفتارهای انسانی را به دو دسته منطقی و غیرمنطقی تقسیم می‌کند و رفتارهای غیرمنطقی انسان را توجیهات و استدلال‌های نادرست و مشتقاتی می‌داند که توجیه‌کننده رفتارهای غلط آدمی هستند. تحلیل مراحل سه‌گانه «آگوست کنت»^۲ نیز بر مبنای همین دیدگاه است. «آگوست کنت» معتقد است: ذهن بشر سه مرحله تکاملی داشته است. در مرحله اول، نمودها را به موجودات و نیروهای قابل قیاس با خود نسبت می‌دهد که به‌عنوان مرحله حسی شناخته شده است. در مرحله

1. Vilfredo Pareto
2. August Comte

دوم، ذهن انسان به موجودیت‌های مجرد چون طبیعت متوسل می‌شود و مرحله سوم فقط نمودها را مشاهده و از کشف علل پدیده‌ها چشم می‌پوشد. در مرحله اول و دوم، انسان هنوز به مرحله تفکر عقلانی نرسیده، بنابراین موهومات و خرافات جزء زندگی او است. در واقع، بنا به اعتقادات «آگوست کنت»، خرافه یکی از مراحل رشد ذهنی است و جوامعی که در این مرحله از تفکر واقع شده‌اند، از نظر سطح بلوغ پایین‌تر از جوامع عقلانی هستند. به بیانی دیگر، جوامع رشدیافته‌تر و بالغ‌تر، عقلانی‌تر عمل می‌کنند و رفتارهای خرافی، خاص جوامع نابالغ و رشدنیافته است. «دورکیم» در تحلیل اجتماعی و صور ابتدایی دین و تقسیم کار اجتماعی و «اسپنسر» در بحث تکامل اجتماعی نیز چنین دیدگاهی را پذیرفته‌اند (همان: ۹).

۵- تاریخچه خرافات در ایران

مطالعه ریشه‌های تاریخی خرافات نشان می‌دهد عوامل درونی و بیرونی بسیاری باعث تقویت و اشاعه خرافات نزد ایرانیان شده است. در واقع دسته‌ای از خرافات در اثر اختراع و تحمیل افسانه‌سراها، اخبارنویسان، منجمان، پیشگو و جادوگران که در چشم عوام دارای اعتبار و منزلت خاصی بوده‌اند، برای استفاده از منافع خودشان و گول‌زدن مردم درست شدند و روی آن صحنه گذاشته شده است. یا اشخاص فریب‌کار برای استفاده شخصی و تفریح و یا عده‌ای از روی جهالت و نادانی خرافات را وضع کرده‌اند؛ مانند تفال و فال بد زدن عوام از آواز جانوران و بعضی اتفاقات و تصادفات روزمره (خاشعی، ۱۳۷۹: ۷).

برخی افکار و اعتقادات بومی در نتیجه آزمایش روزانه، تفکرات خانوادگی، مذهبی و انفرادی و یا از جمله یادگارهای بسیار کهن نژاد هند و ایرانی می‌باشد که در ایران به جا مانده است. این گونه عادات و افکار را می‌توان ایرانی دانست و حتی برخی از قسمت‌های آن بی‌اندازه قدیمی و شاید بازمانده یادگارهای دوره ابتدایی بشر و به زمان کوچ خانواده آریایی به فلات ایران مربوط می‌شود؛ مانند اعتقادات و افسانه‌ها راجع به ماه، خورشید، صحبت کردن با جانوران، گیاهان و ... (هدایت، ۱۳۱۲: ۱۱).

بسیاری از خرافات موجود در ایران متأثر از خرافات ملل دیگر است. به طور مثال، همسایگانی مانند کلدی و آشور که می‌توان آنها را مادر خرافات و جادو نامید، خدایان ترسناک‌شان، قربانی‌ها، سعد و نحس روزها، ساعت‌ها، تأثیر ستاره‌ها در سرنوشت انسان و ... را وارد خرافات ایرانیان کرده‌اند. اگرچه ایرانیان کمتر از همسایگان خود استعداد گرفتن خرافات را داشته‌اند، اما روی هم رفته، افکار آنان در ایران بدون تأثیر نبوده است. به علاوه، هجوم یونانیان با پیشگوها، خدایان و نیمچه خدایان‌شان، مجاورت با رومیان و منجم‌باشی‌ها، خواب‌گذاران و اخترشناسان، از سوی دیگر مهاجرت یهودیان و خرافاتی که از مصر و بیابان‌های عربستان با خودشان آورده‌اند و در نهایت حمله عرب‌ها پایه این خرافات را در ایران مستحکم کرده است. یهودی‌ها به واسطه خویشاوندی خون و نژاد با عرب‌ها موقعیت را غنیمت شمرده، کمک بزرگی به شیوع خرافات نموده‌اند. در این میان عده‌ای حدیث‌نویس، اخبارنویس و خرافات‌تراش نیز به آنها ملحق شدند و در میان عوام، افکار پوسیده و خرافات‌انگیز را تبلیغ کردند (هدایت، ۱۳۸۱: ۲۶).

به تعبیری، سرزمین ایران کاروان‌سرای است که همه قافله‌های بشر از ملل متمدن و وحشی دنیای باستان مانند کلدانی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول پی‌درپی در آن بار انداخته و یا با هم تماس و آمیزش داشته‌اند (هدایت، ۱۳۱۲: ۹ و سعیدیان، ۱۳۷۵: ۱۷۳۸) و هر کدام چیزی به آن افزوده‌اند.

در دوره مغول که دوره تزلزل روحی و اخلاقی بود و مردم خود را اسیر دست سرنوشت احساس می‌کردند، برای نجات و رهایی از ناملایمات و آگاهی از آینده و برای پیش‌بینی‌های لازم، به احوالات و احکام نجوم و تفأل متوسل می‌شدند، بازار پیشگویان پررونق بود و متاع‌شان خریدار داشت. در این دوره، جنگ شدید بین فرهنگ‌ها و ادیان و فرقی مختلف صورت گرفت و هیچ مصلح حقیقی که باعث تنش‌زدایی شود، یافت نمی‌شد، لذا هرگروهی سعی داشت با تقرب خودش به دستگاه خلافت، در پناه آنها ادامه حیات دهد (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۸۳).

به‌طور کلی می‌توان علل شیوع خرافات در عهد مغول را چنین دسته‌بندی کرد:

۱- حمله مغول‌ها و شکست‌های مردم ایران؛

۲- ترویج فرهنگ و اعتقادات مغول‌ها همگام با گسترش فرقی متعدد؛

۳- هرج‌ومرج داخلی و ایجاد نزاع‌های مختلف بین فرقی و ادیان؛

۴- متبلورشدن تصوف و صوفی‌گرایی (همان، ۸۷).

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد قبل از حمله مغول، مردم در آرامش بودند. بعد از حمله آنان، تعادل فکری آنها به هم خورد. قتل و غارت،

کشت و کشتار، مردم را به قضای آسمانی معتقد کرد و از آن پس در داستان‌های عامیانه، دیوها و جادوگرها، به صورت لکه ابر درآمدند (پورافکاری، ۱۳۵۴: ۱۹۱).

از آن دوره به بعد، در اذهان توده‌های مردم، توجیهات عجیب و غریب، پیشرفت و گسترش شگرفی پیدا می‌کند. در آثار باقی‌مانده از آن دوران، تصوف عامه‌پسند، کرامات و معجزه‌های اولیاء، سلسله‌ها و روش‌های صوفیه به وفور دیده می‌شود. در این دوره، رابطه و نسبتی میان واقعیت تاریخی زمانه با واقعیت عینی وجود دارد. به بیانی دیگر، در اعصاری که فردگرایی در اذهان توده‌های مردم به زوال و رکود می‌گراید، میان پیشرفت توجیهات عجیب و غریب و حتی غلبه آن در بعضی اوقات و پسرفت یا انحطاط ساختارهای سیاسی و اقتصادی در همان ادوار نسبت و تناظری می‌توان ملاحظه کرد (ستاری، ۱۳۷۰: ۶۸). در این مقطع، در کوچه و بازار به سهولت به افرادی برمی‌خوریم که پیشه آنها فال‌بینی و ستاره‌شناسی است. بقایای این پیشه به صورت فال‌بینی، سرکتاب‌بینی، دادن مهره‌مار، کف‌بینی، فال قهوه و ... هنوز در جامعه ما کمابیش به چشم می‌خورد. هرچند فرهنگ گذشته جامعه ما دستخوش تحولاتی شده است، اما عناصر زیادی از این فرهنگ، هنوز در ساختار اجتماعی و فرهنگی حضور دارند؛ زیرا این تغییرات را خود انجام نداده و قسمت قابل ملاحظه‌ای از جامعه ما آمیختگی شدیدی با فرهنگ گذشته دارد. به همین جهت خرافات در بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی امروز ما حضور دارند؛ هرچند ممکن است از نظر شکل و قالب به صورت گذشته حضور نداشته باشند (رضاقلی، ۱۳۷۱: ۲۶).

۶- سنت و نوگرایی

سنت از ریشه لاتین «Tradere»، در اصل به معنی «تحویل دادن» و «انتقال از نسلی به نسل دیگر» است. طبق این مفهوم، هر جامعه‌ای در هر لحظه از حیات خویش دارای مجموعه دانش ذهنی و رفتاری (فرهنگ به معنای عام کلمه) است که آن را از طریق روش‌های متعدد از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد تا تداوم و هویت خویش را حفظ کند (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۳: ۹۶).

تعاریف مربوط به مدرنیته را می‌توان به دو رهیافت اصلی تقسیم کرد:
۱- رهیافت فلسفی که بر حالت یا شیوه زیستن و اندیشیدن به شکل مدرن در تقابل با دوران پیش از مدرن تأکید دارد. مدرنیته از منظر فلسفی در مفاهیمی چون برابری، عقل‌گرایی، لیبرالیسم، اصالت فرد و ایمان به ترقی و پیشرفت نامحدود بشری تجلی می‌کند (Bernstein, 1991).

۲- رهیافتی که مدرنیته را همچون شکل یا ساختاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه به منزله واقعیت یا دورانی تاریخی مطرح می‌کند. در این رهیافت، ویژگی‌های عینی و عملی مدرنیته مورد توجه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان در تعریف خود از مدرنیته بر این جنبه تأکید دارند و مدرنیته را شیوه‌ای از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند که رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را ایجاد می‌کند.

جریان نوگرایی و پیدایش جامعه مدرن برای نخستین بار در غرب مطرح شد. اکثر جامعه‌شناسان «انقلاب صنعتی بریتانیا» در قرن نوزدهم را سرآغاز دوران مدرن می‌دانند و تأکید می‌کنند نظام صنعتی عصری

اساسی برای مدرنیته بوده است. به خوبی می‌توان نشان داد همه آن ویژگی‌هایی که در پیدایش جریان نوگرایی دخیل بوده‌اند، با مجموعه‌ای از تغییراتی ارتباط دارند که هسته اصلی آنها را تحولات اقتصادی و فنی تشکیل داده است و از آن تحت عنوان «نوسازی جامعه» یاد می‌کنند.

در سطح کلی و همه‌جانبه، حرکت به سمت توسعه و سرمایه‌داری عامل نوگرایی جامعه است و در سطح خردتر نیز به تبعیت از کل، افراد دارای فرصت‌های اقتصادی بهتر و تعلق به طبقات بالای جامعه همراه با استفاده از تکنولوژی و وسایل نوین، خود را با جریان نوگرایی وفق داده و ارزش‌های جامعه مدرن که به نوعی یک جامعه سرمایه‌داری است، پذیرا می‌شوند. در واقع می‌توان گفت: «انسان نو» کسی است که در طرز تفکر، احساس و کردار خود راه و رسم‌های تازه‌ای در پیش گیرد. بر طبق عقیده «آلکس اینکلس»، عواملی چون برخورداری افراد از آموزش بالا و مطلوب محیط شهری و دسترسی به وسایل ارتباطی توده‌ای منجر به تغییر وجه نظرات و نظام ارزشی افراد شده و آنها را برای زندگی در یک جامعه نو آماده می‌کند (وینر، ۱۳۵۳: ۲۰۶).

۷- عناصر تشکیل‌دهنده نوگرایی

برخی نظریه‌پردازان، براساس مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده فرایند نوگرایی، به تعریف این فرایند پرداخته‌اند.

«آلکس اینکلس» و «دیوید اسمیت» معتقدند: در حوزه فرهنگی، نوسازی با افزایش تفاوت‌ها، ابعاد اساسی نظام‌های فرهنگی و ارزش‌هایی مانند مذهب، فلسفه، ایدئولوژی و جهان‌نگری؛ و با تضعیف سنت‌ها و

فرهنگ‌های نخبگان قدیمی همراه است. بدین ترتیب آنها معتقدند رفتار یک فرد نوگرا در چهار مورد خلاصه می‌شود:

- (۱) فرد نوگرا یک شخص فعال است؛
 - (۲) دارای شخصیت کارا و بانفوذ است؛
 - (۳) در مقابل عامل سنتی با استقلال و نفوذ عمل می‌کند؛
 - (۴) برای پذیرفتن ایده‌های جدید، آماده و شخصی با فکر باز و قابل انعطاف است (غروی‌زاد، ۱۳۷۳: ۱۶۹-۱۶۸).
- «شارما» در نظریه خود پیرامون نوگرایی بر شاخص‌های زیر تأکید می‌کند:

- (۱) جهت‌گیری علمی^۱: تمایل به فهم دنیا بر پایه نقش مدارک علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته؛
- (۲) جهت‌گیری تساوی‌طلبانه^۲: التزام عقلانی به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و ...؛
- (۳) جهت‌گیری عام‌گرا^۳: نگرشی به سوی ترجیح هنجارهای غیرشخصی در اجرای نقش‌های عام فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان، دوستان و ...؛
- (۴) جهت‌گیری پیشرفت^۴: نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی، تمایل به موفقیت و باور به مفید بودن برنامه‌ریزی؛

-
1. Scientific Orientation
 2. Equalitarian Orientation
 3. Universalistic Orientation
 4. Achievement Orientation

(۵) جهت‌گیری استقلال‌طلبانه^۱: نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی که نتیجه آن عدم هم‌نوایی با چنین هنجارهایی است که احتمال دارد به لحاظ عقلانی مورد شک باشند؛

(۶) جهت‌گیری مدنی^۲: تمایل به کسب اخبار ملی و بین‌المللی و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین‌المللی با آن مواجه است و کوشش برای شکل دادن و تمرکز افکار روی موضوعات مختلف؛

(۷) جهت‌گیری دموکراتیک^۳: نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه‌های جامعه، و وجود فرصت‌های مساوی برای همه به‌منظور مشارکت آزادانه در ارزش‌های آن جامعه (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵).

در واقع «شارما» با طرح ابعادی چون جهت‌گیری تساوی‌طلبانه، جهت‌گیری عام‌گرا، جهت‌گیری پیشرفت و جهت‌گیری استقلال‌طلبانه بر عقلانیت حاکم بر جامعه مدرن تأکید دارد؛ زیرا این ابعاد زیرمجموعه‌ای از خردگرایی دوران مدرن هستند که براساس آن قراردادگرایی، جایگزینی رابطه‌ها توسط ضابطه‌ها، اعتقاد به پیشرفت در مقابل تقدیرگرایی سنتی و رشد تفکر عقلانی و منطقی به جای تفکر غیرمنطقی در جامعه مدرن رواج می‌یابد.

-
1. Independent orientation
 2. Civic orientation
 3. Democratic orientation

«اورت راجرز» با مطالعه خرده فرهنگ دهقانی و بررسی ابعاد سنت‌گرایی در روستاها و نفی این ابعاد، به نوعی عواملی را که می‌توانند منجر به نوگرایی این جوامع شوند، مطمح نظر قرار داده است. به نظر «راجرز»، خرده فرهنگ دهقانی شامل عناصری است که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی شده و به تعبیری، مانع تجدد و نوسازی هستند. این عناصر عبارتند از:

(۱) عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی؛

(۲) فقدان نوآوری؛

(۳) تقدیرگرایی؛

(۴) پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات؛

(۵) عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل منافع آتی؛

(۶) عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان؛

(۷) خانواده‌گرایی؛

(۸) وابستگی به قدرت دولت؛

(۹) محلی‌گرایی؛

(۱۰) فقدان همدلی (ازکیا، پیشین: ۱۱۶-۱۱۵).

در یک جمع‌بندی از نظریات و دیدگاه‌های طرح شده درباره نوگرایی، می‌توان عناصر نوگرایی را به صورت زیر مطرح کرد:

۱- مصرف‌گرایی؛ گرایش افراد به کالاهای مصرفی، استفاده از ابزار و

وسایل نوین رفاهی و اطلاعاتی همگام با پیشرفت تکنولوژی.

۲- عقلانیت؛ بزرگ‌ترین وجه تمایز دوره مدرنیته از دوره ما قبل

مدرن این است که در دوران مدرن تکیه بر خرد آدمی می‌شود و به جای

باورهای کهن مذهبی و اسطوره‌ای، بر خرد انسان و بینش علمی و

منطقی او تأکید می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۹). به‌طور کلی، مدرنیته یعنی خردباوری، تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن و ویران‌گری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حس‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن. مدافعان مدرنیته اعلام می‌دارند نو شدن و امروزی‌گی کار علم و تکنولوژی است. طی عقلانیت حاصل از علم و تکنولوژی، روابط افراد صرفاً در چارچوب محاسبه‌های خشک و بی‌عاطفه مالی یا به بیان بهتر در تقسیم کار اجتماعی شکل می‌گیرد. حتی به‌زعم «زیمل»، ادراک افراد از زمان و مکان با خردباوری ابزاری، اقتصادی و محاسبه‌گرانه همخوان می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱).

۳- انتقادگرایی؛ جامعه مدرن فرد را با چشم‌اندازی پیوسته در تغییر از تجارب و معانی اجتماعی، رو در رو قرار می‌دهد و وی را وادار به اندیشیدن می‌کند. انسان مدرن با دیدی انتقادی از امور، از یک سو سنت‌های پیشین را نقد می‌کند و از سوی دیگر، جامعه مدرن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. در جامعه مدرن هر تفکر نوینی در برخورد با ارزش‌های سنتی و یا بهتر بگوییم ارزش‌های کهنه تعیین می‌شود. روشنفکر دوره مدرن را می‌توان «خلاق اندیشه انتقادی» دانست. برای روشنفکر مدرن، حقیقت به شکل مطلق وجود ندارد، بلکه راه‌های مختلفی برای وصول به حقیقت در برابر ما موجود است. حقیقت برای روشنفکر به منزله عقیده‌ای است که با دیگر عقاید در برخورد است. در واقع، دوران مدرن معنایابی خود را طی نقدهای بنیادینی که نسبت به باورها و ایستارهای سنتی انجام می‌دهد، کسب می‌کند (واترز، ۱۳۸۱: ۳۶).

۴- سودگرایی؛ سودگرایی که حاصل عقلانیت مدرن است، پایه کنش‌های انسان مدرن را تشکیل می‌دهد. انسان مدرن به دنبال نفع شخصی خویش است و این امر خود منجر به بروز روحیه فردگرایی در جامعه می‌شود.

۵- فردگرایی؛ تصویر دیگری که می‌توان از نوگرایی ارائه داد، تصویری مبتنی بر ستایش فردیت و آزادی فردی است. فرد مدرن به خود در مقام فردی آزاد، مستقل و خودگردان که قوانین اخلاقی و سیاسی‌اش را خود خلق می‌کند، نگاه می‌کند. همچنین تأکید بر فردیت و استقلال فردی بر عناصر اساسی دیگر از فرایند نوگرایی صحنه می‌گذارد (جهانبگلو، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۶).

۶- آزادی‌خواهی؛ لیبرالیسم (آزادی‌خواهی) آزادی فردی و نیز آزادی اجتماعی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. از لحاظ فردی، انسان مدرن فردی خودمختار است که تصمیمات اساسی زندگی‌اش را خود تعیین می‌کند. از لحاظ اجتماعی، فردی دارای آزادی بیان و ابراز عقاید است که می‌تواند آزادانه افکار خود را بیان کند و نظرات دیگران را مورد انتقاد قرار دهد. آزادی سیاسی نیز به معنی حق انتخاب سرنوشت خود و نوع حکومت جامعه است. لیبرالیسم مبنای فلسفی «دموکراسی» در جوامع مدرن است.

۷- نگرش دموکراتیک؛ نظام سیاسی مناسب و مورد تأکید برای جامعه مدرن، دموکراسی است. دموکراسی مستلزم برخی شرایط فکری است که استعدادهای عقلی شهروندان را به سمت مسائل عمومی جامعه و کاربست اجتماعی عقل خود سوق می‌دهد. از جمله این شرایط، تدارک

اطلاعات برای شهروندان، آموزش مناسب و فعالیت‌های مشاوره‌ای است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۳۶).

۸- علم‌گرایی؛ ظهور علوم جدید و بینش اثباتی، در طرز نگرش و باورهای افراد جامعه نیز مؤثر افتاد. به عبارت دیگر، علم‌گرایی گامی اساسی به سوی عقلانیت جامعه مدرن است که این عقلانیت نیز به نوبه خود در تشدید علم‌گرایی مؤثر واقع می‌شود. علم‌گرایی بدین معناست که در جامعه مدرن به تفکر علمی اصالت داده می‌شود و برای تشریح و تبیین هر حادثه‌ای، عقلی علمی لازم است. به بیان دیگر، برخلاف جوامع سنتی که بسیاری از حوادث را به امور ماوراء طبیعی و عوامل مذهبی ارجاع می‌دادند و یا ریشه بسیاری از حوادث را در اسطوره‌ها و داستان‌های کهن می‌جستند، در جوامع مدرن حوادث و پدیده‌هایی واقعی و قابل پذیرش محسوب می‌شوند که به لحاظ علمی (با دلیلی قانع‌کننده از لحاظ عقلی) توجیه شوند. در علم‌گرایی محوریت با عقل بشر است و هر آنچه عقلانی به حساب آید، قابل پذیرش است؛ لذا ارزش و احساسات غیرعقلانی هیچ نقشی در تبیین امور ندارند.

علم در تقابل با اسطوره و خرافات نیز قرار می‌گیرد. اسطوره‌های قدیم در جاده‌ای پوشیده از بی‌خبران و گشوده بر کسانی که می‌توانستند معنای آنها را دریابند و درک کنند، رهنمون بودند. این اساطیر در واقع حکایت‌هایی اطمینان‌آورند؛ اگر چه بسیاری از آنها داستان‌های ترسناک قتل، زنا و آدم‌خواری‌اند؛ زیرا به ما می‌گویند از کجا آمده‌ایم، به کجا می‌رویم و چگونه باید برویم. اسطوره‌های قدیم راهنمای گمشدگان، نشانه‌ها و علائم هستی‌شناختی برای انسان گم‌گشته در پیچیدگی‌های نامفهوم جهان بودند، راه‌های تاریک انسان را روشن و وجدان‌های خفته را

بیدار می‌کردند. سپس این معنا را از دست دادند، از قداست افتادند و به قصه تبدیل شدند (ژاکار و لاکاریر، ۱۳۸۰: ۵۷).

۸- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق شامل یک فرضیه کلی و هشت فرضیه جزئی است:

۸-۱- فرضیه کلی

بین میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.

۸-۲- فرضیه‌های جزئی

- بین میزان عقل‌گرایی و میزان گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان فردگرایی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان سودگرایی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان مصرف‌گرایی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان علم‌گرایی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین روحیه نقادی‌گری و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان آزادی‌خواهی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد؛

- بین میزان نگرش دموکراتیک و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.

۹- روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. ضمن اینکه برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. این پژوهش به لحاظ معیار زمان، مقطعی؛ به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی؛ و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است.

جمعیت آماری این تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر یزد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند.

برای برآورد حجم نمونه، ابتدا یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از پاسخگویان انجام شد تا واریانس صفت مورد مطالعه مشخص شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران به محاسبه حجم نمونه اقدام گردید (لازم به ذکر است که حجم نمونه ۲۴۹ نفر مشخص شد).

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، سهمیه‌ای بوده است و سهمیه‌ها با توجه به محل سکونت (بلوک‌بندی شهر)، سن و جنسیت تعیین شده‌اند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در این تحقیق، از اعتبار محتوا استفاده شده است. به همین منظور پرسشنامه تدوین شده توسط چند نفر از اساتید و متخصصان علوم اجتماعی مورد بررسی، اصلاح و مورد تأیید قرار گرفت.

برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا برای گویه‌های نوگرایی برابر ۰/۷۳ و برای گویه‌های میزان گرایش به خرافات برابر ۰/۸۶ شده است. همچنین داده‌ها توسط نرم‌افزارهای آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

۱۰- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

«نوگرایی» فرایند انتقال از ارزش‌های سنتی جامعه و گرایش به ارزش‌های نوین چون آزادی‌خواهی، عقلانیت و مردم‌سالاری است که با پدیده‌های شهرنشینی، آموزش توده‌ای، ارتباطات و تکنولوژی همراه است (جهانبگلو، پیشین: ۴۲).

مفهوم نوگرایی مفهومی بسیار ذهنی و انتزاعی است و لذا به‌منظور سنجش آن باید شاخص‌های مختلفی را در نظر گرفت. بر طبق مطالعات صورت گرفته، هشت شاخص اصلی که اکثر نظریه‌پردازان نوگرایی و جامعه‌شناسان به آنها اذعان داشته‌اند، در نظر گرفته شده است که هر کدام از این شاخص‌ها مبنای نظری خاصی دارد.

جدول شماره ۱: شاخص‌های کلان نوگرایی

شاخص‌ها	نظریه‌پردازان مربوطه
عقلانیت	کافی یر، ونسونو، اینکلکس و اسمیت، اورت راجرز و ماکس وبر
فردگرایی	اینکلکس، اسمیت، کافی یر و ونسونو
سودگرایی	هالبرونر، پیر و مینی
مصرف‌گرایی	جورج زیمل

علم‌گرایی	کندورسه، شارما و آگوست کنت
آزادخواهی	جان لاک، مونتسکیو، آدام اسمیت و ولتر
مردم‌سالاری	روسو، جان لاک، اسپینوزا و شارما
انتقادیگری	اینکلس و اسمیت

(ذاکری نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

از آنجایی که شاخص‌های مذکور نیز هنوز ذهنی هستند و امکان سنجش آنها به صورت عملی وجود ندارد؛ لذا با توجه به تعاریفی که از سوی جامعه‌شناسان مختلف در خصوص هر یک از این مفاهیم ارائه شده است، می‌توان این مفاهیم را به عناصر جزئی‌تری نیز تقسیم‌بندی نمود که به این ترتیب شاخص‌های نهایی سنجش نگرش نسبت به نوگرایی به دست می‌آید. در نهایت برای هر یک از مؤلفه‌های نوگرایی سه گویه و در مجموع ۲۴ گویه در نظر گرفته شده که مجموع امتیازات پاسخگو از این گویه‌ها، نشان‌دهنده نگرش وی نسبت به نوگرایی است.

۱۱- میزان گرایش به خرافات

خرافه یا خرافات عبارت است از: اعتقادات بی‌اساسی که با عقل و منطق و علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد؛ مانند اعتقاد به نحس بودن عدد سیزده (سیزده فرودین ماه نزد ایرانیان و یکشنبه سیزدهم هر ماه نزد اروپاییان)، فال نیک و بد، شوم بودن چهارشنبه برای مسافرت، جن‌گیری، نحوست هدیه‌دادن چاقو، شکستن نمکدان، سعادت‌آوردن آتش‌افروزی در چهارشنبه‌سوری، اسپند دود کردن، بدیمن بودن رنگ سیاه، جغد، اعتقاد به شانس و ... (حاج سید جوادی، پیشین: ۲۷۶).

برای سنجش این متغیر ۱۶ مورد از خرافات رایج در جامعه آماری تحقیق در قالب ۱۶ گویه به پاسخگو داده و از وی خواسته شده براساس طیف «لیکرت» مشخص کند به نظر وی «قطعاً واقعیت دارد»، «شاید واقعیت داشته باشد» یا «قطعاً واقعیت ندارد».

- ۱) عدد ۱۳ نحس است؛
- ۲) شانس در زندگی نقش بسیار مهمی دارد؛
- ۳) اگر داماد سر سفره غذا برسد، مادرزنش او را دوست دارد؛
- ۴) شخصیت افراد تا حد زیادی با طالع ماه تولدشان مرتبط است؛
- ۵) سفر رفتن در بعضی از روزها بدیمن است؛
- ۶) پیشانی بلند نشانه بخت و اقبال بلند است؛
- ۷) گره زدن سبزه برای برآورده شدن آرزوها؛
- ۸) شکستن تخم‌مرغ برای جلوگیری از چشم‌زخم؛
- ۹) آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن؛
- ۱۰) آویزان کردن مهره‌مار برای افزایش مهر و محبت؛
- ۱۱) اگر عطسه بیاید و صبر نکنیم، اتفاق بدی می‌افتد؛
- ۱۲) پاشیدن آب به گربه، باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود؛
- ۱۳) فال‌گیرها می‌توانند به وسیله مشخصات فرد، آینده او را پیش‌بینی کنند؛
- ۱۴) عده‌ای بدون تخصص پزشکی می‌توانند بیماری‌های لاعلاج را درمان کنند؛

۱۵) عده‌ای می‌توانند با انجام یک‌سری کارها، محبت و علاقه کسی را به دست آورند؛

۱۶) عده‌ای می‌توانند طلسم و جادو کنند؛

امتیاز هر گویه بدین ترتیب بوده است که به گزینه «قطعاً واقعیت ندارد» صفر امتیاز، گزینه «شاید واقعیت داشته باشد» دو امتیاز و گزینه «قطعاً واقعیت دارد»، چهار امتیاز تعلق می‌گیرد. مجموع نمرات پاسخگو در این ۱۶ گویه، میزان گرایش او به خرافات را مشخص می‌کند. بدیهی است نمره بالاتر نشان‌دهنده گرایش بیشتر به خرافات است.

۱۲- یافته‌ها

- ۴۸/۶ درصد پاسخگویان تحقیق را مردان و ۵۱/۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند؛

- ۱۲/۵ درصد پاسخگویان بیست سال و کمتر سن داشته‌اند؛

- ۳۹/۱ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۵/۴ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال،

۱۶/۵ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۶/۵ درصد بالای ۵۰ سال

بوده‌اند؛

- ۳۰/۵ درصد پاسخگویان تحقیق مجرد و ۶۹/۵ درصد متأهل

بوده‌اند.

همان‌گونه که در قسمت روش‌شناسی توضیح دادیم، هرکدام از ابعاد نوگرایی با ۳ گویه اندازه‌گیری شد که با استفاده از دستور محاسبه^۱

1. Compute

سازه‌های مورد نیاز تهیه شد و از جمع همه ۲۴ گویه، سازه میزان نوگرایی به دست آمد.

قبل از بررسی فرضیات تحقیق بهتر است به این سؤال پاسخ داده شود که میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان یزدی چگونه است؟

برای سنجش میزان نوگرایی، ۲۴ گویه در پرسشنامه گنجانده شده بود که با توجه به اینکه طیف پاسخ‌ها ۴ قسمتی بود، حداقل امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۲۴ و حداکثر ۹۶ محاسبه شد. عدد ۶۰ را به‌عنوان حد وسط طیف انتخاب نموده و با استفاده از دستور تی تک نمونه‌ای به بررسی میزان نوگرایی پاسخگویان پرداخته شد. اختلاف معنادار از ۶۰ به بالا نشان‌دهنده بالاتر بودن میزان نوگرایی پاسخگویان از حد متوسط، همچنین اختلاف معنی‌دار از ۶۰ به پایین نشان‌دهنده پایین‌تر بودن میزان نوگرایی پاسخگویان از حد متوسط است.

خروجی آزمون t نشان داد میانگین نمره میزان نوگرایی برابر ۶۳/۲۴ شده است. همچنین اندازه t برابر ۸/۲۳۹ و سطح معناداری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) از ۰/۰۵ کمتر شده است؛ یعنی به‌طور معناداری میانگین بیشتر از ۶۰ بوده است. بنابراین در مجموع میزان نوگرایی پاسخگویان بیش از حد متوسط بوده است.

برای سنجش میزان گرایش به خرافات، ۱۶ گویه در پرسشنامه گنجانده شده بود و با توجه به اینکه طیف پاسخ‌ها ۳ قسمتی بود، حداقل امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۰ و حداکثر ۶۴ برآورد شد (شیوه امتیازبندی در قسمت روش‌شناسی توضیح داده شده است). عدد ۳۲ را به‌عنوان حد وسط طیف انتخاب نموده و با استفاده از دستور تی تک

نمونه‌ای به بررسی میزان گرایش به خرافات در بین پاسخگویان پرداخته شد. اختلاف معنادار از ۳۲ به بالا نشان‌دهنده بالاتر بودن میزان گرایش به خرافات پاسخگویان از حد متوسط است. همچنین اختلاف معنادار از ۳۲ به پایین نشان‌دهنده پایین‌تر بودن میزان گرایش به خرافات پاسخگویان از حد متوسط است.

خروجی آزمون t نشان داد: میانگین نمره میزان گرایش به خرافات برابر ۲۴/۰۱ شده است. همچنین اندازه t برابر ۱۰/۸۲۵ و سطح معناداری (sig = ۰/۰۰۰) از ۰/۰۵ کمتر شده؛ یعنی به‌طور معناداری میانگین کمتر از ۳۲ بوده است. بنابراین در مجموع میزان گرایش به خرافات پاسخگویان کمتر از حد متوسط بوده است.

فرضیه اصلی تحقیق مدعی وجود رابطه بین میزان نوگرایی با میزان گرایش به خرافات است. برای بررسی این فرضیه، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. خروجی این آزمون نشان می‌دهد اندازه ضریب ۰/۴۰۶- با سطح معناداری ۰/۰۰۰ بوده است. این بدان معنی است که رابطه معکوس و معناداری بین میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافات وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان نوگرایی افزایش می‌یابد، میزان گرایش به خرافات کاهش می‌یابد.

از آنجا که ابعاد مختلف نوگرایی به صورت سازه و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای بررسی فرضیات تحقیق که مدعی رابطه مؤلفه‌های مختلف نوگرایی با میزان گرایش به خرافات بودند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۲ گزارش شده است:

جدول شماره ۲: نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه مؤلفه‌های مختلف نوگرایی با میزان گرایش به خرافات

مؤلفه	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
سودگرایی	-۰/۰۲۶	۰/۶۹۹
مصرف‌گرایی	-۰/۰۹۱	۰/۱۶۵
آزادی‌خواهی	-۰/۱۰۸	۰/۱۰۳
عقل‌گرایی	-۰/۱۸۲	۰/۰۰۵
نگرش دموکراتیک	-۰/۱۸۵	۰/۰۰۵
انتقادگرایی	-۰/۱۹۳	۰/۰۰۳
فردگرایی	-۰/۳۲۷	۰/۰۰۰
علم‌گرایی	-۰/۴۰۶	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول مشخص است، رابطه مؤلفه‌های علم‌گرایی، فردگرایی، انتقادگرایی، نگرش دموکراتیک و عقل‌گرایی با میزان گرایش به خرافات معکوس و معنادار می‌باشد؛ درحالی‌که رابطه مؤلفه‌های سودگرایی، مصرف‌گرایی و آزادی‌خواهی با میزان گرایش به خرافات معنادار نیست.

حال در یک جمع‌بندی از آزمون‌های مطرح شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را بررسی می‌کنیم:

جدول شماره ۳: رگرسیون چندگانه تأثیر مؤلفه‌های مختلف نوگرایی بر میزان گرایش به خرافات

مؤلفه‌ها	بتا	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
سودگرایی	۰/۰۴۳	۰/۰۰	۰/۴۸۲
آزادی‌خواهی	۰/۰۴۱	۰/۰۰	۰/۵۳۶
نگرش دموکراتیک	-۰/۰۴۳	۰/۰۰	۰/۴۹۱

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۹۳

۰/۱۸۸	۰/۰۱	-۰/۰۸۲	مصرف‌گرایی
۰/۱۵۹	۰/۰۱	-۰/۰۹۲	انتقادگرایی
۰/۰۰۲	۰/۰۴	-۰/۱۹۴	عقل‌گرایی
۰/۰۰۱	۰/۰۵	-۰/۲۱۶	فردگرایی
۰/۰۰۰	۰/۱۲	-۰/۳۴۲	علم‌گرایی

Model	R	R Square	Adjusted R Square
۱	۰/۵۳۰	۰/۲۸۱	۰/۲۵۴

مؤلفه‌های عقل‌گرایی، فردگرایی و علم‌گرایی تأثیر معکوس و معناداری بر میزان گرایش به خرافات دارند؛ یعنی باعث کاهش گرایش به خرافات می‌شوند. تأثیر مؤلفه‌های سودگرایی، آزادی‌خواهی، نگرش دموکراتیک، مصرف‌گرایی و انتقادگرایی نیز معنادار نمی‌باشد. در بین مؤلفه‌های مختلف نوگرایی، علم‌گرایی و فردگرایی به ترتیب با ۱۲ و ۵ درصد بیشترین سهم را در تبیین میزان گرایش به خرافات دارند. با استفاده از ترکیب خطی مؤلفه‌های مختلف نوگرایی شامل علم‌گرایی، فردگرایی و عقل‌گرایی، ۲۵/۴ درصد از واریانس میزان گرایش به خرافات تبیین گردید.

۱۳- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بنابراین در یک جمع‌بندی باید گفت: متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش به خرافات بر حسب روش تحلیل به دو دسته تقسیم می‌شوند:
(۱) براساس آزمون‌های استنباطی:

الف) علم‌گرایی؛

ب) نگرش دموکراتیک؛

ج) انتقادگرایی؛

د) فردگرایی؛

هـ) عقل‌گرایی.

۲) براساس تحلیل رگرسیون (در اینجا متغیرها برحسب بالاترین ضریب بتا که معرف میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است، مرتب شده‌اند):

الف) علم‌گرایی؛

ب) فردگرایی؛

ج) عقل‌گرایی.

یادآور می‌شود دو متغیر نگرش دموکراتیک و انتقادگرایی، در تحلیل رگرسیون معنادار نشده‌اند.

براساس نتایج فوق، برای بهبود وضعیت خرافه‌گرایی در جامعه مورد مطالعه ابتدا باید بر پنج متغیر علم‌گرایی، نگرش دموکراتیک، انتقادگرایی، فردگرایی و عقل‌گرایی تکیه و در میان پنج متغیر مذکور به سه متغیر علم‌گرایی، فردگرایی و عقل‌گرایی، توجه بیشتری شود.

از آنجاکه تغییر در گرایش‌های نوگرایانه امری فرهنگی است، بدیهی به نظر می‌رسد روی سخن ما با متولیان فرهنگی باشد. بر این اساس وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و سایر رسانه‌های جمعی در زمینه تغییر فرهنگ جامعه دارای بیشترین نقش و تأثیر هستند. ما آنچه را در کنار این مجاری رسمی می‌آموزیم، از طریق کانال‌های رسمی فوق است و در این

میان، خانواده، گروه‌ها و محافل دینی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. از همین رو از همه منابع جامعه‌پذیری فوق‌انتظار می‌رود علم‌گرایی را به‌عنوان یک ارزش جهانی که مورد تأیید و تأکید دین مبین اسلام نیز هست، مورد توجه قرار دهند. بدیهی است هرچه این آموزش‌ها از سنین پایین‌تر آغاز شود، اثرگذاری آنها بیشتر است.

براساس یافته‌های این تحقیق، برخی از خانواده‌ها، خودشان تحت‌تأثیر عقاید خرافی هستند؛ لذا از این عده نمی‌توان انتظار داشت علاوه بر ترک باورهای خرافی خود، موجب تغییر باورهای فرزندان‌شان خود نیز شوند. تنها انتظاری که از آنها می‌رود این است که راه را برای ادامه تحصیل فرزندان‌شان فراهم نمایند تا آنها با درک و اخذ نگرش‌های علمی، عقل‌گرایانه، فردگرایانه، انتقادی و دموکراتیک، تفاوت میان امر خرافی و غیرخرافی را درک نمایند.

حوزه‌های علمیه، مساجد، حسینیه‌ها، منابر و محافل روضه‌خوانی و عزاداری در این رابطه مسئولیت بیش از اندازه سنگینی بر دوش دارند. بسیاری از مخاطبان نهاد دین، جوانان هستند و به آسانی تحت‌تأثیر پیام‌های دینی قرار می‌گیرند و چون این آموزه‌ها با عواطف آنها گره می‌خورد، لذا باید بسیار مواظب بود در لابلای ذکر واقعیات دینی، برای جلب بیشتر توجه مخاطبان گفته‌های خود را با امور خرافی تزیین نکنیم. در این میان، وجه دیگر مسئولیت متوجه نهادهای رسمی است؛ به‌ویژه صدا و سیما و آموزش و پرورش. هرچند صدا و سیما در سال‌های اخیر به موازات رشد گرایش‌های خرافی حرکت‌های خوبی در زمینه مبارزه با این عقاید شروع کرده است، اما این تلاش‌ها کافی نیست و لذا باید از نظر کمی و نیز کیفی گسترش یابد و در ضمن، کمک و همفکری

سایر نهادها و سازمان‌ها را در کنار خود داشته باشد. فیلم‌ها، داستان‌ها، رمان‌ها، قصه‌ها، عکس‌ها و حتی انعکاس زندگی روزانه مردم می‌تواند حامی پیام‌هایی برای تغییر یا تقویت باورهای خرافی باشد. بنابراین باید در پرداختن به آنها با دقت بیشتری اعمال شود.

از آنجاکه بسیاری از عقاید خرافی ممکن است با پوشش‌های دینی به مردم القاء شوند (کما اینکه بسیاری از نموده‌های آن از طریق صدا و سیما و مراجع دینی طی سال‌های اخیر برملا شده است)، یا تبلیغ برخی از عقاید علمی، با مسائل دینی سازگار نباشد، پیشنهاد می‌شود شورایی متشکل از نخبگان حوزه و دانشگاه بر محتوای کالاهای فرهنگی نظارت داشته باشند تا تولیدات یکدیگر را مورد ارزشیابی قرار دهند.

به طور کلی، افزایش سطح تحصیلات و نحوه آموزش افراد تأثیر بسیاری در پذیرش ارزش‌های مدرن دارد؛ زیرا افراد دارای تحصیلات پایین معمولاً درک درستی از نوگرایی و عناصر آن ندارند و تعبیر نادرست از نوگرایی، به عدم پذیرش آن و پذیرش ارزش‌های مقابل آن یعنی گرایش به خرافات منجر می‌شود.

در مجموع می‌توان پیشنهادهای فوق را در موارد زیر خلاصه کرد:

- توجه بیشتر به امر آموزش و پرورش و افزایش تحصیلات مردم از سوی خانواده‌ها و نیز از سوی دولت؛
- دقت صدا و سیما به عنوان فراگیرترین رسانه در زمینه تولید محصولات که مستقیم و سریع مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد؛
- نظارت بیشتر حوزه علمیه و نخبگان حوزوی بر مجالس، محافل، رفتارها و شعائر دینی؛

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۹۷

- تشکیل گروهی متشکل از نخبگان حوزوی و دانشگاهی برای نظارت و ارزیابی تولیدات فرهنگی، دینی و علمی؛
- تلاش آموزش پرورش برای رواج گرایش‌های مدرن و علمی از طریق تهیه و تدوین متون آموزشی درسی و غیردرسی به نحوی که مغایر با ارزش‌های دینی و سنتی نباشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۲. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه، ۱۳۷۷.
۳. افشانی، سیدعلیرضا، تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران، پایان‌نامه دکتری، اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵.
۴. امام شوشتری، محمدعلی، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۴۷.
۵. بشیری، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (اندیشه‌های مارکسیستی)، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۶. پاکدامن، محمدحسن، جامعه در قبال خرافات، گناوه: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۸.
۷. پورافکاری، نصرالله، جامعه‌شناسی عوام، اصفهان: چاپخانه ربانی، ۱۳۵۴.
۸. تاپیا، کلود، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۹. جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۱.
۱۰. جهانگللو، رامین، تفاوت و تساهل، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۱. جهانگللو، رامین، موج چهارم، ترجمه منصور گودرزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱.
۱۲. حاج سیدجواد، صدر، دایره‌المعارف تشیع، ترجمه سعید محبی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۱۳. خاشعی، حسین، زمینه‌های روان‌شناسی خرافات، نشریه زائر، شماره ۷۹، ۱۳۸۰.
۱۴. خاشعی، رضا، پدیدارشناسی خرافات در ایران. روزنامه همشهری، ۱۳۷۹.
۱۵. خاشعی، رضا، روان‌شناسی اجتماعی خرافات، روزنامه همشهری، ۱۳۸۰.
۱۶. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، راه‌های مقابله با خرافات و

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۹۹

- موهومات، خرم‌آباد: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، ۱۳۷۵.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵.
۱۸. ذاکری‌نصرآبادی، زهرا، تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش افراد نسبت به جریان نوگرایی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۱۹. زاهدی، محمدجواد و همکاران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
۲۰. ژاکار، آلبر و لاکاریر، ژاک، علم و اعتقاد، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۲۱. رضاقلی، علی، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۲۲. روزت. ای، روان‌شناسی تخیل، ترجمه اصغر عبدالمهی و پروانه میلانی، تهران: انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۳. ساروخانی، باقر، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۶.
۲۴. ستاری، جلال، زمینه فرهنگ مردم تهران، تهران: انتشارات ویراستار، ۱۳۷۰.
۲۵. سعیدیان، عبدالحسین، دایره‌المعارف نو، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۲۶. صادقی نبی، بررسی خرافات اجتماعی، تهران: نشریه اسوه، شماره ۱۲، سال سوم، ۱۳۷۵.
۲۷. صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ فارسی امروز. تهران: نشر کلمه، ۱۳۷۰.
۲۸. عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران (مطالعه موردی در استان یزد)، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۵، ۱۳۸۴.
۲۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۳۰. غروی‌زاد، احمد رضا، درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، قم: انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۳.
۳۱. فروتن، مجید، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات مهتاب، ۱۳۷۴.

۱۰۰ ► جامعه‌شناسی خرافات در ایران

۳۲. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳.
۳۳. مهدی‌زاده، شراره، تلویزیون و نوگرایی. رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران: ۱۳۸۱.
۳۴. نوری، یحیی، اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، چاپ ششم، تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی و مجمع معارف اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۵۴.
۳۵. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰.
۳۶. هدایت، صادق، نیرنگستان، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۱۲.
۳۷. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: نشر سرچشمه، ۱۳۸۱.
۳۸. واترز، مالکوم، جامعه سنتی و جامعه مدرن: مدرنیته، مفاهیم انتقادی، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۱.
۳۹. وارینگ، فیلیپ، فرهنگ خرافات، عجیب‌ترین خرافات مردم جهان، ترجمه احمد حجاران، تهران: انتشارات حجاران، ۱۳۷۱.
۴۰. وینر، مایرون، نوسازی جامعه: چند گفتار در شناخت دینامیسم رشد، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۳.

ب) منابع لاتین

1. Bernstein, R. The New Constellation: The Ethical-Political Horizon of Modernity- Post modernity. Cambridge, 1991.
2. Gordon, M. The Concise Oxford Dictionary of Sociology. New York: Oxford University Press, 1994.
3. Inkeles, A & Smith, D. H. Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries. Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1974.
4. Inkeles, A. Making men modern. American Journal of Sociology No 75, 1969.
5. Tremayne, S. "Modernity and early marriage in Iran: A View from Within. " Journal of Middle East Women's Studies 2 (1): 65-94, 2006.

خرافات و برخی علل و زمینه‌های آن

دکتر مجتبی شاهنوشی*

«هیچ خرافه‌ای از خرافات عصر قدیم نیست که رنگی از آن در زندگی امروز مردم کره زمین وجود نداشته باشد.»
«ویل دورانت»

چکیده

یکی از عناصر مهم فرهنگ، اعتقادات است. بعضی از این اعتقادات در نظر دیگران، غیرمنطقی و غیرواقعی است که اصطلاحاً باورهای اجتماعی و به تعبیر عامه خرافات نامیده می‌شود. در تحقیق حاضر ضمن تعریف خرافات، انواع آن مورد بررسی قرار گرفته و به بحث پیرامون زمینه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن پرداخته شده است. نتایج حاصل از کار میدانی در این زمینه گویای آن است که خرافات نزد افراد عمومیت دارد، اما شدت و ضعف آن متفاوت

* دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران.

۱۰۲ ► جامعه‌شناسی خرافات در ایران

است. از جمله عواملی که با اعتقادات خرافی ارتباط دارد، عبارتند از: سطح تحصیلات، میزان اعتقادات مذهبی، وضعیت اقتصادی و نوع شغل.

واژگان کلیدی

خرافه، خرافات، باورهای اجتماعی، اعتقادات خرافی، زمینه‌های خرافات، روان‌شناسی خرافات و فرهنگ.

مقدمه

یکی از اجزاء هر فرهنگ اعتقادات است. قسمتی از این اعتقادات حقیقی و واقعی و مبتنی بر بنیان‌های ثابت شده و متقن است، اما بخشی از آنها بی‌پایه، بدون دلیل و در طول تاریخ توسط مردمان پذیرفته شده‌اند که به آنها خرافات می‌گویند. معمولاً مردم‌شناسان ترجیح می‌دهند برای جلوگیری از جهت‌گیری ارزشی از اصطلاح باورهای اجتماعی استفاده کنند. البته مسئله به این سادگی هم نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان به صرف اینکه ما قادر به تبیین یک عمل و فهم یک مطلب یا رابطه نیستیم، آن را بی‌پایه و اساس و غیرواقعی تلقی کنیم و باید در بررسی این باورها از زاویه دید معتقدان به این مفاهیم به مسئله بنگریم؛ هر چند از منظری بیرونی نیز می‌توان به تبیین اعتقاد به خرافات پرداخت و نگاهی جامعه‌شناختی یا اقتصادی به موضوع داشت.

وجود اعتقادات خرافی در بین مردم جهان و از جمله ایران، واقعیتی انکارناپذیر است. البته ممکن است برخی از آنها به این دلیل خرافی تلقی شوند که علم هنوز قادر به توضیح یا اثبات آنها نیست. با این حال امروزه بخش عمده‌ای از آنها در برابر میانگین دانش مردم غیرواقعی و نادرست به نظر می‌رسند.

برخی از این اعتقادات ریشه در افسانه‌ها دارند، برخی ناشی از تعبیرهایی خاص از اصول مذهبی و برخی سینه به سینه نقل و پذیرفته شده‌اند، بدون آنکه در صحت و سقم آنها تحقیق یا شک شود.

خرافه یا خرافات معادل کلمه انگلیسی Superstition و کلمه‌ای عربی است که ریشه آن «خرف» به معنی چیدن میوه است. شاید خریف نیز که به پاییز گویند، به مناسب رسیدن میوه‌ها باشد (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۳۴).

در «برهان قاطع» آمده است خرافه عبارتست از: «سخنان پریشان و نامربوط». «علامه دهخدا» در یادداشت‌های خود آن را «موهومات»، «انیاب اغوال» و «حدیث دروغ» تعریف کرده است. فرهنگ آکسفورد نیز خرافه را هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس تعریف کرده است.

از خرافات تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته که برخی از این قرار است: خرافات پنهان؛ اعتقاد به بخت و اقبال که اثر آشکار ندارد.

خرافات آشکار؛ مستقیم بر رفتار فرد اثر می‌گذارد، مانند اعتقاد به صبر پس از عطسه.

خرافات بهداشتی؛ شب چهارشنبه به دیدن بیمار نروید.

خرافات مربوط به مسافرت؛ آب ریختن پشت سر مسافر.

خرافات سیاسی؛ شاه سایه خداست.

خرافات غذایی؛ خوردن ماهی با ماست بد است.

خرافات مربوط به حیوانات؛ سگ هفت جان دارد.

خرافات اصطلاحی نسبی و مقید به زمان و مکان است. به عبارت

دیگر، ممکن است امری از دیدگاه مردم یک زمان یا یک منطقه خرافی و

از دید مردم متعلق به زمان یا مکان دیگر کاملاً منطقی تلقی شود. نتیجه

این است که جایی و زمانی را نمی‌توان یافت که خرافات وجود نداشته

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۰۵

باشد؛ چه در بین بومیان آفریقا و چه در بین مردم آمریکا. البته شدت و ضعف خرافات متفاوت است. ذکر چند نمونه خالی از لطف نیست:

- در مناطقی از آفریقای جنوبی بسیاری از دانشجویان ترجیح می‌دهند پیش از برگزاری امتحانات نزد جادوگران روند تا موفقیت‌شان تضمین شود (کهکشان، ۱۳۷۷: ۸۷)؛

- در هند معمولاً قبل از عقد زناشویی محاسبات طالع‌بینی انجام می‌شود؛

- در برخی از ساختمان‌های بلند در آمریکا طبقه سیزدهم وجود ندارد و بعد از طبقه دوازدهم، طبقه چهاردهم است؛

- گفته شده است در سال ۱۹۶۵ هنگامی که ملکه انگلیس از آلمان بازدید می‌کرد، رئیس ایستگاه دویسبرگ شماره سکویی را که قطار ملکه از آن عبور می‌کرد از ۱۳ به ۱۲ تغییر داد؛

- سوئدی‌ها معتقدند پیدا شدن هدهد علامت وقوع جنگ است (وارینگ، ۱۳۷۱: ۱۵۵).

۱- سابقه مطالعات پیرامون خرافات

یکی از اولین مطالعات در غرب متعلق به «کاروت رید»^۱ است که کتابی تحت عنوان «انسان و خرافاتش»^۲ در سال ۱۹۲۵ منتشر کرد. وی

1. Carveth Read
2. Man and his superstitions

در این کتاب به طرح مباحثی چون رابطه عقیده و خرافه، جادو، جان‌انگاری^۲، توت‌مسیم، فال^۳ و رابطه جادو و علم پرداخته است. اثر دیگر در غرب کتابی است به نام «ریشه‌های خرافات عامه»^۴ تألیف «شارپرنولسون»^۵ که نخستین بار در ۱۹۳۰ منتشر شد و جنبه‌های مختلف خرافات (خرافات مربوط به ازدواج، خوردن، بازی، روزها و فصل) را بررسی کرده است.

از جمله آثاری که در جهان عرب در این زمینه وجود دارد، کتابی به نام «الطیره والطیره فی قرآن و السنه» است که به بحث پیرامون برخی برداشت‌های خرافی از مسائل اسلامی می‌پردازد. این کتاب در خصوص فال بد زدن و ریشه‌های آن در عصر جاهلیت، جهان عرب و شریعت اسلامی مطالب جالبی دارد و مثال‌های فراوان در آن آورده شده است.

در ایران مطالعات مربوط به خرافه بیشتر به تحقیقات پیرامون فرهنگ عامه مربوط بوده است. شاید اولین اثر در این زمینه کتاب «عقاید النساء» (کلثوم ننه) اثر «آقا جمال خوانساری» است که حاوی مطالبی پیرامون آداب و رسوم و اعتقادات و باورهای زنان می‌باشد و در زمان «شاه سلیمان صفوی» نوشته شده است. این کتاب شبیه رساله عملیه است و مباحث را در چارچوب اصول خمس (واجب، مستحب، مکروه، مباح، حرام) مطرح کرده است. ظاهراً انگیزه نویسنده از نوشتن این رساله، دست انداختن و ریشخند کردن خرافات و معتقدات مردم روزگارش

-
1. Magic
 2. Animism
 3. Omen
 4. The origins of popular superstitions
 5. Sharper knowlsen

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۰۷

به‌ویژه زنان بوده است. شخصیت‌های کتاب عبارتند از: کلثوم ننه، باجی یاسمن، خاله جان آقا، دده بزم آرا و بی‌بی شاه زینب.

اما تحقیق در این زمینه به‌طور نسبتاً علمی با آثار «میرزا حبیب اصفهانی» آغاز شد که با فرهنگ و زبان‌های اروپایی آشنایی داشت. او اولین بار کتاب *حاجی بابای اصفهانی* «جیمز موریه» را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد.

بعد از آن باید به کتاب «*امثال و حکم*» علی اکبر دهخدا اشاره داشت. چاپ اول این کتاب متعلق به سال ۱۳۱۱ است. البته در خصوص اعتقادات خرافی، کتاب *نیرنگستان* صادق هدایت جایگاه ویژه‌ای دارد که با وسواس خاصی به طبقه‌بندی اعتقادات عامیانه مردم دست زده است. علاوه بر اینها، باید به کتاب «*فرهنگ عامه*»، نوشته امیرقلی امینی ۱۳۳۹؛ «*فرهنگ امثال فارسی*» تألیف یوسف جمشیدی پور ۱۳۴۷؛ مقاله *تجزیه و تحلیل آل و ام‌الصبیان* کار مشترک ه - داویدیان و غلامحسین ساعدی؛ و زمینه فرهنگ مردم، نوشته جلال ستاری ۱۳۷۰ اشاره کرد. در آثار شاعران نیز گاهی اوقات اشعاری وجود دارد که علیه اعتقادات خرافی است. به‌عنوان نمونه:

بگیر طره مه طلعتی و قصه مگوی که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است
(حافظ)

فریاد و فغان زین فلک خون آشام کز صبح نشاط او دهد ماتم شام
(ذوالنون قزوینی)

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن زسر باد خیره‌سری را
تو چون خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک‌اختری را
(ناصر خسرو)

۲- جنبه‌های نظری خرافات

علل و فلسفه خرافات، از منظرهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته است که از آن میان می‌توان به دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اشاره کرد.

روان‌شناسان خرافات را ناشی از چند مسئله می‌دانند: نخست ناشی از خطای دید و مشاهده. به نظر برخی از روان‌شناسان، بسیاری از افراد چون متوجه علت یک واقعه نمی‌شوند، علل آن را به امور غیرعادی و مافوق طبیعی نسبت می‌دهند.

دومین خطا، خطای حافظه است. معمولاً بین زمان وقوع یک واقعه و زمان گزارش آن فاصله وجود دارد و این فاصله فرصت ایجاد انواع تحریفات را فراهم می‌آورد (جاهودا، ۱۳۶۳: ۸۰). موریس هالیواکس در بررسی حافظه جمعی گروه‌ها معتقد است: گروه‌های اجتماعی به این امر گرایش دارند که رویدادهایی را که حتی کوچک‌ترین پیوستگی ضروری میان آنها دیده نمی‌شود، در یک جا قرار دهند. مثلاً در اورشلیم، قبر داود، خانه خائف یهودی و خوابگاه مریم که هیچ تناسب زمانی یا مکانی با هم ندارند، به‌طور جمعی در روی تپه صیون دیده می‌شوند (استوتزل، ۱۳۷۱: ۱۶۷).

سومین خطا ناشی از تلقین است. مطالعاتی در دست است که نشان می‌دهد می‌توان افراد را از طریق هیپنوتیزم یا برخی داروها به وجود برخی مسائل معتقد کرد. از دیگر عوامل مورد توجه روان‌شناسان، تأثیر انتظارات شخص بر مشاهدات اوست. زمانی که افراد انتظار وقوع یک واقعه را داشته باشند، برخی اتفاقات ناگهانی را به آن نسبت می‌دهند؛

مثلاً زمانی که معتقدید پس از عطسه باید مکث کرد، اگر چنین نکنند و اتفاقی بیافتد، آن را به عطسه نسبت می‌دهند.

رفتارگرایان عقاید خرافی را ناشی از یادگیری می‌دانند. آنها معتقدند خرافات زمانی اتفاق می‌افتد که یادگیری به نحوی از مسیر صحیح منحرف شده باشد. در هر حال، به‌زعم روان‌شناسان، خرافات در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم اعتماد و اطمینان نسبت به آینده وجود دارد، زاده می‌شود. به‌عنوان مثال؛ در مواجهه با اتفاقاتی چون تولد، مرگ، بیماری، قحطی و فقر که در نتیجه شکست و اضطراب، آدمی آرزوها، تمایلات و هیجانات خود را در دنیای تخیلات و خرافات برآورده می‌بیند (داویدیان، ۱۳۴۴: ۱۹).

جامعه‌شناسان در بررسی مسائل، وضعیت و شرایط اجتماعی را دخیل می‌دانند. بنابراین از نظر آنها خرافات پاسخ به نیاز اجتماعی است.

«آگوست کنت»^۱ معتقد بود: بشر از نظر فکری سه مرحله ربانی، متافیزیک و اثباتی را پشت سر گذاشته است. در مرحله ربانی، بشر اسیر نیروهای طبیعی بود، از سرما، گرما، تاریکی، زلزله، سیل و امثالهم وحشت می‌کرد و قادر به تبیین آنها نبود، لذا سعی در تبیین آنها داشت. بنابراین در آن دوره تنها تصویری که می‌توانست داشته باشد، جان‌انگاری^۲ بود؛ یعنی مقایسه طبیعت با خود، نسبت دادن ویژگی‌های حیاتی خود به آن و اعتقاد به وجود نیروهای درونی برای حوادث. این تفکر، زمینه‌ساز اعتقاد به جادو و خرافه و نیروهای خارق‌العاده شد.

1. August
2. Animism

«پیتر ورسلی»^۱ اعتقاد خرافی گروه‌های اجتماعی را در ارتباط با سابقه اجتماعی و فرهنگی آنها بررسی می‌کند. به نظر وی، این پدیده‌ها ناشی از تغییرات سریع اجتماعی است که ارمغان اروپاییان بوده و سکنه بومی را از مسیر عادی زندگی خود منحرف ساخته است، لذا ارزش‌ها و باورهای دیرین آنها به گونه‌ای متزلزل شد و هدف‌های جدیدی به‌ویژه در ارتباط با یک زندگی مادی غنی‌تر به آنان عرضه گردید. اما عدم وجود امکانات لازم برای رسیدن به هدف‌های تازه آنها را به راه‌های تخیلی انداخت (جاهودا، پیشین: ۱۵۶).

از نظر جامعه‌شناسی، خرافات در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، زاده می‌شود. به طور مثال، مسائلی همچون تولد، مرگ، بیماری، قحطی، فقر و وقوع حوادث طبیعی پیشامدهایی از این قبیل همیشه برای بشر منبع اضطراب بوده و احساس شکست، ترس و خشم را به دنبال داشته است. از آنجایی که هیچ‌کدام از آنها را آدمیزاد نمی‌توانسته از راه علم و منطق توجیه کند، به خرافات رو آورده است تا از اضطراب و تشویش رها شده و تسکین خاطر پیدا کند (داویدیان، ۱۳۴۴: ۱۹).

در این راستا، برخی محققان تقویم نجومی و اعتقاد به تحت شعاع، قمر در عقرب، نحوست یا خوش‌یمنی ایام را از مظاهر خرافات دانسته و ورود آن را به فرهنگ ما متعلق به دوره مغول که دوره تزلزل روحی و اخلاقی بود و مردم خود را اسیر سرنوشت حس می‌کردند می‌دانند (نبئی، ۱۳۶۱: ۳۸۸).

1. Peter Worsly

۳- تحلیل آماری

برای آزمون دیدگاه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خرافات، تحقیقی میدانی در یکی از شهرستان‌های واقع در جنوب غربی استان اصفهان به نام شهرضا^۱ با وسعتی معادل ۴۵۷۱ کیلومتر مربع و جمعیتی معادل ۱۶۴,۳۶۱ نفر^۲ (طبق سرشماری سال ۱۳۷۵) صورت گرفت. این شهرستان دارای دو شهر و چهل و نه روستا است.

نمونه‌ای چهارصدنفری از مناطق شهری و روستایی برای تحقیق انتخاب و فرضیه‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته شد:

- ۱- وجود اعتقادات خرافی میان مردم این منطقه؛
- ۲- رابطه سن و میزان اعتقادات خرافی؛
- ۳- رابطه جنس و اعتقادات خرافی؛
- ۴- رابطه تحصیلات و اعتقادات خرافی؛
- ۵- رابطه اعتقادات مذهبی و اعتقادات خرافی؛
- ۶- رابطه محل زندگی (شهری یا روستایی بودن) و اعتقادات خرافی؛
- ۷- رابطه بین شغل و اعتقادات خرافی؛
- ۸- رابطه آرمان‌گرایی و اعتقادات خرافی.

برای طرح هرکدام از فرضیات فوق، توجیهات نظری گوناگونی وجود دارد. در واقع این فرضیات برخاسته از مباحث موجود در دیدگاه نظری است که شاخص‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

۱. در زمان تحقیق، این شهرستان، شهرستان دهقان را نیز شامل می‌شد.

۲. برآورد جمعیت آن برای سال ۱۳۸۲ معادل ۱۸۵۷۲۸ نفر بود.

پرسشنامه‌ای در سه قسمت و مشتمل بر ۴۴ سؤال ساخته شد. قسمت اول پرسشنامه شامل سؤالاتی پیرامون ویژگی‌های جمعیت شناختی و فردی بود. قسمت دوم طیفی بود با ۶ سؤال جهت سنجش گرایش‌های مذهبی و در قسمت سوم، انواع خرافاتی که کم و بیش وجود دارد مورد پرسش قرار گرفت.

۴- یافته‌های تحقیق

برخی اطلاعات کلی پاسخگویان به قرار زیر بود: ۲۲۶ نفر زن و ۱۷۴ نفر مرد، ۱۶۸ نفر مجرد و ۲۲۲ نفر متأهل. سنین پاسخگویان بین ۱۷ و ۷۰ سال، ۲۷۶ نفر شهری و ۱۲۴ نفر روستایی. ۱۶۹ نفر دارای وضعیت اقتصادی بهتر، ۳۳ نفر متوسط و ۱۹۸ نفر خوب. سواد پاسخگویان بین بیسواد تا دکترا. نوع شغل شامل خانه‌دار، محصل، کارگر، کارمند، آزاد و کشاورز. ۳۵ نفر غیرآرمان‌گرا، ۲۰۷ نفر نیمه آرمان‌گرا، ۱۵۱ نفر آرمان‌گرا و ۷ نفر نامشخص. ۲۱ نفر متعصب مذهبی، ۲۳۷ نفر نیمه متعصب و ۱۴۲ نفر غیرمتعصب.

براساس پاسخ‌های پاسخگویان، میزان موافقت با باورهای مورد سنجش چنین بود:

درصد موافقت	خرافه مورد سنجش	درصد موافقت	خرافه مورد سنجش
۶۹	اعتقاد به نصیب و قسمت	۱۷	بد بودن روز چهارشنبه برای عیادت بیمار
۱۶	رفتن پیش فال‌گیر قبل	۴۳	نحس بودن صدای جغد

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۱۳

	از ازدواج		
۷۶	صحت حرف فال‌گیر	۳۳	باز شدن بخت با گره زدن سبزه
۷۷	اعتقاد به شانس و اقبال	۷۲	رفع بلا با دود کردن اسفند
۴۵	خواندن قسمت طالع‌بینی نشریات	۶۹	صبر کردن پس از عطسه
۴۲	به‌کار بستن تقویم نجومی	۴۲	نحس بودن عدد سبزه
۳۵	اثر ستارگان بر زندگی	۳۸	وجود اشباح
۳۰	پیشانی بلند شانس می‌آورد	۲۴	دیدن شبخ
		۳۷	رفتن پیش فال‌گیر

برطبق اطلاعات به‌دست آمده، از کل ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۴۵ نفر تقریباً غیر خرافی، ۱۵۳ نفر تقریباً خرافی، ۱۴۶ نفر خرافی و ۵۶ نفر بسیار خرافی بودند.

برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون χ^2 دو (X2) استفاده شد که در این میان فرضیه‌های مربوط به سن، جنس، محل سکونت، آرمان‌گرا بودن رد و فرضیه‌های مربوط به سطح تحصیلات، تعصب مذهبی، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل و شغل تأیید شدند و به عبارت دیگر، افراد دارای تحصیلات بیشتر، وضعیت اقتصادی بهتر، شغل بالاتر و گرایش‌های خرافی کمتری داشتند.

علاوه بر این، براساس محاسبه معادله رگرسیون چندگانه به صورت گام‌به‌گام^۱ معادله زیر به دست آمد:

وضعیت تأهل ۱/۰۳۶ -، تعصب مذهبی ۰/۲ +، تحصیلات ۰/۵۱ -
۶/۶۴ = اعتقاد به خرافات.

۵- نتیجه‌گیری

خرافات بسیاری در جامعه ما وجود دارند که از گذشته‌های دور به ما به ارث رسیده‌اند. ممکن است تعداد زیادی از افراد واقعاً تصور کنند اصلاً خرافی نیستند، اما باید در این تصور تردید کرد؛ زیرا حتماً نباید ملاک خرافی بودن را اعمال و رفتاری در نظر بگیریم که آشکارا عجیب و غریبند، بلکه اعمال بسیاری توسط افراد جامعه صورت می‌گیرد که به علت بدیهی فرض کردن یا همه‌گیر بودن در خرافه بودن آن کسی شک نمی‌کند. همچنین نسبت دادن این اعمال به سنت و رسم اجتماعی در ماهیت قضیه و خرافی بودن آن تغییری ایجاد نمی‌کند و همین که انجام این کار احساس اطمینانی به ما می‌دهد، تأییدی بر خرافی بودن آن است. به عنوان نمونه، کمتر کسی است که هنگام ازدواج لباس روشن نپوشد، به ماه عسل نرود، در مراسم عقد آینه نگذارد و عدم انجام آن را بد نداند.

به نظر می‌رسد گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه منجر به کاهش اعتقاد خرافی می‌شود، باید اذعان کرد حتی انسان‌های مدرن نیز نمی‌توانند خرافات را رد کنند و یا عملاً از آن خلاص شوند.

1. Stepwise

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. استوتزل، ژان، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲. امینی، امیر قلی، فرهنگ عوام، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۳۹.
۳. بی‌نام، باورهای خرافی در نواحی روستایی آفریقای جنوبی، مجله کپکشان، سال ۵، شماره ۷، ۱۳۳۷.
۴. پاکدامن، محمد حسن، جامعه در قبال خرافات، مشهد: نشر مرنديز، ۱۳۷۸.
۵. جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ترجمه محمد تقی براهنی تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۶. جمشیدی‌پور، یوسف، فرهنگ امثال فارسی، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۷.
۷. خوانساری، آقا جمال، عقاید النساء، تهران: انتشارات طه‌پوری، ۱۳۴۹.
۸. داویدیان ه و غلامحسین ساعدی آل وام الصبیان، تهران: انتشارات سخن، سال ۱۶ شماره ۱، ۱۳۴۴.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.
۱۰. ستاری، جلال، زمینه فرهنگ مردم، تهران: نشر ویراستار، ۱۳۷۰.
۱۱. نبئی، ابوالفضل، تقویم دوازده حیوانی، مجله آینده، سال هفتم، شماره ۷، ۱۳۶۱.
۱۲. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸.
۱۳. وارینگ، فیلیپ، فرهنگ خرافات، ترجمه احمد حجازان، تهران: نشر ویس، ۱۳۷۱.

ب) منبع عربی

- ۱- سهام بنت عبدالله، الطیر و الطیره فی قرآن والسنة، بیروت، دارالجیل، (۱۴۱۴ ه.ق).

ج) منابع لاتین

1. Knowl Son, sharper the Origins Of Popular Superstitions Middlesex, Senate, 1998.
2. Read, Carveth, Man and His Superstition, London Cambridge, 1925.

توصیفی از میزان گرایش به خرافات در شهر اهواز

* عباس عسکری ندوشن

** سمیه فاضل نجف‌آبادی

** محمد حیدری

چکیده

از آنجایی که خرافات همواره به‌عنوان یکی از موانع توسعه به حساب می‌آید، هدف پژوهش حاضر، بررسی توصیف میزان گرایش به خرافات در شهر اهواز (به‌عنوان یکی از شهرهای ایران) بوده است. این تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد که جامعه آماری آن را شهروندان ۱۵ ساله و بیشتر شهر مذکور تشکیل داده است. حجم نمونه مورد استفاده در تحقیق را ۳۸۳ نفر از ساکنان شهر اهواز شامل می‌شوند. در تحقیق حاضر، بررسی گرایش به خرافات در سه بعد باور (اعتقاد به تأثیرگذار بودن یک خرافه)،

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و بورسیه هیئت علمی دانشگاه یزد.

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد.

عمل (اقدام به یک عمل خرافه‌ای) و نتیجه (اعتقاد به نتیجه داشتن اقدام به یک عمل خرافی) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج تحقیق نشان داد در مجموع میزان گرایش به خرافات کمتر از حد متوسط است. در همه موارد برخی از پاسخگویان به خرافات گرایش داشتند. درصد کمی از پاسخگویان، خودشان رفتار خرافی انجام داده بودند، ولی اکثریت همین عده مدعی بودند از این کارشان نتیجه گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

خرافه، اهواز، باورها و عقاید، رفتار خرافی و مسائل فرهنگی.

مقدمه

جامعه همواره نیازمند نیرویی است که یکپارچگی آن را حفظ و از تفرقه و تجزیه نیروهای آن جلوگیری به عمل می‌آورد. انسان‌ها در طول تاریخ روش‌های متفاوتی برای ایجاد این یکپارچگی به کار گرفته و در پی یافتن چنین جامعه متحد و یکدستی بوده‌اند. گاه از نیروهای الهی و آسمانی مدد گرفتند، گاهی شبه‌پیامبران و مصلحان اجتماعی مسئولیت تنظیم چنین پدیده‌ای را به عهده داشتند و بعضی اوقات نیروهای مستبد و دیکتاتور با تکیه بر زور و اجبار درصدد ایجاد چنین جامعه‌ای برآمدند. اختلاف و تفاوت هنگامی گسترش می‌یابد که منابع کسب دانش، نگرش و شیوه عمل گوناگون باشد. در جوامع گذشته به دلیل وحدت تقریبی منابع فوق، نمودهای آن نیز از مشابهت‌های بسیاری برخوردار بود. شیوه معیشت و برخورد با طبیعت - که تعیین‌کننده بسیاری از مسائل زندگی انسان‌هاست - اغلب کشاورزی یا دامداری یا تلفیقی از این دو بود. همه جوامعی که این شیوه‌های زندگی را از سر گذرانده‌اند، کم و بیش، شیوه اندیشه، احساس و عمل مشترکی داشته‌اند. همراه و همسو کردن افراد چنین جوامعی چندان مشکل نبوده و نیست. یک رهبر کاریزما و یا یک نیروی نظامی قدرتمند به راحتی می‌توانست قشر عظیمی از این افراد را به هر سو که خود می‌خواست هدایت کند. در چنین جوامعی، سطح تحصیلات و آگاهی افراد پایین، ارتباطات به‌طور کلی ضعیف و اندیشه‌ها جزمی‌تر بود؛ در نتیجه، تغییر نگرش، اندیشه و عمل آنها به کندی صورت می‌گرفت.

ولی آنچه امروزه و در قرن ۲۱ دارای اهمیت است، وجود مردمی با آگاهی‌های اجتماعی بالاست که بتوانند با سرعت پیشرفت در جهان، به پیشرفت و توسعه دست یابند. نباید فراموش کرد که توسعه و پیشرفت جامعه با عقاید خرافی و موهوم ممکن نخواهد بود و این عقاید مانعی بر سر راه تحقیقات، فناوری، علم و دانش هستند.

بنابراین، برای شکوفایی رشد علمی و همچنین رشد فکری، نیازمند اندیشه صحیحی در جامعه هستیم تا خود را به راحتی تسلیم طوفان حوادث نسازیم و خودکار و فعال در جهت تعالی و رشد، گام برداریم. در واقع می‌توان گفت: مقوله فرهنگ به دو بخش فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی تقسیم می‌شود. بخش مادی به فناوری، ابداعات و اختراعات اطلاق می‌شود و پندارها، رفتار و عقاید انسان‌ها (که خرافه‌ها و افسانه‌ها بخشی از آن هستند) بخش غیرمادی فرهنگ را می‌سازند. در طول تاریخ همیشه این خرافات و افسانه‌ها بر رفتار انسان‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. پس مطالعه آنها به‌عنوان عناصری از فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد.

اگر بپذیریم مهم‌ترین محور توسعه، انسان و نیروی انسانی است و نیز توجه به مقوله فرهنگ و جامعه‌پذیری درست و معقول افراد، یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به توسعه پایدار است، به راحتی می‌پذیریم باید کلیه عواملی که انسان را در این راه و برای رسیدن به این هدف دچار مشکل می‌کنند و یا با مانع روبرو می‌سازند، برطرف نماییم. باورهای غیرعقلانی با انواعی از عادات، مراسم و احساسات آمیخته‌اند و در نهایت موجب ائتلاف استعدادها و امکانات مادی و معنوی جامعه می‌شوند (بای‌سلامی، ۱۳۷۴: ۲۹).

«تایلر^۱ معتقد است: «ولی معرفت طبقات اهم، وظیفه دیگری برعهده دارد که بسیار مهم و دشوار است. او باید از روی تمدن‌های پست و خشن قدیم در جامعه ما که خرافات اسف‌آور باقی گذاشته است پرده بردارد و آنها را یکسره نابود و ریشه‌کن کند؛ اگرچه این کار چندان آسان نیست، ولی برای آسایش و آرامش جامعه لازم و واجب است. علم و تمدن همان‌طور که برای پیشرفت جامعه کوشیده و کمک می‌کند، برای از هم گسیختن و شکستن زنجیرهایی که او را مقید کرده نیز باید اقدام کند و به‌خصوص این علم برای پیشوایانی است که به جهت اصلاح و تجدد جامعه کمر مجاهدت بر میان می‌بندند» (نقل از هدایت؛ ۱۳۱۲: ۱۹).

خرافات در زمره مهم‌ترین عواملی است که به‌عنوان سد در راه رشد و ترقی جوامع وجود دارد. بنابراین باید با شناخت خرافه‌های موجود و ریشه‌ها و علل وجودی آنها، تصمیمات لازم برای مبارزه با آنها اتخاذ نمود. نظر به اینکه خرافات از جمله مباحثی است که در پژوهش‌های اجتماعی چندان به آن پرداخته نشده و محققان اجتماعی در بررسی مقولات اجتماعی کمتر آن را مورد ملاحظه قرار داده‌اند، همچنین به‌دلیل حجم گسترده باورهای خرافی در جامعه، لازم است تحقیقات وسیعی در این مقوله صورت گیرد. لذا تحقیق حاضر سعی در شناسایی مهم‌ترین خرافه‌های موجود در جامعه آماری دارد تا با شناخت نسبی آنها، راهکارهای مناسبی برای حذف یا کم‌رنگ‌شدن‌شان ارائه دهد. نوشتار حاضر به‌منظور بررسی توصیفی گرایش به خرافات در شهر اهواز انجام شده است.

1. Edward Tylor

۱- پیشینه تحقیق

مسعود سپهر (۱۳۷۶) تحقیقی با عنوان «بررسی مصادیق بارز عوامل، علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری» انجام داده و در سطح توصیفی به بررسی میزان شیوع خرافات پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق، خرافات زیادی در زمینه مسائل دینی در جامعه وجود دارد.

«راه‌های مقابله با خرافات و موهومات» عنوان تحقیق دیگری است که توسط دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان (۱۳۷۵) انجام شده است. در این تحقیق، تعدادی از خرافه‌های موجود مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نتایج تحقیق به صورت درصدی ارائه شده و در پایان به‌طور بسیار مختصر راهکارهایی ارائه شده است.

«زب و باربارا» (۲۰۰۱) در تحقیقی که در مورد «تأثیر خرافات بر اختلالات روانی در کشور کلمبیا» انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند: زنان بسیار بیش از مردان به خرافات گرایش دارند و به سایرین پیشنهاد کرده‌اند در مطالعات بعدی، جنسیت به‌عنوان یک متغیر اصلی در نظر گرفته شود (Zebb & Barbara, 2003).

«پلتزر» (۲۰۰۲) در مورد افکار جادویی و عقاید ماوراءالطبیعی در آفریقای جنوبی تحقیقی انجام داده و به مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق، دانشجویان کمتر از دانش‌آموزان خرافاتی هستند. در نمونه آنها، زنان از مردان خرافاتی‌تر بودند، ولی نتیجه به دست آمده معنادار نبود. همچنین بین عقاید مذهبی

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۲۳

سنتی و داشتن افکار جادویی رابطه ضعیف ولی معناداری وجود داشت (Peltzer (A), 2002).

همچنین «پلتزر و رنر» (۲۰۰۱) در تحقیق دیگری در آفریقای جنوبی به بررسی رابطه خرافات با ریسک‌پذیری در تصادفات در بین رانندگان تاکسی پرداختند. در این تحقیق، اگرچه شیوع خرافات در بین رانندگان زیاد بود، ولی رابطه‌ای بین سن، سطح تحصیلات و تجربه رانندگی با خرافات وجود نداشت (Peltzer & Renner, 2001).

«آروین»، «تالبورن» و «پلتزر» نیز در تحقیقات جداگانه خود به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه دینداری بیشتر باشد، گرایش به خرافات نیز بیشتر است (Irwin, 1985; Thalbourne & Hensley, 2001; Peltzer (B), 2002).

«گریفتس» و «بینگهام» (۲۰۰۳) با گرفتن نمونه‌ای به حجم ۴۱۲ نفر در ناتینگهام از شهرهای انگلستان به بررسی عقاید خرافی میان بازیکنان بینگو^۱ پرداختند. آنها ضمن ارائه یک سری آمار توصیفی در مورد شیوع خرافات، به این نتیجه رسیدند که زنان از مردان خرافاتی‌ترند، همچنین بازیکنان مسن‌تر گرایش بیشتری به خرافات دارند (Griffiths & Bingham: 2005).

«بوخاری» و دیگران (۲۰۰۲)، خرافات مربوط به مسائل بهداشتی را در بین گروه‌های قومی مختلف در کراچی بررسی کردند. این محققان به این نتیجه رسیدند که ۷۳ درصد مردم عقاید خرافی دارند، تحصیلات با خرافات رابطه معکوسی دارد، بین گروه‌های قومی مختلف، تفاوت

1. Bingo Players

معنی‌داری به لحاظ گرایش به خرافات وجود ندارد و درنهایت اینکه خرافات بر نگرش مردم به مسائل بهداشتی تأثیر بسیار زیادی دارد (Bukhari et al , 2002).

۲- توصیف منطقه جغرافیایی مورد مطالعه

شهر اهواز بین ۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی از خط استوا در جنوب‌غربی ایران واقع شده و مرکز استان خوزستان است. قدمت این شهر را تا دوره ایلامیان تخمین زده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶). در آبان ۱۳۷۵، این شهر دارای ۱۴۷,۸۵۶ خانوار معمولی ساکن با ۷۹۱,۷۸۶ نفر جمعیت و شامل ۳۹۸,۸۸۳ نفر مرد و ۳۹۲,۹۰۳ نفر زن بوده است. براساس این ارقام، در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۲ نفر مرد در این شهر وجود داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶).

۳- متغیر اصلی تحقیق

خرافه^۱ عبارت است از: «باور و وابستگی شدید عاطفی به یک عمل». در باورشناسی خرافه این عمل به‌گونه‌ای غیرمعقول و خارج از روال عادی، طبیعی و علمی در پیدایش، بهبود و یا از میان رفتن یک وضعیت، مؤثر واقع می‌شود (خاشعی، ۱۳۷۹: ۱).

برای سنجش این متغیر چند مورد از خرافات رایج در جامعه آماری تحقیق به پاسخگو داده و از وی خواسته شده براساس طیف لیکرت

1. Superstition

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۲۵

مشخص کند به نظر وی «قطعاً واقعیت دارد»، «شاید واقعیت داشته باشد» یا «قطعاً واقعیت ندارد» (باور). علاوه بر این، در مورد برخی از خرافات از وی پرسیده شده آیا وی انجام داده است؟ (عمل) و سرانجام اینکه آیا نتیجه گرفته است؟ (نتیجه)

۴- روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه هدف، سنجش میزان گرایش به خرافات بود، از روش پیمایش^۱ یا آنچه «میلر»^۲ مصاحبه شخصی نامیده است، استفاده شده است. «کرلینجر»^۳ در مورد این روش می‌نویسد: «تحقیق پیمایشی، جمعیت‌های کوچک و بزرگ را با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از آن جامعه‌ها برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد» (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۶۵).

جامعه آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر اهواز در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند. برای برآورد حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده و ۳۸۳ نفر برآورد شده است. همچنین و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نمونه‌ها انتخاب و پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. سهمیه‌ها با توجه به محل سکونت (بلوک‌بندی شهر)، جنسیت و سن تعیین شده‌اند.

-
1. Survey
 2. Miller
 3. Fred N. Kerlinger

جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار کامپیوتری SPSS و برای ترسیم نمودارها از نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

۵- یافته‌ها

در مجموع ۴۹/۱ درصد از کل پاسخگویان را مردان و ۵۰/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین ۲۴/۸ درصد از کل پاسخگویان مجرد و ۷۵/۲ درصد، متأهل هستند. میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه برابر ۳۲/۲۴ سال، با انحراف معیار ۱۱/۸۷ است.

برای سنجش گرایش به خرافات، سه دسته سؤال یا گویه مطرح شده است. دسته اول شامل ۸ گویه است که از پاسخگو خواسته شده مشخص کند به نظر او، این عقاید تا چه حد واقعیت دارد؟ آیا وی این کارها را انجام می‌دهد یا خیر؟ و در نهایت اینکه آیا از انجام این کارها به نتیجه‌ای رسیده است؟

۱-۵- آویزان کردن نمک جهت محافظت از خود

الف) باور: ۹/۷ درصد از پاسخگویان معتقدند آویزان کردن نمک به‌طور قطع باعث حفاظت انسان می‌شود، ۴۱/۸ درصد گفته‌اند شاید واقعیت داشته باشد و ۴۸/۶ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند آویزان کردن نمک به‌طور قطع باعث حفاظت انسان نمی‌شود.

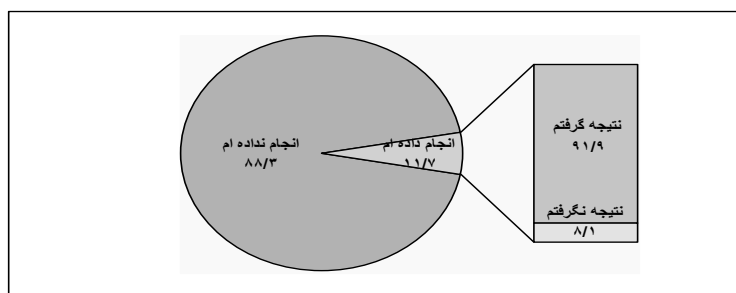
ب) عمل: ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند این کار را انجام داده‌اند و ۸۸/۳ درصد ابراز نموده‌اند عمل آویزان کردن نمک برای

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۲۷

محافظت از خود، توسط آنها انجام نگرفته است، بنابراین اکثریت پاسخگویان تاکنون این کار را انجام نداده‌اند.

ج) نتیجه: در زمینه مفید بودن یا نبودن عمل آویزان کردن نمک جهت محافظت از خود، ۹۱/۹ درصد از پاسخگویانی که این عمل را انجام داده بودند، اعتقاد به مفید بودن این کار داشته و ۸/۱ درصد معتقد بودند این کار هیچ فایده‌ای نداشته و باعث محافظت نمی‌شود.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل آویزان کردن نمک



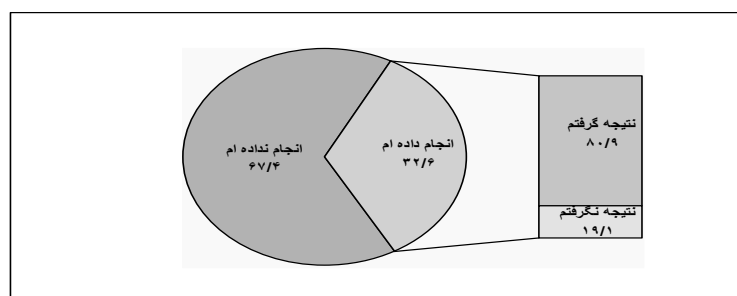
۲-۵- گره زدن سبزه برای برآورده شدن آرزوها

الف) باور: در زمینه واقعی یا غیرواقعی بودن گره زدن سبزه برای برآورده شدن آرزوها، نتایج نشان می‌دهد ۱۸/۵ درصد از افراد مورد مطالعه اعتقاد داشته‌اند این کار به‌طور قطع واقعیت دارد؛ درحالی‌که ۳۷/۳ درصد برای این عقیده، گزینه شاید را انتخاب نموده‌اند و در نهایت ۴۴/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند این کار به‌طور قطع واقعیت ندارد.

ب) عمل: ۳۲/۶ درصد از افراد مورد بررسی این عمل را انجام داده‌اند؛ یعنی برای برآورده شدن آرزوهایشان، سبزه گره زده‌اند و ۶۷/۴ درصد نیز این کار را انجام نداده‌اند.

ج) نتیجه: از بین پاسخگویانی که ادعا داشتند برای برآوردن آرزوها تاکنون سبزه گره زده‌اند، ۸۰/۹ درصد اعتقاد داشته‌اند این کار برای آنها نتیجه داشته و ۱۹/۱ درصد نیز معتقد بودند این کار بی‌فایده بوده است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل گره زدن سبزه برای برآورده شدن حاجت



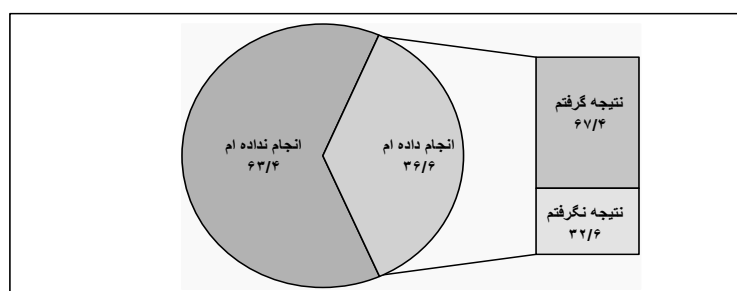
۳-۵- شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم

الف) باور: در این زمینه ۲۹/۸ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند شکستن تخم مرغ باعث جلوگیری از چشم زخم می‌شود، ۴۰/۵ درصد در این زمینه احتیاط کرده‌اند و ۲۹/۸ درصد از پاسخگویان منکر وجود رابطه بین شکستن تخم مرغ و جلوگیری از چشم زخم بوده‌اند.

ب) عمل: در مورد اینکه آیا پاسخگویان برای جلوگیری از چشم‌زخم تاکنون تخم‌مرغ شکسته‌اند یا خیر، نتایج نشان می‌دهد ۳۶/۶ درصد از پاسخگویان این عمل را انجام داده‌اند و بقیه یعنی ۶۳/۴ درصد این رفتار را انجام نداده‌اند.

ج) نتیجه: ۶۷/۴ درصد از افرادی که برای جلوگیری از چشم‌زخم تخم‌مرغ شکسته‌اند، معتقد بودند این کار فایده و نتیجه داشته است؛ این در حالی است که ۳۲/۶ درصد از آنها اظهار نموده‌اند این کار نتیجه‌ای نداشته است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل شکستن تخم‌مرغ در جلوگیری از چشم‌زخم



۴-۵- آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او

الف) باور: نتایج نشان می‌دهد ۳۸/۶ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند ریختن آب پشت سر مسافر به‌طور قطع باعث سالم برگشتن او می‌شود، ۳۶/۶ درصد در این زمینه مردد هستند و اظهار نموده‌اند شاید این امر واقعیت داشته باشد و در نهایت ۲۴/۸ درصد اظهار نموده‌اند این

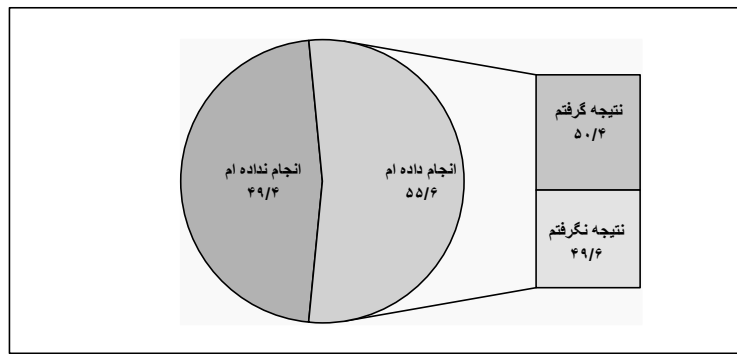
۱۳۰ ► جامعه‌شناسی خرافات در ایران

عمل واقعیت ندارد و آب ریختن پشت سر مسافر، ربطی به سالم برگشتن یا سالم برنگشتن مسافر ندارد.

ب) **عمل:** ۵۵/۶ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند خودشان این کار را انجام داده‌اند و ۴۴/۴ درصد نیز اظهار داشتند این کار توسط آنها انجام نشده است.

ج) **نتیجه:** در مورد نتیجه داشتن یا نداشتن این باور، ۵۰/۴ درصد از پاسخگویانی که این رفتار را انجام داده‌اند، اعتقاد دارند این رفتار برای آنها نتیجه مفید داشته است و ۴۹/۶ درصد نیز اعتقاد به بی‌فایده بودن این کار داشته‌اند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل آب ریختن پشت سر مسافر



۵-۵- آویزان کردن مهره‌مار برای جلوگیری از چشم‌زخم

الف) **باور:** ۱۶/۴ درصد از پاسخگویان معتقدند آویزان کردن مهره‌مار باعث جلوگیری از چشم‌زخم می‌شود، ۴۳/۶ درصد در این زمینه نظر

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۳۱

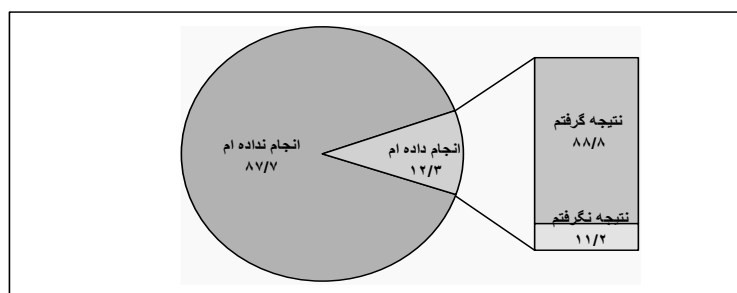
متوسط داشته‌اند و ۳۹/۹ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند آویزان کردن مهره‌مار به‌طور قطع باعث جلوگیری از چشم‌زخم نمی‌شود.

ب) عمل: ۱۲/۳ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند این کار را انجام داده‌اند و ۸۷/۷ درصد ابراز داشتند عمل آویزان کردن مهره‌مار برای جلوگیری از چشم‌زخم توسط آنها انجام نگرفته است.

ج) نتیجه: در زمینه مفید بودن یا نبودن عمل آویزان کردن مهره‌مار جهت جلوگیری از چشم‌زخم، ۸۸/۸ درصد از پاسخگویانی که این عمل را انجام داده بودند، اعتقاد به مفید بودن این کار داشته و ۱۱/۲ درصد معتقد بودند این کار هیچ فایده‌ای نداشته و باعث جلوگیری از چشم‌زخم نشده است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل آویزان کردن مهره‌مار و

نتیجه آن



۶-۵- صبر در هنگام عطسه برای رفع خطر احتمالی

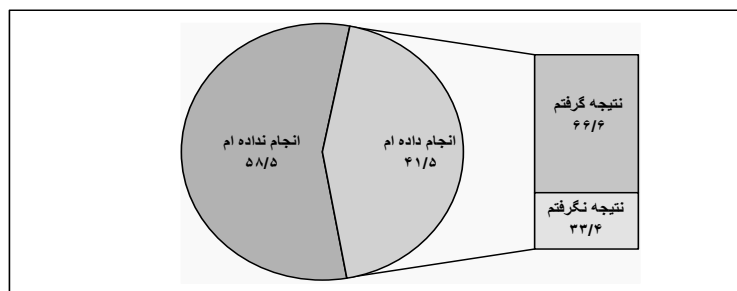
الف) باور: ۲۳/۵ درصد از پاسخگویان در این پژوهش ابراز نموده‌اند این کار واقعیت دارد و برای رفع خطر باید حتماً در هنگام عطسه صبر

نمود؛ این در حالی است که ۴۷/۳ درصد گزینه شاید را انتخاب نموده و گفته‌اند این امر شاید واقعیت داشته باشد، ولی ۲۹/۲ درصد از افراد مورد مطالعه اظهار داشته‌اند این باور واقعیت ندارد و صبر در هنگام عطسه کردن در رخ دادن یا رخ ندادن اتفاق بد، تأثیری ندارد.

ب) عمل: در زمینه انجام یا عدم انجام این عمل ۴۱/۵ درصد از افراد مورد بررسی گفته‌اند این عمل را انجام داده‌اند و بقیه یعنی ۵۸/۵ درصد در این زمینه، گزینه انجام نداده‌ام را انتخاب نموده‌اند و گفته‌اند تاکنون به هنگام عطسه صبر ننموده‌اند.

ج) نتیجه: ۶۶/۶ درصد از افرادی که اعتقاد داشته‌اند در هنگام عطسه صبر کرده‌اند، عقیده‌شان بر این بوده این کار باعث رفع خطر احتمالی خواهد شد و ۳۳/۴ درصد اعتقاد داشته‌اند این کار نتیجه‌ای برای آنها نداشته است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب انجام عمل صبر در هنگام عطسه



گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۳۳

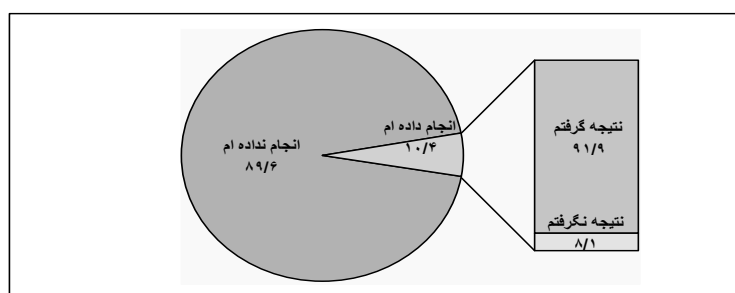
۷-۵- پاشیدن آب به گربه باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود

الف) باور: ۱۰/۴ درصد از پاسخگویان این عقیده را قبول داشته و معتقدند پاشیدن آب به گربه باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود، ۴۱/۵ درصد در این مورد تردید داشته‌اند و ۴۸/۰ درصد از پاسخگویان این عقیده را قبول نداشته‌اند.

ب) عمل: ۱۰/۴ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند خودشان این کار را انجام داده‌اند و ۸۹/۶ درصد نیز اظهار نموده‌اند این کار توسط آنها انجام نشده است.

ج) نتیجه: در مورد نتیجه داشتن یا نداشتن این باور، ۹۱/۹ درصد از پاسخگویانی که این رفتار را انجام داده‌اند اعتقاد دارند پاشیدن آب به گربه باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود و ۸/۱ درصد نیز معتقد بودند آب پاشیدن به گربه هیچ عواقبی نداشته است.

نمودار توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر حسب انجام عمل آب پاشیدن به گربه و نتیجه آن



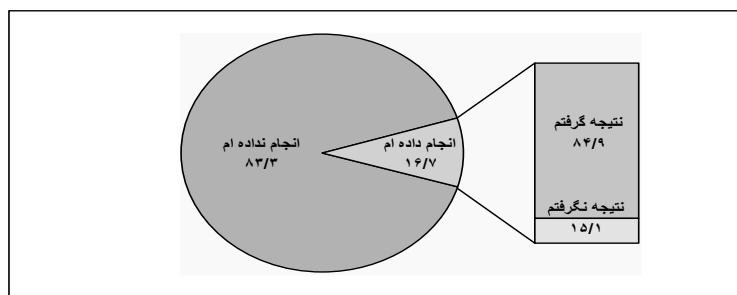
۸-۵- اگر چیزی در گلو گیر کند، مهمان می‌آید یا سوغاتی برایت می‌آورند

الف) باور: نتایج گویای این است ۱۴/۶ درصد از افراد مورد مطالعه معتقدند این امر کاملاً منطبق با واقعیت بوده و ۳۶/۰ درصد معتقدند شاید این پدیده واقعیت داشته باشد و در نهایت ۴۹/۳ درصد معتقدند این امر اصلاً نمی‌تواند درست باشد و به عبارتی، به‌طور قطع واقعیت ندارد.

ب) عمل: ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان ابراز نموده‌اند این اتفاق برای آنها پیش آمده و ۸۳/۳ درصد از افراد مورد مطالعه تاکنون این اتفاق برای‌شان رخ نداده است.

ج) نتیجه: ۸۴/۹ درصد از پاسخگویانی که این اتفاق برای آنها پیش آمده معتقد بودند برای‌شان مهمان آمده یا سوغاتی آورده‌اند ۱۵/۱ درصد اعتقادی به این مسئله نداشتند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب اینکه اگر چیزی در گلو گیر کند مهمان می‌آید یا سوغاتی می‌آورند



در دومین قسمت از سؤالات مربوط به گرایش به خرافات، در مورد تعدادی از افراد و مشاغل خاصی که حول نقش‌های مختلف این افراد به

وجود آمده است، از پاسخگویان سؤالاتی پرسیدیم. همچنین در مورد ابعاد عملی قضیه نیز نظرشان را جویا شدیم و از آنها خواستیم مشخص کنند آیا تا به حال به این افراد مراجعه کرده‌اند یا خیر؟ و اگر مراجعه کرده‌اند آیا نتیجه‌ای هم حاصل شده است؟

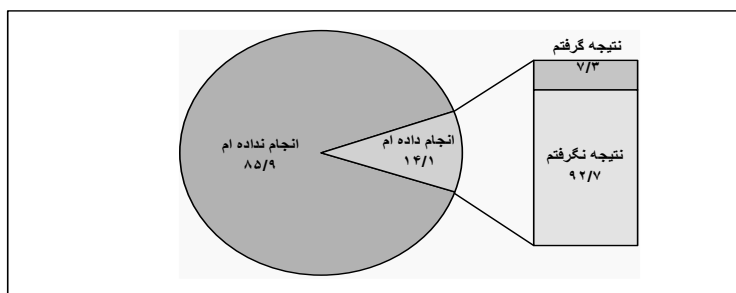
۹-۵- فال‌گیری

الف) باور: در مورد واقعی بودن یا واقعی نبودن ادعاهای فال‌گیرها (کسانی که به وسیله خصوصیات و مشخصات فرد، آینده او را پیش‌بینی می‌کنند) نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۵/۷ درصد از پاسخگویان معتقدند توانایی فال‌گیرها در زمینه پیش‌بینی آینده فرد، به‌طورقطع با واقعیت منطبق است و آنها این توانایی را دارا می‌باشند، ۳۸/۴ درصد بیان نموده‌اند شاید این توانایی‌ها در این افراد وجود داشته باشد و بقیه یعنی ۵۵/۹ درصد نیز اعتقاد دارند این توانایی در آنها وجود ندارد و ادعاهای آنها منطبق با واقعیت نیست.

ب) عمل: ۱۴/۱ درصد از پاسخگویان برای یکبار هم که شده به فال‌گیرها مراجعه کرده‌اند و ۸۵/۹ درصد از پاسخگویان اعلام نموده‌اند تاکنون به این افراد مراجعه نکرده‌اند.

ج) نتیجه: از بین افرادی که به فال‌گیرها مراجعه کرده‌اند ۷/۳ درصد معتقد به سودمند بودن این مراجعه بوده و ۹۲/۷ درصد اعتقاد داشتند این مراجعه برای آنها نتیجه‌ای نداشته است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب مراجعه به فال‌گیرها و نتیجه آن



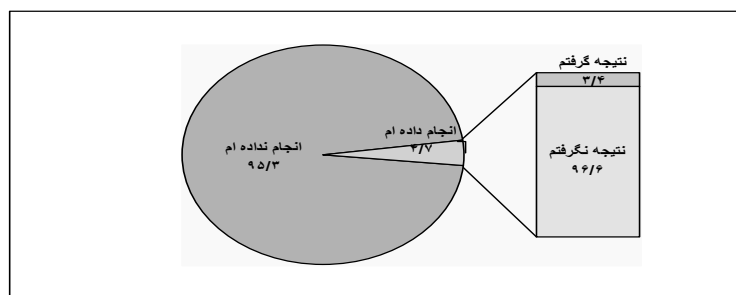
۱۰-۵- طالع‌بینی

الف) باور: ۴/۲ درصد از پاسخگویان در این تحقیق معتقد بودند ادعای طالع‌بین‌ها مبنی بر شناخت شخصیت افراد از روی ستارگان و سیارات، کاملاً منطبق بر واقعیت است؛ این در حالی است که ۴۳/۹ درصد معتقدند شاید این امر امکان‌پذیر باشد و ۵۲/۰ درصد معتقدند این امر اصلاً امکان‌پذیر نیست.

ب) عمل: در مورد اینکه آیا افراد مورد مطالعه به این افراد مراجعه نموده‌اند یا خیر، نتایج نشان می‌دهد ۴/۷ درصد از پاسخگویان به این افراد مراجعه نموده و ۹۵/۳ درصد تاکنون این کار را انجام نداده‌اند.

ج) نتیجه: از میان پاسخگویانی که به این افراد مراجعه کرده‌اند ۳/۴ درصد ابراز نموده‌اند این مراجعه ثمربخش بوده و ۹۶/۶ درصد اعتقاد به بی‌ثمر بودن مراجعه داشته‌اند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب مراجعه به طالع‌بین‌ها و نتیجه آن



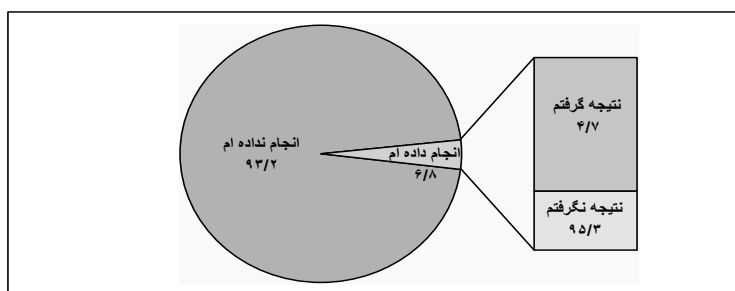
۱۱-۵- درمان بیماری‌های لاعلاج

الف) باور: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۱۴/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند توانایی این افراد به‌طور قطع واقعیت دارد و آنها می‌توانند بیماری‌های لاعلاج را درمان نمایند، ۴۳/۹ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند شاید آنها بتوانند بیمارهای لاعلاج را درمان کنند و ۴۲/۰ درصد نیز ابراز نموده‌اند این توانایی در آنها وجود ندارد.

ب) عمل: ۶/۸ درصد از پاسخگویان به این افراد مراجعه نموده‌اند و ۹۳/۲ درصد نیز تاکنون این کار را انجام نداده و به آنها مراجعه نکرده‌اند.

ج) نتیجه: از بین ۶/۸ درصدی که به افراد مدعی درمان بیماری‌های لاعلاج مراجعه کرده‌اند ۴/۷ درصد اظهار نموده‌اند از این مراجعه نتیجه گرفته‌اند و ۹۵/۳ درصد نیز مطرح کرده‌اند از این مراجعه هیچ نتیجه‌ای عاید آنها نشده است.

نمودار توزیع پاسخگویان برحسب مراجعه به مدعیان درمان
بیماری‌های لاعلاج و نتیجه آن



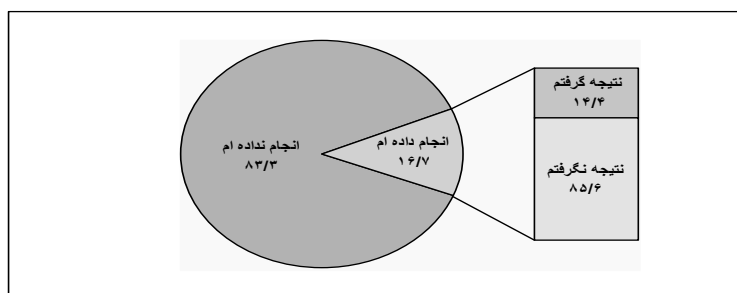
۱۲-۵- افسونگری

الف) باور: در مورد این سؤال نتایج نشان می‌دهد ۲۵/۱ درصد از افراد مورد مطالعه معتقدند ادعاهای این افراد واقعیت دارد و آنها توانایی جذب محبت و طرد دو نفر از همدیگر را دارا می‌باشند. ۵۰/۴ درصد از پاسخگویان در این مورد گزینه شاید واقعیت داشته باشد را انتخاب نموده‌اند و ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند این توانایی به‌طورمطلق در این افراد وجود ندارد.

ب) عمل: از افراد مورد مطالعه در مورد مراجعه و یا عدم مراجعه به این افراد سؤال شد و نتایج نشان داد ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان به این افراد مراجعه نموده و ۸۳/۳ درصد نزد این افراد نرفته‌اند.

ج) نتیجه: از بین کسانی که نزد این افسونگران رفته‌اند، ۸۵/۶ درصد اعتقاد داشته‌اند این مراجعه برای آنها نتیجه داشته است و تنها ۱۴/۴ درصد اعتقاد دارند پس از مراجعه به افسونگران هیچ نتیجه‌ای عاید آنها نشده است.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب مراجعه به افسونگران و نتیجه آن



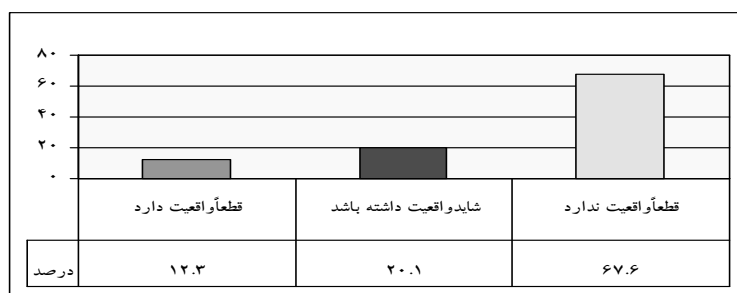
و در نهایت در سومین بخش این سؤالات، تعداد دیگری از عقاید که بیشتر جنبه ذهنی داشته است (ولی همین ذهنیت باعث انجام یا عدم انجام برخی اعمال و رفتارها می‌شود) از پاسخگو سؤال شد، که نظر آنها در زیر توضیح داده شده است.

۱۳-۵- عدد ۱۳ نحس است

در مورد نحس بودن یا نبودن عدد ۱۳، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۱۲/۳ درصد از پاسخگویان این ایده را قبول دارند، ۲۰/۱ درصد گزینه شاید را انتخاب نموده‌اند و ۶۷/۶ درصد این عقیده را قبول نداشته‌اند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب اعتقاد یا عدم اعتقاد به نحس بودن

عدد ۱۳

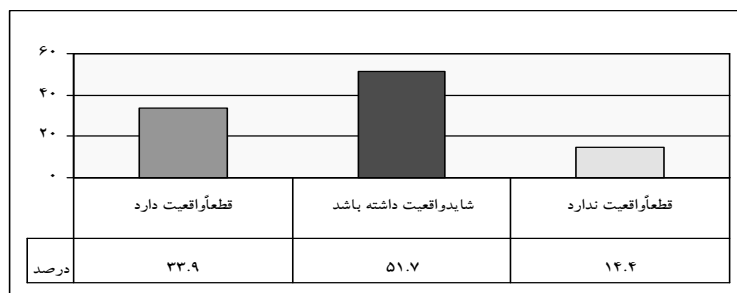


۱۴-۵- شانس نقش مهمی در زندگی دارد

۳۳/۹ درصد از پاسخگویان معتقدند شانس نقش مهمی در زندگی دارد، ۵۱/۷ درصد تا حدودی این عقیده را قبول داشته و ۱۴/۴ درصد این مسئله را قبول ندارند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب اعتقاد یا عدم اعتقاد به شانس و

نتیجه آن

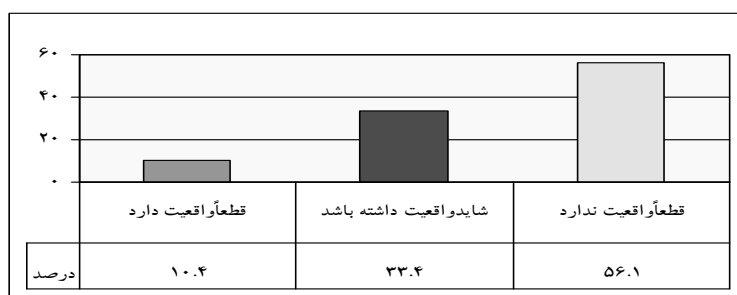


گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۴۱

۱۵-۵- بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها نحس است

۱۰/۴ درصد از پاسخگویان نحس بودن بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها را قبول داشته، ۳۳/۴ درصد تا حدودی این عقیده را قبول دارند و ۵۶/۱ درصد آن را قبول ندارند.

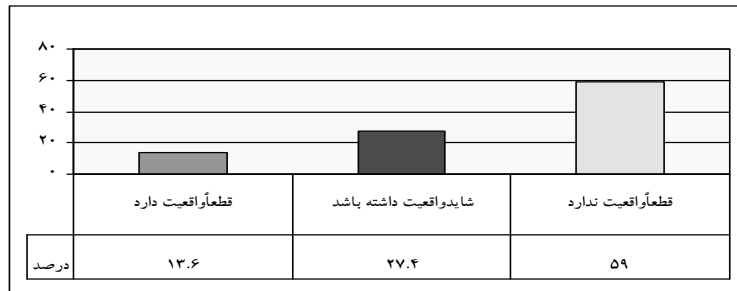
نمودار توزیع پاسخگویان برحسب اعتقاد به نحس بودن بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها



۱۶-۵- سفر رفتن در بعضی از روزها بدیمن است

نتایج نشان می‌دهد ۱۳/۶ درصد از افراد مورد مطالعه، این عقیده را قبول داشته، ۲۷/۴ درصد تا حدودی با این موافق بوده و ۵۹/۰ درصد آن را قبول نداشته‌اند.

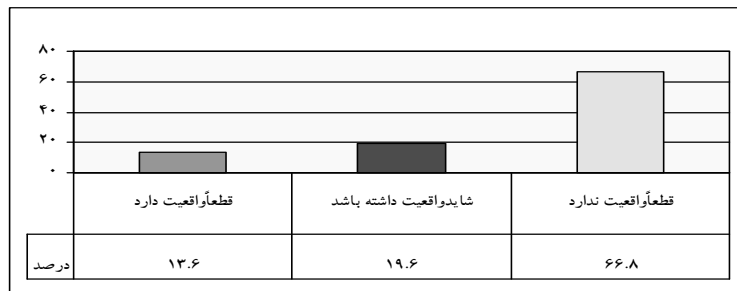
نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب اعتقاد به اینکه سفر رفتن در بعضی از روزها بدیمن است



۱۷-۵- پیشانی بلند نشانه بخت و اقبال بلند است

نتایج نشان می‌دهد ۱۳/۶ درصد از افراد مورد مطالعه، این عقیده را قبول داشته، ۱۹/۶ درصد تا حدودی با این نظر موافق بوده و ۶۶/۸ درصد نیز این عقیده را قبول نداشته‌اند.

نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب اعتقاد به: پیشانی بلند نشانه بخت و اقبال بلند است



۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بدون شک مبارزه با خرافات کار بسیار مشکلی است، زیرا برخی از خرافات چنان با فرهنگ جوامع آمیخته شده که گاهی به‌طور ناخودآگاه و ناخواسته بدان عمل می‌کنند. تجربه نشان داده است مسائل فرهنگی در برابر تغییرات، از خود مقاومت نشان می‌دهند. «ژیلبروایت» معتقد است: «سخت‌ترین کار در جهان عبارت از خانه‌تکانی ذهن جامعه از پیشداوری‌های خرافی است. آنها چون شیر مادر به کام ذهن ما رسوخ کرده و راه یافته‌اند، دیرپاترین آثار را از خود به جای می‌گذارند، همراه با ما رشد می‌کنند و آنچنان با تار و پود روان ما در هم می‌پیچند که برای رهایی از دست آنها به قوی‌ترین احساس نیاز داریم» (نقل از وارینگ؛ ۱۳۷۱: ۱۲).

بنابراین، اعتقادات خرافی خود به خود شکل نگرفته‌اند که انتظار داشته باشیم به خودی خود نیز از بین بروند اگرچه گذر روزگاران شرط لازم برای زدودن این مهر از دل مردم است، اما با استفاده از شیوه‌های علمی، می‌توان این زمان را کمتر کرد و بدین ترتیب شرایط کافی را نیز فراهم نمود.

قدر مسلم آن است که اعتقادات خرافی، جز به صورت مسکن‌های موقتی و گول‌زننده، کمک دیگری به مردم نخواهند کرد. برای متقاعد کردن هرچه بیشتر اقتصادی‌نگرها می‌توان گفت: «گسترش اعتقادات خرافی هرچه به اقشار بالادستی‌تر جامعه رسوخ کند خطرناک‌تر است؛ زیرا منصرف‌شدن یک مهندس، پزشک، خلبان، استاد دانشگاه یا یک کارخانه‌دار از رفتن به محل کار خود به‌دلیل عطسه یکی

از اطرافیان، از نظر اقتصادی بسیار پرهزینه‌تر از انجام این کار از سوی یک کارگر ساده یا یک کشاورز است. اما مهم‌تر از همه اینها، اثری است که اعتقادات خرافی بر بازداشتن افراد از جستجوی راهکارهای علمی و عقلانی برای حل مشکلات زندگی می‌گذارد. علاوه بر آن، آنان را وابسته به کسانی می‌کند که حتی قادر به ایجاد کمترین تغییری در زندگی خود نیستند و با سوءاستفاده از ناآگاهی مردم به چنین مشاغلی روی آورده‌اند. به تدریج که مراجعه‌کنندگان به ساحران، جادوگران، کف‌بین‌ها و ... افزایش پیدا کنند، آنها روز به روز وابسته‌تر می‌شوند و این وابستگی جزئی از حیات ذهنی‌شان می‌شود؛ به طوری که بدون مراجعه به این افراد، تسکین نمی‌یابند. در چنین حالتی، فرد به اعتیاد روانی مبتلا می‌شود و این معضل شاید حتی خطرناک‌تر از اعتیاد به مواد مخدر باشد.

اعتقادات خرافی نه تنها معتقدان به خرافات را از برخورد علمی و منطقی با امور زندگی باز می‌دارد، بلکه کار عالمان حوزه‌های روانی جامعه را با کسادی مواجه می‌سازد؛ به طوری که میزان مراجعه به این دو گروه، رابطه معکوس پیدا خواهد نمود. این وارونگی، علم را کم رونق می‌کند و بازار غیرعالمان را نیز پررونق می‌سازد. افزون بر این نه تنها در واقع مشکلی از جامعه رفع نمی‌شود، بلکه روز به روز بر مشکلات جامعه نیز افزوده می‌شود.

«هاریس^۱»، یکی از مورخان سرشناس علوم اعلام داشت: «در مقایسه با تاریخ علم که آموزنده و شوق‌انگیز است، تاریخ خرافات تنها حاکی از کُندی ذهن آدمی است. خرافات، دیوی است که باید نابود شود تا

1. Harris

پیشرفت و مهم‌تر از آن بقاء نسل امکان‌پذیر گردد. سلاحی که اغلب برای مبارزه با این دیو و غلبه نهایی بر آن پیشنهاد شده، آموزش و پرورش است» (جاهودا، ۱۳۷۱: ۲۴۲). «رضازاده» استاد دانشگاه تهران نیز در کتاب *مبارزه با خرافات* معتقد است: «عقاید خرافی بسته به زمان و سویه فکر مردمان فرق می‌کند، البته ولی در زمان ما، در کشوری مانند ایران که مردم آن از قدیم، مردم هوشمند و با فرهنگ بوده‌اند، پیروی از خرافات، تأسف‌آور است و باید تا آنجا که ممکن است این‌گونه عقاید ریشه‌کن شود. عقاید خرافی ملتی را بدبخت، آنها را از کاروان بشر وامانده، بدتر از همه قوای فکری آنها را عقیم می‌کند و خلاصه آنکه مانع هرگونه ترقی فکری، معنوی و مادی می‌شود. پس باید چاره‌جویی شود و راه‌هایی برای خلاصی بخشیدن مردم از خطر انقراض اندیشید. مؤثرترین طبقات مردم در این امر، طبقه معلمان‌اند که پیشوایان حقیقی و رهبران واقعی هستند. آنها مکلفند در این امر مهم کمر همت به میان بندند و به روشن کردن فکر مردم بپردازند، در آفاق تاریک جهل، نور دانش پخش نمایند و اذهان را روشنایی بخشند» (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۱۹۸). «طبای» روان‌شناس و استاد دانشگاه نیز معتقد است: «ارتقاء سطح علمی باعث کم شدن گرایش به تفکر خرافی در مردم شده و پیدا شدن ریشه علمی برخی خرافات، باعث کم‌رنگ‌تر شدن برخی خرافات و کم‌کم ناپدید شدن آن خرافات می‌شود» (امیرآبادی، ۱۳۸۲: ۲).

از این‌رو افزایش میزان تحصیلات یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین راه‌های مبارزه با خرافات است. البته ناگفته پیداست برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی باید تدابیر خاصی برای مبارزه با خرافات و کاهش آنها در جامعه بیندیشند. آموزش و پرورش می‌تواند نقش مهمی در استقرار

شرایط مطلوب برای بسترسازی جهت توسعه از طریق جامعه‌پذیرکردن افراد، طی یک فرایند آرام ولی عمیق، اصلاح نگرش‌ها، بینش‌ها و گسترش نگرش‌های مثبت داشته باشد.

خوشبختانه میزان گرایش به خرافات در جامعه آماری این تحقیق کمتر از متوسط مورد نظر بوده است. به عبارتی، اگرچه کم و بیش درصدی از نمونه مورد مطالعه به هرکدام از خرافات معرفی شده گرایش داشتند و در باورها و رفتارهای آنان جای خاصی داشته است، اما در مجموع، اگر میزان گرایش به خرافات را در یک پیوستار نشان دهیم، میزان گرایش به خرافات نمونه مورد مطالعه روی این پیوستار، کمتر از متوسط است. اگرچه این وضعیت ظاهراً مطلوب است، ولی متأسفانه از آنجایی که تحقیق مشابهی در این زمینه انجام نشده است، نمی‌توان به‌طور دقیق این وضعیت را مطلوب یا نامطلوب ارزیابی کرد. امید است در سال‌های آینده تحقیقات مشابهی انجام شود و روند گرایش به خرافات به صورت مطلوب‌تری مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر، این است که آمار نشان می‌دهد اگرچه درصد کمی از مردم به خرافات گرایش دارند و به آنها عمل می‌کنند، ولی همین عده کم مدعی‌اند از انجام این‌گونه اعمال نتیجه گرفته‌اند. شاید بهترین توجیه برای این وضعیت، بحث تلقین در روان‌شناسی اجتماعی است. به عبارت دیگر، این افراد نتیجه نگرفته‌اند، بلکه به‌دلیل نگرشی که از قبل نسبت به این قضایا دارند، فکر می‌کنند این کارها برای‌شان نتیجه می‌دهد. یکی دیگر از بهترین شیوه‌ها برای مبارزه با خرافات این است که به مردم بگوییم مسائل مختلف را خود مورد آزمایش قرار دهند. به‌عنوان مثال، بعد از عطسه کردن، از انجام کار

خود منصرف نشوند و نتیجه را بسنجند. البته چنین اموری را حتماً بیش از یک بار مورد امتحان قرار دهند؛ زیرا بر حسب قانون احتمالات، ممکن است در بار اول، نتیجه همان چیزی شود که معتقدان به خرافات می‌گویند. می‌توان حدس زد این پیشنهاد چندان مورد استقبال مردم قرار نگیرد، زیرا عده‌ای به صبر کردن در هنگام عطسه اعتقاد دارند و تصور وقوع پیامدهای احتمالی ناگوار آن، حتی برای یک بار نیز برایشان بسیار دشوار است، بنابراین ریسک نخواهند کرد. اما اگر فرد مشاهده کند با صبر نکردن دیگر افراد جامعه در هنگام عطسه، مشکلی برای آنها پیش نمی‌آید و این امر را پشت سر هم مشاهده نماید، آسان‌تر و راحت‌تر از اعتقاد خود دست برخواهد داشت. دستیابی به چنین هدفی بیش از همه از طریق تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی و سپس مطبوعات و کتاب است. آموزش چنین اموری اگرچه ساده نیست؛ چندان هم مشکل نیست. به راستی چه میزان از کتاب‌ها و به‌ویژه فیلم‌های ایرانی، تلاشی هر چند ناچیز برای از میان بردن رسوبات خرافی از لایه‌های تودرتوی ذهن افراد جامعه به کار برده‌اند؟

نقش دولت در برخورد با خرافات از دو جنبه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد: نخست اگر دولت بخواهد، بسیاری از خرافات از بین خواهد رفت. به‌عنوان مثال، اگر دولت با فال‌گیرها، رمال‌ها، طالع‌بین‌ها و ... برخورد و کتاب‌های مربوط به طالع‌بینی، فال‌گیری و ... را جمع‌آوری کند، کم‌کم این مقولات از جامعه رخت برمی‌بندند. دوم اینکه اگر دولت برخورد کند، ممکن است نتیجه منفی بدهد و این کارها با شدت بیشتر، به صورت مخفیانه و با شکل‌های بدتر و جدیدتر ادامه حیات دهند. ولی واقعیت این است حد واسط این دو دیدگاه افراطی، مقبول‌تر و معقول‌تر

است؛ یعنی دولت با تدابیر سنجیده و مبارزه منطقی با خرافات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آنها ایفا کند.

۱-۶- راه‌های مبارزه با خرافات

۱- شناساندن و آگاهی‌بخشی به عامه مردم در خصوص مفاهیمی نظیر سرنوشت و تقدیر در حوزه معارف دینی و فلسفی برای جلوگیری از تداخل این مفاهیم با برداشت‌های غلط و عامیانه، از طریق آموزش همگانی در وسایل ارتباط جمعی نوشتاری، دیداری و شنیداری؛

۲- نقش رسانه‌های جمعی و مطبوعات به‌ویژه تلویزیون، به‌عنوان رسانه‌ای که بیشترین مخاطب را دارد، در مبارزه با خرافات بسیار حائز اهمیت است. ساختن فیلم‌ها و طنزهایی در این زمینه می‌تواند بسیار کارگشا باشد. برنامه‌ریزان، نویسندگان و دیگر دست‌اندرکاران وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه صداوسیما و مطبوعات می‌توانند با ارائه برنامه‌ها، مقالات، میزگردها و... بسیاری از خرافات را به چالش کشیده و مردم را نسبت به آثار منفی این‌گونه افکار آشنا سازند؛

۳- چاپ و تکثیر کتاب‌ها و بروشورهای رایگان و ارزان‌قیمت از طرف وزارت ارشاد یکی دیگر از راه‌حل‌ها در زمینه مبارزه با خرافات است. این ارگان می‌تواند با انتشار مطالبی در مورد انواع خرافات موجود در جامعه و بیان آثار و نتایج مخرب آن در زندگی روزمره انسان‌ها، همه اقشار جامعه به خصوص قشر پایین را با استفاده از این بروشورها آگاه سازد؛

۴- تقویت و توسعه تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی و علمی جهت تمرین آموزه‌های خردورزی جمعی؛

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۴۹

۵- انجام تحقیقات علمی و میدانی جهت شناخت فرهنگ بومی، تمرکز استراتژی‌های توسعه بر بهینه‌سازی فرهنگی و توجه بیشتر به نقش فرهنگ جهت توسعه.

در یک جمع‌بندی باید گفت: اصلاح تحریفات و خرافات نیاز به کار فرهنگی تدریجی و مستمر دارد که صدا و سیما، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش و در یک کلمه، متولیان فرهنگی کشور با اصلاح رویه‌های نادرست می‌توانند در این زمینه اقدامات مؤثری انجام دهند.

۲-۶- پیشنهادات پژوهشی

با توجه به تجربیات به دست آمده از این تحقیق، برای محققان دیگری که در آینده قصد دارند در این زمینه پژوهش‌هایی انجام دهند پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱- انجام مطالعات طولی برای بررسی و مقایسه میزان گرایش به خرافات؛
- ۲- مطالعه موردی برخی از خرافات مثل فال‌گیری، طالع‌بینی و ...؛
- ۳- اجرای طرح‌های پژوهشی مرتبط با خرافات با نگاه آسیب‌شناختی و تأکید بر جنبه‌های کاربردی.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. امیرآبادی، رسول، فرهنگ خرافات، ریشه در بی‌ریشگی، نشریه آفتاب یزد، ۱۳۸۲.
۲. بای‌سلامی، ابراهیم، جامعه و فرهنگ، مجموعه مقالات فرهنگ و توسعه، جلد سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۳. پاکدامن، محمدحسن، جامعه در قبال خرافات، گناوه: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۸.
۴. جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۱.
۵. خاشعی، رضا، پدیدارشناسی خرافات در ایران. روزنامه همشهری، ۱۳۷۹.
۶. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، راه‌های مقابله با خرافات و موهومات، خرم‌آباد: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، ۱۳۷۵.
۷. سپهر، مسعود، بررسی مصادیق بارز عوامل، علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات: جمود و تاجر فکری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۸. کرلینجر، فرد. ان، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، جلد اول، ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات پارسا، ۱۳۷۶.
۹. مرکز آمار ایران، نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهر اهواز در سال ۱۳۶۵، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶.
۱۰. مرکز آمار ایران، نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهر اهواز در سال ۱۳۷۵، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.
۱۱. وارینگ، فیلیپ، فرهنگ خرافات، عجیب‌ترین خرافات مردم جهان، ترجمه احمد حجاران، تهران: انتشارات حجاران، ۱۳۷۱.
۱۲. هدایت، صادق، نیرنگستان، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۱۲.

(ب) منابع لاتین

1. Bukhari SS; Pardhan A; Khan A. S; Ahmed A; Choudry F. J; Pardhan K; Nayeem K; and Khan M. Superstitions regarding health problems in different ethnic groups in Karachi, Journal Pakistan Medical Association, NO, 52 (8), 2002.
2. Griffiths, M, D. and Bingham, C. A study of superstitious beliefs among bingo players. Journal of Gambling Issues, NO, 13 (1), 2005.
3. Irwin, H. J. A study of the measurement and the correlates of paranormal belief. The Journal of the American Society for Psychical Research, NO, 79, 1985.
4. Peltzer (A), K. Magical thinking and paranormal beliefs among secondary and university students in South Africa. Personality and Individual Differences, NO, 35, 2002.
5. Peltzer (B), K. Paranormal beliefs and personality among black South African Students. Social Behavior and Personality, NO, 30 (1), 2002.
6. Peltzer, K. & Renner, W. Superstition, risk-taking and risk perception of accidents among South African taxi drivers. Accident Analysis and Prevention, NO, 35 (1), 2001.
7. Thalbourne, M. A, and Hensley, J. H. Religiosity and belief in the paranormal. Journal of the Society for Psychical Research, NO, 2001 .
8. Zebb, B. J. & Moore, M. C. Superstitiousness and perceived anxiety control as predictors of psychological distress. Journal of Anxiety Disorders, NO, 17 (1), 2003 .

تقدیرگرایی عامیانه؛ ریشه‌ها و پیامدها

جواد شجاعی*

چکیده

تقدیرگرایی از جمله موانع ذهنی توسعه محسوب می‌شود. باور به تقدیرگرایی بار مسئولیت را از دوش آدمی برمی‌دارد، روحیه‌ای انفعالی به فرد تحمیل می‌کند و توانایی انسان را برای ایفاء نقشی برجسته و مؤثر در حیات اجتماعی از او سلب می‌کند. با زدودن این باور از فرهنگ جامعه، از انزوای اجتماعی کاسته شده و روحیه همکاری و تعاون تقویت می‌شود. بنابراین شناخت این پدیده و افزایش آگاهی و دانش نسبت به آن جهت نیل به جامعه‌ای نو از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این بینش، نگارنده پدیده تقدیرگرایی را بر پایه نظریه پارسونز مطالعه کرده و به این نتیجه‌گیری دست یافته که بازتولید استبداد، انتظار انفعالی، بیکارگی و آرامش روانی از آثار و پیامدهای تقدیرگرایی در چهار سیستم فرعی جامعه است.

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

۱۵۴ ► جامعه‌شناسی خرافات در ایران

کلید واژه‌ها

تقدیرگرایی، قضا و قدر، سرنوشت، فرهنگ، توسعه، تلاش و کوشش.

مقدمه

«تقدیرگرایی»^۱ از مسائل دیرینه‌ای است که در تمام تمدن‌ها به صورت یک مسئله بارز مطرح بوده انسان‌ها به سوی آن کشیده شده‌اند. این مسئله که آیا انسان در انجام کارها مختار است و زور و فشاری پشت سر آن نیست و یا اینکه مجبور است و در حقیقت عوامل مرئی و نامرئی او را به سوی هدف خاصی سوق می‌دهند، از قدیم‌الایام مورد توجه اغلب افراد بشر بوده و هریک از آنان در حدود استعداد خود به تحلیل آن پرداخته‌اند. به هر حال، هر انسانی که بهره‌ای از تفکر دارد، مایل است بدانند نقشه زندگی انسان‌ها به دست خود آنها ترسیم می‌شود و یا طراح و برنامه‌ریز، کس دیگری است. تفسیر رایج و عوامانه این است که دست تقدیر به عنوان یک عامل نامرئی و مرموز، گریبان هر انسانی را گرفته و از بدو تولد تا لحظه مرگ او را به همان جهتی که می‌خواهد هدایت می‌کند و انسان خواه ناخواه، همان مسیر را طی کرده و هیچ‌گونه حق انتخاب ندارد. ضرب المثل‌هایی از قبیل «هرچه باداباد»، «هرچه پیش آید خوش آید»، «این نیز بگذرد» و نظایر آن، به طور تصادفی در زندگی روزمره ما جا باز نکرده‌اند. این در حالی است که تکرار این عادات فکری، انسان را از تلاش و کوشش بازمی‌دارد و در چنین شرایطی، فرد به موجودی کاملاً شکست‌خورده مبدل می‌شود. بنابراین باید ببینیم چرا داشتن همت و پشتکار که در ضرب المثل «از تو حرکت از خدا برکت» تجسم می‌یابد،

1. Fatalism

در فرهنگ ما کم‌رنگ‌تر شده و فرد را از عرصه زندگی واقعی دور می‌سازد.

به طور کلی، تقدیرگرایی «پدیده‌ای اجتماعی» است که ریشه در تجربه‌های تاریخی و مسائل سیاسی دارد، لذا درمان آن نیاز به واکاوی ریشه‌ها و پیامدها دارد. لازم به توضیح است این مقاله قصد پاسخ به این پرسش بنیادی را ندارد که آیا انسان آزاد است یا مجبور، بلکه بیشتر به زمینه‌های پیدایش و پیامدهای تقدیرگرایی خواهد پرداخت.

استفاده نامناسب از واژگان و عبارات، در پاره‌ای از موارد موجب می‌شود تا این‌گونه مفاهیم نه تنها به صورتی غلط رواج یابند، بلکه موجب دور شدن از مفهوم اصلی نیز نشوند. از آن جمله، استفاده نامناسب از اصطلاحات تقدیرگرایی و «قضاوقدر»^۱ است. برای جلوگیری از اختلاط با بحث قضا و قدر در فلسفه و کلام اسلامی، تقدیرگرایی را چنین تعریف می‌کنیم: «پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنها، منبعث از این اندیشه که وقایع خارج از حیطه تسلط انسانی قرار دارد» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). به بیان روشن‌تر، اصالت را به تقدیر دادن، درجایی که اراده انسان قادر به تصمیم و عمل باشد. در تقدیرگرایی فرد بر این باور است که آینده و محیط اجتماعی در کنترل او نیست و تقدیر، وضعیت و آینده هر کس را رقم می‌زند. در هر صورت قضا و قدر را باید از تقدیرگرایی متمایز دانست. قضا و قدر متکی بر تفکر دینی است و قائل به قدرت و علم مطلق و ازلی و ابدی خداوند که هرچه در جهان روی می‌دهد، مطابق مشیت اوست.

1. Predestination

قضا و قدر در تعریف عبارت است از: «سرچشمه گرفتن همه علل و اسباب از اراده و مشیت الهی که علت العلل است». باید توجه داشت اعتقاد به قضا و قدر مستلزم جبر نیست. اعتقاد به قضا و قدر آنگاه مستلزم جبر است که اراده بشر را در کار دخیل ندانیم و قضا و قدر را جانشین نیروی اراده بدانیم (مطهری، ۱۳۸۳: ۶۵-۵۲).

بشر همیشه در برابر این مسئله قرار گرفته که آیا خود حاکم بر سرنوشت خویش است، می‌تواند آینده خود را به نیروی سعی و عمل خویش بسازد و یا اینکه نیروهای خاص بر سرنوشت او حکومت می‌کند، او متعهد و محکوم این نیروهاست و جز تسلیم چاره‌ای ندارد.

هنگامی که با نگاهی دقیق به مسئله بنگریم، مشاهده می‌کنیم تقدیرگرایی پیش از آنکه در شکل فردگرایانه قابل تبیین باشد، باید به صورت اجتماعی دیده شود و به‌عنوان یک «واقعیت اجتماعی»^۱ مورد بررسی قرار گیرد. در شرایط کنونی که جوامع با سرعت روزافزونی در حال تغییر و تحول هستند، توسعه دغدغه اصلی بیشتر جوامع محسوب می‌شود و عوامل فرهنگی و اجتماعی متعددی در این زمینه نقش دارند. گروهی از جامعه‌شناسان با تأکید بر اهمیت عوامل فرهنگی، معتقدند: در جامعه ایران مناسبات فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای حاکم است که مانع از پیدایش اندیشه‌های نوین، عقلی، ابداعی و خلاقیت‌های انسانی می‌شود. براساس نظر این دسته از جامعه‌شناسان، شرط توسعه جامعه، وجود ارزش‌های نوین و خلاق انسانی و نوآوری‌های فردی و اجتماعی است. آنها تقدیرگرایی را از جمله مؤلفه‌هایی می‌دانند که مانع پذیرش فرهنگ نو می‌شود.

1. Social fact

توسعه نیازمند انسان نو، خلاق، مبتکر و تأثیرگذار بر جامعه و محیط خود است. انسان نو مسئول است و می‌تواند بر سرنوشت خویش حاکم باشد و آن را تغییر دهد. چنین انسانی به دنبال تغییر شرایط جامعه و کنترل بر محیط خویش است. برعکس، در جامعه سنتی انسان تابع نیروهای (مادی و غیر مادی) است که قدرت تأثیرگذاری را از او سلب کرده‌اند. انسان تقدیرگرا محصول طبیعی چنین وضعیتی است؛ وضعیتی که در آن فرد احساس می‌کند بر محیط خود کنترل ندارد و کاری برای تغییر دادن موقعیتش نمی‌تواند انجام دهد. از این‌رو نگارنده در این مقاله سعی در شناخت این پدیده اجتماعی و پیامدهای آن دارد.

پیش از هر چیز ضروری است نگاهی گذرا به شرایط جغرافیایی و تاریخی ایران بیفکنیم تا تحلیل‌های خود را بر شواهد تجربی استوار سازیم.

۱- وضعیت جغرافیای ایران

موقعیت جغرافیایی ایران در نیمکره شمالی و فاصله آن از استوا- عبور نوار بیابانی کره زمین از قلب این کشور- بیابان‌های متعددی به وجود آورده و عوامل نامساعد طبیعی را بر قسمت وسیعی از این سرزمین گسترده است. با متوسط ریزش باران بین ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر در سال که کمتر از یک سوم میانگین دنیا می‌باشد، ایران را می‌توان به معنای دقیق کلمه جزء مناطق خشک جهان به حساب آورد. رشته کوه‌های پر دامنه و مرتفع در شمال و غرب کشور همچون دو دیوار بلند، مانع از ورود ابرهای باران‌زا به مناطق مرکزی فلات ایران می‌شوند. فقدان رودخانه‌هایی که در تمام فصول سال جاری باشند، عامل بعدی کم آبی

ایران است. به استثناء زاینده‌رود در اصفهان، دز، کرخه و کارون در خوزستان، فلات ایران از نعمت برخورداری از آب‌های سطحی نیز محروم است. در جنوب کشور و در حاشیه خلیج فارس نیز علی‌رغم مجاورت با دریای آزاد به دلیل گرمای زیاد، کمبود باران و شوری خاک، وضعیت با سایر مناطق تفاوت چندانی ندارد. با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، کشور ما نیز به‌طور طبیعی دچار کمبود آب است. از دل این شرایط اقلیمی سه عامل برخاسته‌اند:

۱-۱- پراکندگی اجتماعات در ایران

به دلیل محدودیت آب، ایرانیان در هر کجا که امکان زندگی بوده ساکن شده‌اند. بنابراین مناطق اسکان یافته در ایران نیز محدود، پراکنده و اغلب به دور از یکدیگر به وجود آمده‌اند. به غیر از حاشیه‌ای در شمال ایران در بقیه مناطق، فاصله بین شهرهای ایران اکثراً بسیار زیاد است. فواصل نسبتاً زیاد بین مناطق مسکونی به نوبه خود باعث می‌شود تماس بین مناطق مختلف بسیار کم باشد. در نتیجه بسیاری از مناطق مسکونی به حالت خودکفا، محصور و بدون ارتباطات گسترده با محیط بیرون از خود بقاء و دوام یافته‌اند.

۱-۲- زندگی عشایری و نظام ایلی

کمبود آب، مرتع و اختلاف نسبتاً عمیق در دمای بین مناطق مختلف باعث شده است تا شماری از ساکنان فلات داخلی ایران به جای اسکان دائم، همواره برای تأمین منابع غذایی خود و احشام‌شان از یک منطقه به منطقه دیگر حرکت کنند. واضح است در صورت مواجهه با مشکلات

طبیعی، نخستین جایی که گروه‌های صحرائشین برای تهیه غذا و آذوقه بدان روی آورده و یا در حقیقت به آنجا حمله‌ور شوند، مناطق مسکونی (شهرها و روستاها) است. در طول تاریخ ایران، از یک سو جنگ‌ها و منازعات بی‌پایان در میان قبایل و طوایف مختلف و از سوی دیگر، بین آنان و اجتماعات اسکان‌یافته باعث شدند ایران در طول تاریخ خود در مقاطع مختلف، با بی‌ثباتی زیادی روبرو باشد (زیبا کلام، ۱۳۷۵: ۱۱۰-۱۰۸).

البته وجود جنگ‌ها و حملات پی‌در پی قبایل و مناقشه‌های فراوان نظامی میان حکام محلی و یا علیه قدرت مرکزی فقط در ایران اتفاق نمی‌افتاد، تاریخ غرب نیز از درگیری‌های خونین متعددی میان قوای مختلف سیاسی، نظامی و دینی شاهان، فئودال‌ها، کلیساها و شهرنشین‌ها خبر می‌دهد. اما در غرب جنگ‌ها نمی‌توانست آثار بسیار عمیق تخریبی در ابزار تولید کشاورزی بر جای گذارد؛ زیرا عامل اساسی تولید، یعنی آب به وفور یافت می‌شد. در آنجا شبکه‌های آبرسانی مصنوعی پیچیده‌ای وجود نداشت که در حملات نظامی صدمه ببیند یا به کلی ویران شوند و یا ویرانی آنها جامعه را از هستی ساقط کند (علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱۵-۳۱۴).

برخی چون «گراهام فولر»^۱ معتقدند: «ایرانیان در تاریخ سرزمین خود به کرات شاهد هجوم‌های ویرانگر اقوام دور و نزدیک بوده‌اند. هجوم‌هایی که در خلال آنها حاصل سال‌ها تلاش و زحمت در ایجاد مظاهر مادی

1. Graham Fuller

تمدن مثل نظام‌های آبیاری و کشاورزی، شهر و روستا، کارگاه و ... ویران شد و به تاراج رفت» (به نقل از توحید فام، ۱۳۸۱: ۳۸).

«ویل دورانت»^۱ درباره تأثیر هجوم مغول به ایران، خاطر نشان می‌سازد هیچ‌یک از تمدن‌های بشری در مسیر خود به اندازه تمدن ایران در سده سیزدهم مسیحی آسیب ندیده است. برای نمونه، بربرها در طی دو قرن بر روم تاختند و این امر در فاصله‌های معین و در طول ۲۰۰ سال صورت گرفت، در نتیجه رم فرصت داشت به تدریج ویرانی ناشی از حمله را ترمیم کند و آرام خود را تسکین بخشد. اما هجوم خونبار مغول‌ها، ۴۰ سال تمام و به‌طور مستمر طول کشید و هدفی جز قتل و غارت آدم‌ها و انهدام تمدن نداشتند و آنها به هیچ‌کس و هیچ‌چیز احترام نمی‌گذاشتند. از این رو بعد از این فاجعه، آنچه برجا ماند، شهرهای ویران، اقتصادی به شدت متلاشی، قنات‌های بایر یا کور، مدارس و کتابخانه‌های سوخته و منهدم، دولت‌هایی دستخوش فقر و از هم پاشیده و مردمی بود که شمار آنها به نصف رسیده بود و کسانی که زنده مانده بودند، به هیچ روی از تعادل روانی یا یک شخصیت متوازن برخوردار نبودند، روحیه خود را باختند و به صورت موجوداتی مأیوس، ابن‌الوقت و خرافه‌پرست درآمدند بودند (به نقل از یوسفیان؛ ۱۳۷۵).

ترس و وحشتی که کشتار، ویرانی و خشونت‌های بیگانگان در دل مردم ایجاد می‌کرد، تأثیر شدیدی بر ذهن مردم می‌گذارد. عدم اطمینان به فردا، ملکه ذهن آنها می‌شد که از این هجوم‌ها جان سالم به در برده بودند؛ زیرا به راستی هیچ‌کس از فردای خود مطمئن نبود. این امر موجب

1. Whil dorant

شد تا مردم دل از دنیا برکنند و به گوشه‌گیری و انزوا روی آورند. در واقع هجوم اقوام بیگانه زمینه استحکام این تفکر را قوت بخشید. در هر حال به نظر می‌رسد تصوف پیامد اجتناب‌ناپذیر شرایط یأس‌آلود و ناراحت‌کننده‌ای بود که به عرصه تفکر گام نهاده و به عبارتی نوعی مبارزه منفی در برابر ناملایمات زندگی بوده است. یکی از پیامدهای مهم این پدیده، انصراف از کار و تلاش و منتظر قسمت و تقدیر بودن است. زندگی برای ایرانیان هیچ گاه منظم، مطمئن، ملایم و مستمر نبوده در نتیجه امید به آینده که لازمه تلاش و کوشش است، در ساختار فکری ایرانیان جایی نداشته است. ایرانیان در طول تاریخ خود همواره با این مسئله مواجه بوده‌اند که با فرو افتادن یک رژیم استبدادی و در پی دوره هرج و مرج، رژیم استبدادی دیگری به قدرت می‌رسیده است. این تجربه طولانی تاریخی در ادراک تقدیری و مطلق‌نگر تأثیر بسزایی داشته است (قاضی مرادی، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

۳-۱- تمرکز قدرت در دست حکومت

تمرکز قدرت در دست حکومت، یکی از اساسی‌ترین خصوصیات سیاسی و اجتماعی ایران در طول تاریخ بوده است. ساخت سیاسی حکومت در تاریخ ایران گرچه استبدادی بود، اما در دو شکل متفاوت تجلی داشت؛ حکومت‌های متمرکز (ساتراپی) و حکومت‌های غیر متمرکز (ملوک الطوایفی). هنگامی که سلسله‌های قدرتمندی بر این مرز و بوم حکومت می‌کردند، به دفع دشمنان خارجی پرداخته و سلطه خود را به‌طور متمرکز از مقرر حکومت اعمال می‌کردند. در این سیستم، فرماندهان، امرا و حکام مستقل نبودند، بلکه کارمندان حکومت بودند و

قدرت آنها ناشی از اقتدار شاه بود. این سیستم در نهایت به تشدید خودکامگی و در نتیجه انزوای سیاسی شهروندان می‌انجامید. متقابلاً هنگامی که به دلایل مختلفی حکومت‌های متمرکز مضمحل می‌شد و عصر ملوک الطوایفی حاکم می‌گردید، به واسطه تفرق سیاسی ناشی از ستیز میان حاکم و اشراف، و منازعه مستمر میان قدرت مرکزی با قدرت‌های گریز از مرکز محلی، جامعه دچار هرج و مرج اجتماعی می‌شد و عصری از شورش‌های بدون هدف آغاز می‌گردید که نتیجه آن، سرخوردگی و یأس جامعه بود که به یاد عهد گذشته افسوس می‌خورد و به دنبال منجی یا منجیانی می‌گشت که امنیت از دست رفته را برقرار سازد (مفتخری، ۱۳۷۹: ۲۱۳). انقلاب اسلامی و قبل از آن انقلاب مشروطیت، دو مقطع تاریخی هستند که تمرکز قدرت در ایران به توزیع قدرت انجامید و رابطه دوسویه میان مردم و حکومت برقرار شد.

۲- کارکردهای نظام شاهی

اغلب نهادها تا زمانی پایدار می‌مانند که برای ادامه حیات و بقا جامعه کارکردی داشته باشند. حال با توجه به ویژگی‌های محیطی که از ایران ذکر شد، این سؤال پیش می‌آید که تمرکز قدرت در ایران چه کارکردهایی را بر عهده داشته و چه نقش‌هایی را ایفا می‌کرده که توانسته چند هزارسال دوام بیاورد. وظایف و کارکردهای مهم و سازنده دولت شاهی عبارتند از:

- حفر کانال‌های آبیاری، و بستن سد و بند بر روی رودخانه‌ها و لایروبی آنها؛
- تقسیم و توزیع آب میان حوزه‌های گوناگون؛

- جلوگیری از یورش کوچندگان شبان و جنگجوی همسایه به مناطق کشاورزی و شهری؛
- احداث، تعمیر و نگهداری راه‌ها و تأسیس مهمانخانه‌ها و کاروان‌سراها در مسیر جاده‌های ارتباطی؛
- پشتیبانی از هنرمندان، دانشمندان ایرانی و تأمین زندگی و ابزار کار آنان؛
- ذخیره‌سازی مواد غذایی برای مقابله با خشکسالی‌های احتمالی و عرضه آن به مردم؛
- جلوگیری از تنش و رویارویی میان اقوام ایرانی و جلوگیری از تجاوز یک قوم به اقوام دیگر.

کارکردهای فوق‌مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارکردهای نهاد پادشاهی در سراسر تاریخ ایران بوده‌اند. این امور چندان پرهزینه و کاربر بوده‌اند که هیچ‌یک از این کارکردها به گونه‌ای منطقه‌ای و محلی به درستی انجام‌پذیر نبوده و تنها یک نهاد مقتدر و متمرکز سیاسی می‌توانست از عهده این کارکردها برآید (ثلاثی، ۱۳۸۰: ۴۰۸-۳۹۵).

۳- اصلاحات از بالا

ضرورت کارکردهای بالا که سبب تعادل نسبی جامعه می‌شد، دولت را به‌عنوان متولی اصلی ساماندهی امور معرفی کرد. در چنین شرایطی، مردم نقش خود را در اداره سرزمین و در نتیجه زندگی خویش به تدریج از کف دادند و حکومت همچون منجی‌ای بر تمامی عرصه‌های زندگی

مسلط شد. بر این اساس، باور به «لا یصلح الشرق الا مستبد عادل»^۱ در تاریخ اندیشه ایرانیان قرار گرفت. از این‌رو، همان‌طور که مردم همه‌آبادانی‌ها، سازندگی‌ها و رفاه و امنیت را وظیفه حکومت می‌دانستند، در صورت وقوع هرگونه ناآرامی نیز عامل همه نابسامانی‌ها را به خود او نسبت می‌دادند. بر پایه این ذهنیت تاریخی، اعتقاد به اصلاح جامعه باید از بالا آغاز شود و هر گونه تلاش، کوشش و مبارزه برای اصلاح آن از طرف مردم بی‌نتیجه است، به عنوان اندیشه‌ای انفعالی و ذهنیتی منجی‌گرا به بدنه جامعه تزریق شد.

۴- حکومت؛ نهادی مقدس

حکومت‌ها از دیرباز تلاش کرده‌اند تا حاکمیت خود بر مردم را مشروع جلوه داده و برای آن محملی مابعد الطبیعی به وجود آورند. به نظر می‌رسد پشتوانه قداست و الهی بودن حکومت در ایران باستان را آیین زردشت فراهم آورد. لذا می‌توان فلسفه سیاسی دین زردشت را در اعتقاد به قداست، مشروعیت و حقانیت پادشاهان خلاصه نمود (زیباکلام، پیشین: ۱۰۷). همین ویژگی در تحول و تکامل خود سبب شد دین ابزار توجیه سیاست‌های حکومت استبدادی قرار گیرد. در این خصوص لازم است به آیین زروان و نقش آن در تقدیرگرایی نگاهی اجمالی بیان‌دازیم.

۱. کسی شرق را اصلاح نمی‌کند، مگر مستبد عادل و پرهیزکار.

۱-۴- آیین زروان

«آیین زروان»^۱ یکی از آیین‌های کهن ایرانی است که تأثیر بسیاری در باورها و اندیشه‌های ایرانیان داشته است. در کیش زروان همه موجودات عالم بازیچه دست سرنوشت هستند و بدیهی است به این ترتیب در دنیای زروانی نه مسئولیت وجود دارد و نه پاداش و کیفر (دولت‌آبادی، ۱۳۷۹: ۷). ظهور این کیش به احتمال زیاد به اوایل هزاره اول قبل از میلاد، یعنی سه سده قبل از تاریخ ظاهر شدن زردشت بازمی‌گردد. در شاهنامه نیز - که برای ما یکی از موثق‌ترین سندهای دوران تاریخ نامکتوب ایران است - آشکارا ذکر شده ایرانیان در زمان منوچهر زروانی بوده‌اند؛ درحالی‌که ظهور زردشت همزمان با پادشاهی گشتاسب است. این شواهد تاریخی نشان می‌دهند زروان پرستی بر زردشتی‌گری تقدم تاریخی داشته و پایین آوردن آیین زروان تا حد یک بدعت و فرقه‌گرایی زردشتی نادرست است؛ زیرا بین زروانیت و دین زردشت حتی یک باور مشترک وجود ندارد (همان، ۷۶). اگر نامی از زروان بر زبان‌ها نیست، به این علت است که دین زردشتی براساس ویژگی‌هایش مورد قبول و اعتقاد توانمندان، توانگران و طبقه حاکمه بوده که همه تاریخ‌ساز بوده‌اند و تاریخ‌نویسان را در اختیار خود داشته‌اند؛ درحالی‌که زروان پرستی باز به همان علت، دین عامه مردم بوده که به این امکانات دسترسی نداشته‌اند (همان، ۸۲).

1. Zurvan

۲-۴- نفوذ اندیشه زروانی در ساختار فکری ایرانیان مسلمان

پادشاهان ساسانی در جهت برپایی یک حکومت دینی واحد بین آیین خودشان و زروان پرستی نوعی رویارویی دیده و تلاش کرده‌اند به باورهای زروانی نوعی ظاهر زردشتی بدهند؛ هر چند در این دوره در زدودن مطالب زروانی از متن‌های دینی کوشش‌هایی به عمل آمد، اما دانشمندانی که درباره اعتقادهای دینی ایرانیان در زمان ساسانیان تحقیق کرده‌اند، همه براین باورند که بسیاری از مردم این سرزمین در آن عهد زروانی بوده‌اند (همان، ۱۰۸). حال این پرسش پیش می‌آید که چرا پادشاهان ساسانی با علم به اینکه اندیشه زروانی تا حدودی مشروعیت حکومت دینی واحد را به خطر می‌اندازد با پیروان این کیش مدارا کردند؟ یا شاهان ساسانی خوب می‌دانستند در همه عالم هیچ جماعتی به اندازه زروانی‌ها آماده تحمل زور و استبداد نیست. این مردم هر نوع بلایی را ناشی از مشیت بخت می‌دانستند و لذا دلیلی وجود نداشت یا شاهان زردشتی ساسانی آنها را به زور به کیش خود در آورند و صاحب حق کنند (همان، ۱۱۷). نکته قابل ذکر اینکه جامعه ساسانی، جامعه‌ای سخت طبقاتی بود، لذا ورود آموزه «دست تقدیر» به آیین زردشت توسط پادشاهان، یک نوع تسلی خاطر کاذب برای مردم ایجاد می‌نمود، تنش و تضاد ناشی از نابرابری را تا حدی کاهش می‌داد و تحمل آن را برای مردم آسان‌تر می‌ساخت. گفتنی است با اسلام آوردن ایرانیان، آیین زروان در برابر آیین اسلام که به انسان اختیار و مسئولیت می‌داد دوام نیاورد و به افول گرایید. اما متأسفانه قسمتی از این کیش، یعنی اعتقاد به قدرت مطلق سرنوشت در ساختار فکری ایرانیان باقی ماند. درباره نفوذ اندیشه

زروانی به ایران بعد از اسلام «ریچارد فرای»^۱ - ایران‌شناس آمریکایی - معتقد است: «پس از آمدن اسلام به ایران، دهقانان و بعضی از موبدان زردشتی چون به دین تازه گرویدند، معتقدات زروانی را درباره حاکمیت سپهر و چیرگی زمان به اسلام داخل کردند» (به نقل از ندوشن؛ ۱۳۴۵). می‌توان این‌گونه ارزیابی کرد که در تاریخ ایران حکومت‌ها با قبضه کردن سیاست و اینکه مردم عادی نباید در کار سیاست و کار نماینده خدا و بالطبع کار خدا دخالت کنند، افراد را در چارچوب خاصی از شرایط محیطی قرار می‌دادند؛ به گونه‌ای که خود را در برابر قدرتی لایزال که بر آنها حکم می‌راند، ببینند و از سوی دیگر حکام و سردمداران حکومتی برای تحکیم موقعیت خود، تفکر تقدیرگرایانه و تسلیم‌پذیری فرد را در برابر خداوند و نماینده او تبلیغ می‌کردند. در چنین ساختی، فرد به درکی خاص از دولت و جایگاه خود می‌رسید که در آن هیچ‌گونه اختیار و اراده‌ای برای خود متصور نمی‌شد و در یک فرایند درهم‌آمیخته از شرایط عینی و ذهنی که تبلیغ می‌گردید، فرد به تقدیرگرایی سوق داده می‌شد (انوری، ۱۳۷۳: ۴۹).

در چنین ساختاری، رابطه فرد و حکومت به رابطه‌ای زبوانه تقلیل می‌یابد، فرد در چنین جایگاهی به عدم امنیت خود واقف می‌شود و کل جامعه، جامعه‌ای پذیرای چنین قدرت می‌شوند.

1. Richard Fray

۵- تحلیل سیستمی

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد علاقه جامعه‌شناسان، تحلیل ساختارها و به‌ویژه کارکردهایی است که جامعه برای بقاء خود به آنها نیاز دارد. آنان در جامعه به چهار سیستم فرعی اشاره می‌کنند که در عین مستقل بودن به یکدیگر وابسته هستند. این سیستم‌های فرعی عبارتند از: سیستم سیاسی، سیستم اجتماعی، سیستم اقتصادی و سیستم فرهنگی. محقق از این چشم‌انداز درون جامعه و روابط اجزاء آن را مدنظر قرار می‌دهد و تحلیل می‌کند. در این قسمت می‌خواهیم بازتاب پدیده تقدیرگرایی را در جامعه مطالعه و آثار و پیامدهای آن را برشماریم.

۱-۵- سیستم سیاسی

وجه سیاسی تقدیرگرایی را می‌توان در نظام سیاسی بررسی کرد. سیستم سیاسی یکی از اساسی‌ترین و مؤثرترین عواملی است که در تمام وجوه زندگی تأثیر عمیق می‌گذارد و آنچه در این میان حائز اهمیت است، باور و اندیشه وجود و لزوم حاکمی واحد برای جامعه است. همان‌طور که در قسمت قبل ملاحظه شد، نظام شاهی در پی الزاماتی به وجود آمد و تداوم یافت، اما با حذف آن الزامات همچنان در ابقاء خود تلاش کرد. به طور کلی، پادشاهان پس از اینکه بر قدرت تکیه زدند، برای حفظ مشروعیت و تداوم حاکمیت خویش سعی کردند تأیید مقامات روحانی را بگیرند؛ زیرا تنها عامل مهم در برابر قدرت مطلق فرمانروا مذهب بود (آرون، ۱۳۷۷: ۳۶). بنابراین حاکمیت سیاسی بدون حمایت عناصر دینی، قدرت اعمال نفوذ نداشت. در نتیجه دین و دولت برادر شدند و پادشاهان از این تلفیق تنها وجه «نمایندگی آسمانی» را گرفته و

تقویت کردند. بر این اساس، سلطنت به مثابه عطیه‌ای الهی از سوی خداوند به پادشاهان اعطاء شد و با تشکیل نظام استبدادی، دیگر هیچ نیازی به قانون نبود. در این‌گونه از حاکمیت، اراده فردی با اراده آسمانی تلفیق شد و شاهان خود را «سایه خدا» قلمداد کردند. همچنین حکومت استبدادی از اتباع خود فقط فرمانبرداری می‌خواست، لذا برای جلب فرمانبرداری بی‌چون و چرای اتباع، «تقدیرگرایی» را ترویج می‌داد و با ترویج این باور و استبدادپذیر کردن مردم، حاکمیت بقاء خویش را استمرار می‌بخشید.

بی‌تردید اگر اندیشه تقدیر به هر جامعه‌ای نفوذ کند، استبداد در آن رشد یافته و مسئولیت اوضاع نابسامان به یک عامل بیرونی (تقدیر) نسبت داده می‌شود و بدین طریق مردم در مقابل نظام فاسد خلع سلاح می‌شوند. به علاوه، رواج این اندیشه، محیط مناسبی را برای «باز تولید استبداد» فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، تقدیرگرایی و استبداد در یک حرکت دایره‌ای به بازتولید یکدیگر می‌پردازند.

۲-۵- سیستم اجتماعی

انسان تقدیرگرا نهادهای اجتماعی را اصلاح‌ناپذیر می‌پندارد و خود را توانا به ایجاد تغییرات در درون نظام‌های اجتماعی نمی‌بیند. از نظر او، نظام‌های اجتماعی از قبل تعیین شده‌اند و بشر موظف است در آن زندگی را به اجبار به سر برد (رضا قلی، ۱۳۷۱: ۲۷). بشر در این دیدگاه خود را دست بسته تقدیر می‌داند و به تبع آن احساس می‌کند نمی‌تواند دخالتی در مسائل سرنوشت‌ساز داشته باشد. بنابراین تلاشی در جهت تغییر امور نمی‌کند. در زمینه کارهای اجتماعی از فکر اصلاح آنها خارج

می‌شود و اداره امور اجتماع را به دست عوامل ماورایی وامی‌گذارد. این امر باعث می‌شود مردم برای حل معضلات اجتماعی به دنبال «قهرمان» باشند، غافل از اینکه قهرمان خودشان هستند. تا حدودی می‌توان عقیم ماندن جنبش‌های اجتماعی در ایران را از این منظر نگریست.

در چنین جوامعی انسان با پرداختن به سرنوشت از «مسئولیت‌فردی و اجتماعی» می‌گریزد و از زحمت تصمیم‌گیری رها می‌شود. از این رو «منجی‌گرایی» و «انتظار انفعالی» بر جامعه حاکم می‌شود؛ در حالی که در مبانی اسلامی، انتظار مفهومی پویا و فعال دارد و انسان منتظر انسانی سخت‌کوش و بسترساز ظهور منجی است. لازم به ذکر است که حضرت امام (ره) انتظار به مفهوم انزوا را با تحجرگرایی همراه می‌دانستند.

۳-۵- سیستم اقتصادی

فقدان قدرت اقتصادی، معادل انحصار قدرت سیاسی است. سیری در متون و آثار گذشتگان روشن خواهد کرد در گذشته هیچ جایگاه قابل توجهی برای فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشته است. گویی غالب اندیشمندان تنها در انکار فعالیت‌های دنیوی قلم فرسایی کرده‌اند. در این آثار، برآوردن حداقل نیاز- قوت لایموت- مورد توجه بوده است و توجه اغلب به مال و منال دنیا به‌عنوان خصلتی منفی تحت عنوان «مال‌اندوزی» مذمت می‌شد. لذا در فرهنگ ما جزء در مواردی که دین

مبین اسلام بر آن تأکید کرده^۱ و برخی به آن استناد نموده‌اند، ارزش کار مورد تأکید قرار نگرفته است.

با توجه به اینکه امنیت لازمه فعالیت اقتصادی است و با علم به اینکه ثروت در ایران از «مصادره» و «غارت» در امان نبوده است، باید اذعان کرد بافت فکری تقدیرگرایانه، انسان را از فعالیت‌های جدی در اقتصاد و حیات مادی باز می‌دارد و آن را به کمترین حد ممکن می‌رساند. در این جایگاه فکری، همه چشم به روزی پروردگار می‌دوزند و از «کار» غفلت می‌کنند. بی‌دلیل نیست که امروزه بر اهمیت کارآفرینی تأکید و مؤسساتی برای این کار تأسیس می‌شود. ملاحظه می‌کنید که تقدیرگرایی در حوزه اقتصاد برای نشان دادن «بیکارگی» به کار می‌رود. خلاصه اینکه در حوزه اقتصاد نیز پادشاهان از تحریف باز نایستادند. آنها با ترویج اندیشه تصوف دنیاگريزانه به نفی جهان مادی پرداختند و مردم را از نعمات دنیوی بی‌نیاز کردند تا به اندک قوتی بسنده کنند. بر این اساس، همان‌گونه که خداوند صاحب و مالک کل هستی است، پادشاه (سایه خدا) نیز مالک دارایی‌های دنیوی شد.

۴-۵- سیستم فرهنگی

هر چند تقدیرگرایی عامیانه آثار و نتایج منفی را بر سیستم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گذاشته است، باین حال تقدیرگرایی را نمی‌توان صرفاً پدیده‌ای منفی در نظر گرفت. ایرانیان در طی تاریخ طولانی خویش به‌منظور حفظ خود در جامعه‌ای تحت سلطه حکومت‌های استبدادی به

۱. برای مطالعه مراجعه کنید به کتاب «کار در منابع اسلامی» عیسی ولایی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸.

راهکارهایی دست یافته‌اند. تقدیرگرایی به واسطه توانایی دادن به ایرانیان برای سازگاری با شرایط حاکم، از جنبه‌های مثبتی نیز برخوردار بوده است. پولاک^۱ پزشک اتریشی می‌نویسد: «ایرانیان با آرامش و تسلط بر نفس اعجاب‌آوری در انتظار مرگ می‌مانند. هرگز آن حال پرشکنجه ترس از مرگ را که در اروپا اغلب پزشکان با آن روبرو هستند، در ایران ندیدم. آرامش ایرانیان هنگام رویارویی با مرگ مبتنی بر ایمان و اطمینان به این امر نیست که زندگی‌شان به نحوی خدایسندانه، به صورتی دیگر در می‌آید و به دنیای بهتر می‌شتابند. این آرامش خیال بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که به تقدیر مختوم غیرقابل تغییری اعتقاد دارند که باید انجام پذیرد. به گفته سعدی، بدون آنکه اجل فرا رسیده باشد، حتی ماهی نیز به روی خشکی نخواهد مرد» (به نقل از جوان‌بخت، ۱۳۷۹: ۹۴). در جامعه ایران فرد ناگزیر بوده است برای حفظ و دفاع از خود در برابر تهاجم ستمگرانه حکومت استبدادی در عمل به تقلای شخصی متکی شود.

همان‌طور که در حوزه سیاست سعی بر آن بود که علت معضلات سیاسی - اجتماعی به خارج از قلمرو پادشاهی نسبت داده شود، در حوزه فردی نیز با عمده کردن عوامل بیرونی (قسمت)، تسلی‌خاطری هر چند کوتاه مدت و ادواری برای فرد ایجاد می‌شود و «آرامش روانی» لازم را فراهم می‌کند.

1. Polak

۶- تداوم و استمرار تقدیرگرایی

تقدیرگرایی با نگرش امروزی در تقابل است. با این حال این پدیده اجتماعی هنوز در ساختار جامعه ایران از بین نرفته است. سؤال اینجاست که چرا این باور تاکنون در اندیشه اجتماعی ایرانیان به صورت یک مسئله باقی مانده است؟

براساس آنچه در بالا آمد، یکی از علل تداوم و بقای تقدیرگرایی در جامعه ایران کارکردی بود که برای جامعه ایفا می‌کرد. اعتقاد به تقدیر، مقاومت انسان‌ها را در مقابل سختی‌ها و ناملایمات قوت می‌بخشد و تحمل مصائبی را که آدمی بر آن احاطه ندارد، آسان‌تر می‌کند.

همچنین باید اشاره کرد ایرانیان هرگز نتوانستند پس از هجوم اسکندر، اعراب، مغولان و ... انسجام لازم را کسب کنند و همین امر منجر به بی‌ثباتی ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شد و هر بار که این بی‌ثباتی‌ها تکرار می‌شد، اندیشه «دست تقدیر» را در ساختار فکری ایرانیان زنده می‌کرد.

همان‌گونه که در مورد شاهان ساسانی دیدیم، ترویج چنین عقیده‌ای تا حدود زیادی، استفاده‌های سیاسی داشته است؛ زیرا حکومت‌های استبدادی از این عقیده برای توجیه و تثبیت اقتدار خود سود برده‌اند و قدرتمندی و تحکیم خود و زبونی و سیه‌روزی مردم را حواله به تقدیر و مشیت آفریدگار می‌کردند. «استاد مطهری» معتقد است: «هر وقت عدالت اجتماعی متزلزل شود، استحقاق‌ها رعایت نشود، حقوق مراعات نشود و در تعویض مشاغل حساب‌های شخصی، توصیه و پارتی مؤثر

باشد، فکر بخت و شانس و امثال اینها قوت می‌گیرد و توسعه پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۵۸: ۸۲).

اما عامل مهم دیگری که موجب شد تقدیرگرایی کارکرد خود را حفظ کند و به تبع آن در جامعه حضورش احساس شود، این است که مردم از اندیشیدن درباره آن منع شده‌اند. (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۲۴۰-۲۳۹).

در هر حال مذهب جبر، به این صورت که آن را جبر مطلق و تقدیر خواندیم با وجود همه گفته‌های لطیف و دلنشین گویندگانش سست و مردود است؛ زیرا اولاً با موازین دینی و اصول اخلاقی اسلام قابل تطبیق نیست و با قبول آن، جدول ارزش‌های اخلاقی به کلی واژگون خواهد شد، خیر و شر، امر و نهی، ثواب و گناه، کیفر و پاداش و نظایر آنها مفهوم خود را از دست خواهند داد و موضوع مسئولیت اخلاقی نیز بی‌معنی خواهد شد. ثانیاً، از نظر زندگی عملی و تأمین معاش روزانه نیز پذیرفتن جبر مطلق زیان‌بخش خواهد بود؛ زیرا زمانی که سعادت افراد منحصرأ به دست تقدیر باشد و سعی و عمل بلا اثر پنداشته شود، آدمی به دنبال کار نخواهد رفت، در ناامیدی و یاس مستغرق خواهد بود، به تنبلی خواهد گرایید و موجودی کاملاً اتکالی خواهد شد. خوشبختانه جبر مطلق با عقل و منطق نیز سازگار نیست؛ زیرا هر روز خلاف آن به تجربه ثابت می‌شود. ما به وضوح می‌بینیم که در زندگی، مردمانی پیشرفت می‌کنند و کامیاب هستند که اراده قوی دارند، در برابر مشکلات به مبارزه می‌پردازند و در کار خود ابتکار به خرج می‌دهند، نه کسانی که تسلیم صرف حوادث هستند و از کار و کوشش گریزانند (سیاسی، ۱۳۷۴).

۷- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی، در پی پاسخ به این سؤالات بوده است که چه عواملی زمینه‌ساز پذیرش باورهای تقدیرگرا می‌شوند؟ تقدیرگرایی چه پیامدهایی را در جامعه در پی خواهد داشت؟ چه عواملی سبب‌ساز تقویت و تداوم تقدیرگرایی می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤالات به موقعیت جغرافیایی و شرایط تاریخی ایران پرداخته و اشاره شد ایران، کشوری است که در کمربند بیابانی و گرم و خشک کره زمین قرار دارد و بنابراین با محدودیت منابع آبی مواجه است. از یک سو کمبود آب موجب می‌شد جماعت‌های روستایی به ناگزیر به صورت پراکنده و جدا از هم شکل بگیرند و از سوی دیگر، برای تأمین منابع حیاتی، با تلاشی خسته‌ناپذیر به‌طور دائم در حرکت و کوچ باشند. بی‌ثباتی و ناامنی (داخلی و خارجی) حاصل از این شرایط نیز تشکیل حکومت متمرکز را ایجاب می‌کرد. همچنین گفته شد که ضرورت کارکردهای نهاد شاهی، دولت را به‌عنوان متولی اصلی امور جامعه معرفی کرد و لزوم این کارکردها به لزوم وجود نهادی در رأس جامعه بدل شد و شاهان بعد از به دست گرفتن قدرت، برای استوارتر کردن پایه‌های حکومت، برای خود محملی مابعدالطبیعی قائل شدند و خود را سایه خدا معرفی کردند. به این ترتیب، هرگونه اعتراض و مخالفت با سایه، مخالفت با ذات الهی قلمداد می‌شد و مردم در چنین جایگاهی به عدم اطمینان خود واقف شده و کل جامعه پذیرای قدرت مافوق شد. بازتاب چنین فضایی نیز جز عدم اطمینان به فردا، گوشه‌گیری و انزوا چیزی نداشت. در چنین

شرایطی، چشم دوختن به شانس و بخت آسمانی، جانشین برنامه‌ریزی و فعالیت‌های جمعی و گروهی شد.

همچنین گفته شد هرچند شرایط محیطی و اوضاع تاریخی جامعه، زمینه‌ساز تقدیرگرایی بودند، اما این نهاد سیاست (استبداد شاهی) بود که جهت تحکیم پایه‌های حکومت و خلع سلاح مردم از حرکت‌های جمعی، به ترویج و تبلیغ تقدیرگرایی تمایل نشان داد. یک مصداق این ادعا، شاهان ساسانی بودند. آنها با علم به اینکه اندیشه زروانی مشروعیت حکومت دینی واحد را به خطر می‌اندازد، با پیروان این کیش مدارا کردند؛ زیرا می‌دانستند در همه عالم هیچ جماعتی به اندازه زروانی‌ها آمادگی تحمل زور و استبداد را ندارند. به علاوه مشخص شد که تقدیرگرایی عامیانه ریشه در آیین زروان داشته و در حوزه دین اسلام هیچ جایگاهی ندارد.

شاید، بارزترین مصداق عینی و تاریخی نفی تقدیرگرایی عامیانه را بتوان در اندیشه امام خمینی (ره) جست‌وجو کرد. آنگاه که ایشان مبارزه برای سرنگونی شاه را آغاز کردند، بسیاری از نخبگان، اندیشمندان، روحانیان و بزرگان باوری به پیروزی نداشته و نوعی تحمل یا سازگاری با رژیم پهلوی را جزء لاینفک زندگی سیاسی و اجتماعی خود تعریف کرده می‌نمودند، اما حضرت امام (ره) با الهام از قرآن (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ)^۱، سیره حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) به‌ویژه سالار شهیدان با یاران اندک وارد عرصه جهاد و مبارزه با رژیم

۱. بی‌تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنها وضع خود را تغییر دهند (سوره رعد، آیه ۱۱).

پهلوی شدند و درنهایت با اتکال به حضرت حق، تقدیم هزاران شهید و جانباز و بر غول افسانه‌ای طاغوت پیروز گردیدند و تجلی اسلام ناب که توانایی اداره کشور و نظام سیاسی را در قرن بیست و یکم دارد، به جهانیان نوید دادند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با جریانات و افکار خرافی، تحجر و تقدیرگرایی عامیانه به مبارزه پرداختند و هیچ‌گاه در طول عمر پربرکت خود بر رفتار و اعمال آنان صحنه نگذاشتند.

فهرست منابع

۱. آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲. اسلامی ندوشن، محمد علی، خیام و فردوسی، انتشارات مجله یغما، سال ۱۹، شماره ۳، ۱۳۴۵.
۳. انوری، حمید رضا، پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳.
۴. توحیدفام، محمد، موانع توسعه فرهنگی در ایران، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۰.
۵. ثلاثی، محسن، جهان ایرانی و ایران جهانی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۶. جوان‌بخت، مهرداد، ایرانی از نگاه انیرانی، اصفهان: انتشارات آموزه، ۱۳۷۹.
۷. دولت‌آبادی، هوشنگ، جای پای زروان: خدای بخت و تقدیر، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۸. رضا قلی، علی، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۹. زرین کوب، عبدالحسین، حکایت همچنان باقی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
۱۰. زیباکلام، صادق، ما چگونه ما شدیم، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۵.
۱۱. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۲. سیاسی، علی اکبر، مختاریم یا مجبور؟ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۱۳. علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: انتشارات توسعه، ۱۳۸۳.
۱۴. قاضی مرادی، حسن، خودمداری ایرانیان، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.
۱۵. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.
۱۶. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.

۱۸۰ ► جامعه‌شناسی خرافات در ایران

۱۷. مفتخری، حسین، بررسی علل و عوامل تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی در ایران، مجموعه مقالات بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران: نشر باز، ۱۳۷۹.
۱۸. یوسفیان، جواد، نگاهی جامعه‌شناختی به سعدی، اطلاعات علمی: سال ۱۰ شماره‌های ۸ و ۹.

خرافات و کارکردهای آن

مسعود درودی*

چکیده

مقاله حاضر با محور قراردادن پدیده «خرافات»، به بحث درباره علل و عوامل پیدایش آن می‌پردازد. از میان عوامل گوناگون شکل‌گیری و گسترش خرافات، علاوه بر علت‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، نقش عوامل معرفتی و تحولات علمی و فلسفی نیز مورد کنکاش قرار گرفته و در ادامه به علت‌های شیوع، انواع و نیز کارکرد خرافات اشاره شده است.

واژگان کلیدی

خرافات، تخیل‌گرایی افراطی، منشأ خرافات و سطح ناهوشیار.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی).

مقدمه

در دوران باستان، زمانی که هنوز دانش و آگاهی بشر در مراحل ابتدایی و اسطوره‌سازی قرار داشت، علت و ماهیت حقیقی امور برای بشر کمتر شناخته شده بود. بشر ابتدایی هنگامی که در زندگی روزمره خود با انواع وقایع، رویدادها و حوادث طبیعی و غیرطبیعی برخورد می‌کرد، آنگاه که با دگرگونی‌های بزرگی که در هر فصل و یا هر سال در پهنه گیتی رخ می‌داد، مواجه می‌شد و با مشکلات، رنج‌ها و مشقات تمام ناشدنی دست و پنجه نرم می‌کرد، همواره در خصوص علل این دگرگونی‌های وسیع و شگفت‌آفرین به تأمل می‌پرداخت.

از سوی دیگر، در جستجوی راهی برای حل و فصل مصیبت‌ها و سختی‌های بزرگی بود که زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌داد. بنابراین برای بشر ابتدایی دو موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار بود: نخست، فهم وقایع و دلایل رخدادهای تلخ و شیرین و دوم، یافتن راه‌های رهایی از بن‌بست‌های رنج‌آور، خلاصی از مصیبت‌ها و سختی‌های آزاردهنده، و جهل و نادانی نسبت به علل وقایع و حوادث.

سرانجام ناتوانی در درک این مسائل، بستر مناسبی برای تولید و بسط انواع اندیشه‌های ناصواب و موهوماتی شد که در طول تاریخ تداوم یافت. این خرافات و موهومات، دست کم دو کارکرد تاریخی در پی داشتند: اولاً شرایط و حوادث را برای آدمی، تبیین و تفسیر می‌کردند. ثانیاً به او کمک می‌کردند با وقایع تلخ روبرو شود و نیز راه‌حلی را ارائه می‌دادند.

انسان در مرحله‌ای از رشد تصور می‌کرد وسیله دفع بلای تهدیدگر، در دست خود اوست و می‌تواند با فن جادو، تغییر فصل را شتاب بخشد یا کند کند. بنابراین مراسمی ساخت و جادویی به کار برد تا باران بیارد، خورشید بتابد، حیوانات زاد و ولد کنند و میوه‌ها به بار آیند (فریزر، ۱۳۸۴: ۳۵۷).

«ویل دورانت» معتقد است: «کاهنان هر حادثه‌ای، از ولادت غیرطبیعی تا اشکال مختلف مرگ را با تعبیرات سحری فوق العاده، مورد تفسیر و تأویل قرار می‌دادند. در این بین، حرکت آب رودخانه‌ها، اشکال مختلف ستارگان، خواب‌ها، کارهای غیرعادی انسان و جانوران، کارشناسان را در پیش‌بینی و پیش‌گویی آینده یاری می‌کردند» (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۸۷). وی معتقد است: در بنیان و شالوده همه تمدن‌های جدید و قدیم، دریایی از سحر، خرافه‌پرستی و جادوگری جریان داشته و هنوز نیز جریان دارد. موهومات در همه مراحل تمدنی، بدون اندک تغییری، دوام آورده است. تنها ادیان کمی توانسته‌اند خود را به کلی از پایبند کهن جادو رها سازند» (فریزر، پیشین: ۳۵۸). تقریباً تمام ساختار زندگی انسان بدوی را در نظر باورهای خرافی و در عملی انجام مناسک و مراسم موهوم دربرگرفته بود؛ زیرا تجربه مواجه شدن با مرگ و ترس از آن، وقایع طبیعی (خسوف، کسوف، سیل، زلزله و...)، بیماری‌های کشنده و رنج‌آفرین، نیازمند توجیه و تفسیر بود. از این‌رو، افسون‌گری، جادوگری و انجام مناسک مختلف، تقریباً در همه فعالیت‌های روزمره و در زندگی اجتماعی انسان بدوی نقش بزرگی ایفا می‌کرد. اما با رشد روزافزون علوم جدید، باورهای خرافی که ناشی از عدم شناخت درست

وقایع و رخدادها بود، روبه افول نهاد و پیشرفت علم، آن دسته از یافته‌های ابتدایی را که با واقعیت عینی همخوانی نداشت، کنار نهاد. اما کسانی به این یافته‌ها و باورها دل سپرده بودند به طوری که در برابر از دست دادن آنها مقاومت نشان می‌دادند؛ یا دست کم در برابر از دست رفتن برخی از آن باورها را در زیر سایه‌بان تقدس جای گرفته و یا به سنت‌های دیرپا تبدیل شده بودند. عادت کردن و خو گرفتن تاریخی به این‌گونه سنت‌های فرهنگی، باورهای پشتیبان محسوب می‌شوند. اکنون نیز باورهای خرافی و بعضی مناسک و اعمال خرافی به آسانی تن به نقد نمی‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۴).

گرچه شناخت در جهان امروز بر مبنای علوم و تجربه‌های علمی صورت می‌گیرد، اما از آنجاکه علم، قدرت بالایی در پیش‌بینی بسیاری از وقایع را ندارد و آدمی همواره نگران آینده است، مجدداً خرافات به میان می‌آیند. همچنین اضطراب‌ها و نگرانی‌های ناشی از ضعف آدمی در برابر بسیاری از حوادث، او را به سوی پذیرفتن باورهای خرافی هدایت می‌کند. این گروه از باورها و اعمال خرافی دست کم راه‌حلهایی محتمل برای رهایی از رنج‌ها و مشقاتی در اختیار قرار می‌دهند که با وسایل کنونی نمی‌توان از آنان رهایی یافت.

۱- تعریف خرافات

خرافات به سخنان پریشان و نامربوط که خوشایند باشند و سخنان خوش پریشان (دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۸۷)، حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه (عمید؛ ۱۳۷۹: ۸۴۳) اطلاق می‌شود.

همچنین خرافه نام مردی از قبیله «عذره» بوده که ادعای ارتباط و مراوده با جن و پری داشته و مطالبی را از زبان آنها می‌گفته است (دهخدا، همان: ۳۸۷).

در زبان انگلیسی، Superstition معادل و به معنی خرافات به کار می‌رود. تعریف واحد از خرافات امر مشکلی است؛ زیرا دیدگاه‌های مختلف، باتوجه به بافت‌های فکری-اجتماعی خود به تعریف از خرافات به مثابه امری اجتماعی پرداخته‌اند. به‌طور کلی، خرافات عبارت است از: «معتقدات، باورها یا انجام کارهایی که هیچ‌گونه ریشه عقلانی ندارند. این معتقدات، مجموعه‌ای از اخبار، عقاید، اندیشه‌ها، عادات و اعمال غیرعملی و خلاف منطق هستند که در رابطه با موضوعات و پدیده‌های طبیعی و عینی به وجود می‌آیند».

۲- منشأ خرافات

مبنای اصلی خرافات و خرافه‌پردازی عبارت است از: «قشری‌گری، راز زدایی و روندگریزی که در بطن و ذات خود به نحوی خودآگاه و ناخودآگاه، صریح یا ضمنی، انکار عقل، شرع و عرف را دربردارد».

منظور از قشری‌گری، جمود بر ظواهر یعنی ظاهر امور و صورت حقایق است که متضمن توقف بر پوسته حقیقت و امتناع گذر و گذار از قشر به سوی لب و لباب است و این خودبه‌خود موجب بدفهمی و زمینه‌ساز تک‌ساختی شدن افراد است. قشری‌گری به‌ویژه در دین، مانع فهم عمیق معارف دینی و حقایق الهی می‌شود و بسترساز رشد کژفهمی، انحراف، بدعت و عصبیت است (وکیلی، ۱۳۸۵: ۸۶).

قشری‌گری ریشه در خامی ذهن و ناپرووردگی اندیشه‌ی کسانی دارد که می‌کوشند معارف و حقایق هستی، به‌ویژه آموزه‌های دین را در قالب تنگ و محدود فهم‌های قاصر خود محدود و محصور سازند و تنها همان را احتمال دهند که می‌فهمند و آنچه را در نمی‌یابند، ممکن نمی‌دانند.

مراد از «راز زدایی» نیز گرایش به این امر است که امور عالم را مانند اموری طبیعی نگریسته و ردپای هر امر ماورای طبیعی در آنها محو شود و همین امر در ممکن ساختن هر امری در جهان، راه خرافه‌گرایی را هموار می‌کند؛ لذا تردیدی نیست میان دو عامل قشری‌گری و راززدایی، داد و ستدی نهانی و مستمر برقرار باشد. روآوردن به قشر امور و حقایق، منجر به راز زدایی از آنها شده و به عکس، راز زدایی و تبدیل حقایق باطنی به وقایع عادی باعث قشری‌گری می‌شود.

مولفه سوم، «روندگریزی» است که گاه در قالب اندیشه به رد و طرد قانون عمومی - علیت یا نادیده گرفتن و استثناپذیری آن، و گاه برانگیخته از اصل‌گرایی افراطی و آرزو پروری تخیلی است، به طور کلی، مخالفت با قانون علیت - در شکل طرد و رد آن به صورت مستقیم، نادیده گرفتن آن در مواردی و استثناپذیر دانستن - زمینه را برای ورود و گسترش اندیشه‌های خرافی هموار می‌سازد.

همچنین روندگریزی گاه به دلیل گرایش انسان به آمال و آرزوها و کوشش در جهت امکان‌پذیر معرفی کردن این آرزوهاست که از ایده‌آل‌گرایی معتدل تا تخیل‌گرایی افراطی را شامل می‌شود. در ایده‌آل‌گرایی معتدل، در دسترس‌پذیر ساختن خواسته‌های کوچک و بزرگ موجب آن می‌شود آدمی آرمان‌های کوتاه و بلند خود را از طریق اعتقاد به جریان‌های مؤثر در زندگی خود، دسترس‌پذیر و آسان بداند.

ستاره‌بینی (طالع‌بینی) در انواع هندی، چینی، سرخ‌پوستی و... در کنار دیگر شیوه‌های غیرعلمی مانند فال‌بینی و فال‌گیری، از جمله این جریان‌های به ظاهر مؤثر در زندگی بشر تلقی شده است.

به‌طور کلی، مدعیان این شیوه‌ها بر مبنای نوع پیشگویی و غیب‌خوانی، مخاطبان خود را به امکان‌پذیری آمل و آرزوهای کوچک و بزرگ آنان متقاعد می‌کنند. این قبیل پیشگویی‌ها بیشتر بر سه محور شخصیت‌شناسی، واقعه‌شناسی و آینده‌نگری شکل می‌گیرد.

در محور شخصیت‌شناسی، مدعیان این شیوه‌ها با تمسک به روش‌های خاص و مرموز، خصوصیات روانی، رفتاری و شخصیتی افراد را پیش‌بینی و پیشگویی می‌کنند و حتی گاه در مقام روان‌شناسی کاردان و روانکوی چیره‌دست به تحلیل عناصر و عوامل شخصیت افراد می‌پردازند. در محور وقایع‌شناسی نیز این مدعیان به پیشگویی حوادث و رویدادهای آتی زندگی افراد اقدام می‌کنند و حتی خود را قادر به فهم حوادثی می‌دانند که تلخ و شیرین و سعد و نحس در کمین آدمیان نشسته است.

در خصوص آینده‌شناسی نیز، این مربیان، ادعا دارند قادرند سرنوشت و آینده افراد را پیش‌بینی و تقدیر، و قسمت آنان را از آینده و جهت‌های آتی زندگی‌شان غیب‌گویی کنند.

تخیل‌گرایی افراطی در کسانی کار را تا به آنجا کشانده که از روش‌های نامرسوم، نامقبول و مطرود در تلاش‌اند آمل و آرزوهای خفته و نهفته خویش را تحقق بخشند. نمونه شاخص چنین جریان‌هایی را

می‌توان در جنبش‌های به اصطلاح نو پدید دینی (NRM)^۱ و عرفانی (NMM)^۲ مشاهده کرد.

این قبیل جنبش‌ها، طیف وسیعی از جریان‌های معنوی یا معناگرایی دینی و عرفانی را که از حدود سال ۱۹۸۸ میلادی ظاهر شده و فعالیت می‌کنند، شامل می‌شود.

این جریان‌ها هر یک به مقتضای تعالیم و اهداف نظری و عملی خویش می‌کوشد تا به طریقی، راه را برای سعادت و دستیابی انسان به کامیابی، موفقیت و آرمان‌هایش بگشاید و در این راه از هر دستاویزی - مثبت و منفی، موافق با تبع آدمی و یا مخالف با آن - بهره می‌گیرد. صرف‌نظر از ایده کلی مثبت و قابل قبول سعادت‌مندی بشر و کامیابی وی در زندگی زمینی که در برخی از این جریان‌ها، اهمیت ویژه می‌یابد، راه و روش تأمین چنین سعادت و تضمین چنان کامیابی در جریان‌ها، به شدت مخدوش و خرافه‌آمیز است. اعتقاد به تأثیر تکنیک‌ها، الکل، داروهای روان‌گردان و توهم‌زا، ذکرهای بی‌معنا و خالی از محتوا بر سعادت و کامیابی بشر - که فاصله گرفتن از شیوه‌های اصیل و عمیق ادیان الهی را خواسته یا ناخواسته هدف قرار داده است - هرگز راه به جایی نمی‌برد و تنها سر از بیراهه تخیل پروری درمی‌آورد که در جان‌نشین ساختن عوامل و علت‌های مجازی در جایگاه علت‌ها و عوامل حقیقی، تجلی و نمود می‌یابد (همان: ۹۱).

متأسفانه در این بین، میل عمیق و فطری آدمی به سعادت ابدی و آرامش روحی دستاویز اشکال نوین خرافه‌گرایی قرار می‌گیرد و

1. New Religious Movements
2. New Mystical Movements

تسکین‌بخش‌های اصیل ادیان الهی به‌ویژه دین مبین اسلام، جای خود را به مسکن‌های موقت، مشابه و دروغین، ساخته و پرورده در این آیین‌های خرافی نوین داده و کسانی نیز غافل از خطرات و زیان‌های ناشی از تن دادن به چنین شیوه‌هایی رستگاری را در این جریان‌ها می‌جویند.

۳- اقسام خرافات

گروهی معتقدند: با آنکه تاکنون در تاریخ فرهنگ بشری، خرافه‌پرستی، جلوه‌های متنوع و فراوانی داشته و از حد شمار خارج است، اما می‌توان آنها را از لحاظ اقبال فردی و جمعی اشخاص یا از لحاظ زیان‌هایی که به‌طور فردی یا جمعی برای بشر داشته‌اند، به سه نوع تقسیم کرد:

۱- خرافاتی که جنبه فردی و عوام‌پسندانه دارند. این‌گونه خرافات، عقاید واهی را دربرمی‌گیرد که افراد یا اقلیت‌های خاص در یک جامعه به آن معتقد هستند و زیان رفتارهای ناهنجار آن ضمن آنکه به‌طور مستقیم به خود اشخاص خرافه‌پرست می‌رسد، به‌طور غیرمستقیم نیز متوجه اجتماع آنها می‌شود.

۲- خرافاتی که جنبه اجتماعی و سیاسی دارند. مقصود از خرافات اجتماعی، افکار موهوم و علایق و احساسات غیرمنطقی است که اکثریت جامعه به آن معتقد و پابند می‌شوند و گاه آن‌گونه از آنها هواداری می‌کنند که برای حفظ و بقای‌شان حاضرند جان و مال خویش را فدا کنند. زیان این‌گونه پندارها که اغلب به صورت آرمان‌های ملی یا شبه‌دینی جلوه‌گر می‌شود، عمومی است. بت‌پرستی و مکتب‌های الحادی از این‌گونه است.

۳- خرافات سیاسی نیز شامل اندیشه‌های عوام‌فریبانه‌ای است که گروه‌های افراطی یا احزاب خاص و سیاست‌مداران خودخواه و قدرت‌طلب برای ارضاء حس برتری‌طلبی خویش از آن سود می‌جویند. آنها با تحریک عواطف به ظاهر مقدس اقوام و فرقه‌ها، نظیر دفاع از ملیت، آب و خاک و یا با توجیه فرضیه‌های شبه‌علمی (برتری بیولوژیکی نژادها) مقاصد توسعه‌طلبانه خود را تحقق می‌سازند (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۴۴).

۴- علل شیوع و رواج یافتن خرافات

در مورد رواج و انتشار خرافه‌گرایی، می‌توان از دو منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به موضوع نگاه کرد. رویکرد اول فرد و رویکرد دوم جامعه را به مثابه چارچوب مطالعاتی خویش قرار می‌دهد.

۴-۱- رویکرد روان‌شناختی

«زیگموند فروید»، با روش روانکاوانه، خرافات را به «سطح ناهوشیار» ذهن نسبت می‌دهد. از نظر وی، عناصر تهدیدزدایی در درون ذهن و در بخش ناخودآگاه وجود دارد که توسط مکانیسم فرافکنی، به جهان خارج نسبت داده می‌شود. به عنوان مثال، ممکن است در ناهوشیار شخص، یک اندیشه غیردوستانه و حتی آرزوی مرگ کس دیگری - معمولاً کسی که شخص در هوشیاری او را دوست دارد- وجود داشته باشد. این میل ممکن است به صورت «نفوس بد زدن» در خصوص مرگ فرد محبوب جلوه‌گر شود (جاهودا، ۱۳۶۳: ۹۷).

فروید اعتقادات مذهبی افراد را به موضوع خیالات و توهمات انسان در مقابله با طبیعت و کنترل آن نسبت می‌داد. در مقابل فروید،

«گوستاو یونگ»، اولین روانکاوی بود که متوجه شد، افکار و عقاید مذهبی و حتی افسانه‌ای، مظاهر بینش‌ها و اندیشه‌های ژرف هستند که به این وادی گرویده‌اند (فروم، ۱۳۸۲: ۲۱). یونگ معتقد بود خرافات، یک ویژگی اساسی روح آدمی است؛ از این رو قائل به تمایز افکندن بین باورهای درست و نادرست نبود. او بیشتر به کارکرد خرافات در زندگی و روان آدمی توجه می‌کرد (صالحی امیری، پیشین: ۱۴۵).

علاوه بر اختلاف نظر فروید و یونگ در تحلیل خرافات، آنها واجد تشابهاتی نیز در نگرش و رویکرد به خرافات داشتند. اشتراک فروید و یونگ را در حد تحلیل خرافات می‌توان در موارد زیر دانست (جاهودا، پیشین: ۱۲۳):

- ۱) فروید و یونگ قبول داشتند که عقاید و رسوم خرافی، به‌طور عمیق ریشه در فرایندهای ذهن ناهوشیار آدمی دارد.
 - ۲) هر دو معتقد بودند که خرافات مسئله‌ای مربوط به گذشته و یا محدود به طبقات کم سواد نبوده، به عکس بخش جدایی‌ناپذیر از ساحت ذهنی همه آدمیان است.
 - ۳) هر دو بر نقش عنصر عاطفی در خرافات تأکید می‌کردند.
- مکتب فروید، فهم، تحلیل و علت‌یابی خرافات را به درون انسان ارجاع می‌دهد و آن را از جنس واکنش‌های روحی در برابر ناملایمات و ناشکیبایی روانی در مقابل مشکلات و بن‌بست‌ها می‌داند. اما خرافات در دستگاه تحلیلی «پاولف و اسکیز»- بنیان‌گذاران مکتب رفتارگرایی- به عنوان نوعی پاسخ‌های شرطی شناخته می‌شود (صالحی امیری، پیشین: ۱۴۵).

«پاولف»- روان‌شناس روسی- با وضع اصطلاح «شرطی شده» قصد داشت شرایط بروز، ظهور و تقویت رفتارها از جمله رفتارهای خرافی را توضیح دهد. وی با آزمایش‌های مختلف سعی کرد، پیوندی بین محرک شرطی و محرک غیرشرطی برقرار کند (اتکینسون، ۱۳۸۳: ۴۳۷). شرطی شدن به معنای آن است که اگر یک متغیر و یا یک محرک، به نحو تصادفی و به دفعات متعدد در کنار واقعه، حادثه و یا رویدادی ظاهر شود، احتمال اینکه پیوندی بین متغیر و آن واقعه برقرار شود، زیاد است. بر مبنای این نظریه، خرافه در نتیجه تقویت تصادفی نوعی پاسخ عامل آغاز می‌شود و از این طریق نیز استوار می‌ماند (جاهودا، پیشین: ۱۳۶).

۲-۴- رویکرد جامعه‌شناختی

در رویکرد جامعه‌شناختی، هرآنچه در جامعه وجود دارد و در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد، به مثابه پدیده‌های اجتماعی و ساخته زندگی جمعی، تلقی می‌شود و از این نظر پدیده‌های جمعی محصول اجتماع هستند. خرافات نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، در بستر جامعه شکل می‌گیرد و نتیجه نوع روابط و مناسباتی است که در طول زمان و به دلایل اجتماعی حاکم شده‌اند.

در رویکرد جامعه‌شناختی به پدیده خرافات، عواملی چون جامعه، فرهنگ عامه آن، ادیان موجود در آن جامعه، آموزه‌های حاکم بر آنها و فرایندهای توسعه و ترقی در آن، به مثابه عوامل مقوم خرافه‌گرایی، اشاره می‌شود. به‌طور کلی، در رویکرد جامعه‌شناختی می‌تواند از سلسله عواملی نام برد که به‌عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته براساس پذیرش ساده

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۱۹۳

ادعاهای خرافی، عمل می‌کنند. برخی از علت‌های جامعه‌شناختی شیوع خرافه به قرار زیر است:

- ۸) ساختار اجتماعی و فرهنگی متعصب (فرهنگ بسته)؛
- ۹) ضعف فرهنگ نقد و قوی بودن فرهنگ نقل؛
- ۱۰) بازکردن چتر تقدس بر انواع باورها و ادعاهای ساخته و پرداخته جامعه؛
- ۱۱) هزینه بالای نواندیشی و یا بازاندیشی در باورهای عمومی؛
- ۱۲) ضعف و یا نبود اخلاق مسئولیت (فرار از مسئولیت پذیرش باورها)؛
- ۱۳) فرار از واکنش‌های قهرآمیز و طردآمیز دیگران؛
- ۱۴) ترس از پیامدهای نوساز اعتقادی؛
- ۱۵) ضعف در فرهنگ گفتگو و عدم مهارت گفتگو؛
- ۱۶) حل نشدن مشکلات و معضلات عادی زندگی به‌وسیله شیوه‌های متعارف عقلانی و علمی؛
- ۱۷) تنگدستی و فقر که موجب می‌شود افراد نتوانند مشکلات و مسائل‌شان را از طریق شیوه‌ها و روش‌های مرسوم و متعارف حل نمایند؛
- ۱۸) غلظت بالای تردید و ابهام شدید شرایط اجتماعی و به‌ویژه تیره بودن آینده؛
- ۱۹) محاسبه ناپذیری شرایط اجتماعی - سیاسی (نوعی بی‌نظمی و گسیختن ظاهری روابط علمی و سلسله علل)؛
- ۲۰) اجبار درهم‌رنگی با جماعت و مانند دیگران زیستن؛
- ۲۱) عدم قدرت فهم درست مسائل و مشکلات پیرامون؛

(۲۲) احساس عدم قدرت تأثیرگذاری بر شرایط و مدیریت آنها
(صالحی امیری، پیشین: ۱۰۸).

۵- کارکردهای خرافات

در این بخش نیز، کارکردهای خرافات از دو منظر و رویکرد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. از دیدگاه روان‌شناختی، باورهای خرافی به افراد توهم حس کنترل را بر رویدادهایی که نمی‌فهمند، می‌دهد. افراد با باورها و اعمال خرافی خود تلاش می‌کنند رویدادها را کنترل کرده و آنها را قابل پیش‌بینی‌تر کنند و به واسطه همین احساس کنترل بر حوادث و وقایع، خرافات عامل کاهش‌دهنده اضطراب است.

از این دیدگاه، تمایل یا عدم تمایل فرد به خرافات به شخصیت وی برمی‌گردد. از این منظر، به لحاظ چگونگی و نحوه واکنش، دست کم دو گونه شخصیت را در برابر دیگران می‌توان متمایز کرد:

الف- افرادی با ویژگی شخصیتی مستقل، کنش‌گر، فعال، دیرباور
ب- افرادی با ویژگی شخصیتی منفعل، تسلیم‌گر و زودباور

شخصیت تسلیم‌گر، شخصیتی است که به سوی دیگران و جلب نظر و حمایت آنها حرکت می‌کند (همان: ۱۵۶). براین اساس، احساس امنیت در شخصیت‌های تسلیم‌گر به نحوه برخورد و نگرش دیگران نسبت به آنها بستگی دارد و از این رو به شدت به دیگران وابسته‌اند (شولتز، ۱۳۸۱: ۱۸۱). هرچه ساختار شخصیت فرد به سمت تلفیق‌پذیری، احساس ناتوانی و وابستگی به دیگران سوق پیدا نماید، تسلیم شدن در برابر افکار، احساسات و رفتارهای دیگران افزایش می‌یابد. این امر تمایل فرد به

خرافات را به واسطه علت‌های متعددی مانند در جمع و گروه قرار گرفتن، هم‌رنگ جماعت شدن، نیاز به تأیید و دوست داشته شدن، استثنایی نبودن در جمع، نیاز به حمایت دیگران و ... تقویت می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناختی، خرافات در طول تاریخ، دوگونه کارکرد و نقش داشته است؛ نخست کارکرد عینی که معمولاً به صورت شعائر، اعمال و مناسک تجلی می‌یابد و دوم کارکرد ذهنی که در ساخت روان و درون انسان‌ها اتفاق می‌افتد. حال به برخی از کارکردهای خرافات از دیدگاه جامعه‌شناختی اشاره می‌نماییم:

- ۱) خرافات در علاقه انسان‌ها با پیشگویی آینده و حوادثی که رخ خواهد داد، خود را نشان داده است؛
- ۲) جادو کارکرد مهمی در ساخت موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و خطر ایفا می‌کرد (تامسون، ۱۳۸۱: ۱۶)؛
- ۳) یکی از کارکردهای آشکار و اصلی خرافات، در حوزه دفع بیماری‌ها و علاج دردهایی بوده که بشر ابتدایی راهی برای رهایی از آنها نداشته است. در این بین، بیماری‌های روانی و روحی، بیشترین خرافات را به خود اختصاص داده است؛
- ۴) تفسیر و تحلیل وقایع و حوادث طبیعی و غیرطبیعی، بیماری و مرگ؛ به این معنا که کلیه چیزهایی که از حدود شناخت آدمی، فراتر می‌روند، فهمیده می‌شوند؛
- ۵) آیین‌های جادویی و مناسک، کارکرد هویت‌ساز داشته‌اند؛
- ۶) همبستگی و انسجام‌آفرینی آیین‌ها از جمله کارکردهایی است که در تمام آنها وجود دارد؛

(۷) آیین‌ها، نوعی اطمینان خاطر مجدد برای افراد فراهم می‌کنند که از طریق آن فرد می‌تواند از عهده وضعیت‌هایی که با ابزارهای تکنیکی قابل کنترل نیستند، برآید و نیز می‌تواند سامان از دست رفته را بازگرداند (صالحی امیری، پیشین: ۹۳).

فهرست منابع

۱. اتکینسون، ریتال. ال و دیگران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
۲. پاکدامن، محمدحسین، جامعه در قبال خرافات، مشهد: انتشارات مرنديز، ۱۳۷۸.
۳. تامسون، کنت و دیگران، دین و ساختار اجتماعی، ترجمه علی بهرام پور، حسن محدثی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۱.
۴. جاهودا، گوستاو، روان‌شناسی خرافات، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۵. دورانت، ویل، عصر خرد، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: سازمان لغت نامه، ۱۳۳۴.
۷. شولتز، دوان، نظریه‌های شخصیت، ترجمه کریمی و دیگران، تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۱.
۸. صالحی امیری، رضا، خرافه‌گرایی (پژوهشنامه ۲۳)، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۹. عمید، حسن، لغت نامه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۱۰. فروم، اریک، روانکاوی و دین، ترجمه آرمن نظریان، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۲.
۱۱. فریزر، جیمز، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۴.
۱۲. وکیلی، هادی، «خرافه‌پردازی؛ خاستگاه و نقد آن» فصلنامه کتاب نقد، ش ۴۰، ۱۳۸۵.

خرافه و خرافه‌گرایی

صفورا نصراللهی*

چکیده

از آنجایی که در خصوص دین و باورهای دینی، ظرفیت بالقوه بالایی جهت گرایش‌های خرافه وجود دارد - که به چیستی دین برمی‌گردد و آنچه به عالم ماوراء مربوط می‌شود - در روند این گرایش، عواملی چند تشدیدکننده محسوب می‌شوند، باورهای عقیدتی - دینی را توأم با موهومات می‌کنند و چهره واقعی آن را مخدوش می‌سازند. همین باورها می‌توانند باورهای نوینی را در عرصه دین به وجود آورند. در جهت مخالف این روند، عقل‌گرایی در رابطه با آموزه‌های دینی است که در حالت افراط آن، می‌تواند سبب نفی باورهای ماورایی این دنیا شود. در مقاله حاضر این دو مقوله مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین به جریان‌ات عقل‌گرا در جهان اسلام توجه می‌شود و التفات و عنایت علمای اسلامی به عقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

خرافه، دین، عقل، اهل حدیث، اشاعره، معتزله و شیعه.

* کارشناس ارشد حقوق

مقدمه

خرافه در عرف لغوی، سخن بیهوده و پریشان، ولی خوشایند یا عادت و عقیدتی بیرون از مبنای عقل و ناسازگار با آموزه‌ها و موازین شرع و حتی عرف را گویند. (فرهنگ معین، ج ۱).

گویند خرافه نام مردی از قبیله عذره بوده است که در بی‌پایگی احادیث او را مثال می‌زدند. (فرهنگ دهخدا، ج ۶، ص ۸۴۶۳).

به طور کلی، آراء و عقایدی که انسان پیدا می‌کند یا جنبه فکری و عقلی دارد و به‌طور مستقیم مربوط به عمل نیست مانند مسائل ریاضی، علوم طبیعی و مسائل مربوط به ماوراء طبیعت (عالم مجردات) و یا جنبه عملی دارد و مستقیم و بی‌واسطه مربوط به اعمال است مانند مسائل اخلاقی و اجتماعی که بحث از افعال شایسته و غیرشایسته انسان می‌کند. واضح است ملاک در قسم اول علم و یقین است که از استدلالات عقلی یا حس سرچشمه می‌گیرد و در قسم دوم، دخالت داشتن فعل در جلب سعادت انسان و احتراز از آنچه موجب بدبختی و محرومیت سعادت است. بنابراین اعتقاداتی که در قسم اول متکی به علم نیست؛ یعنی انسان یقین به آن ندارد و در قسم دوم یقین به دخالت داشتن آن در خیر و شر خود ندارد، اعتقادات ظرفی محسوب می‌شوند. (محمد حسین طباطبایی، نشریه زائر، ۱).

خرافه در جایی نمود پیدا می‌کند که انسان‌ها حتی جزئی‌ترین پدیده‌ها را به عوامل ماورایی مرتبط می‌کنند و راه تفکر، تعقل و دلایل علمی (سلسله علت و معلول) را نادیده می‌گیرند. خرافی‌گری ممکن است در علم یا دین یا هر چیز دیگر، نمود پیدا کند.

مبنای اصلی خرافه‌گرایی و خرافه‌پردازی عبارت است از: قشری‌گری، راز زدایی و روندگریزی که در بطن و ذات خود به نحوی خودآگاه و ناخودآگاه، صریح یا ضمنی، انکار عقل، شرع و عرف است. منظور از قشری‌گری، جمود بر ظواهر یعنی ظاهر امور و صورت حقایق است که متضمن توقف بر پوسته حقیقت، امتناع گذر و گذار از قشر به سوی لب و لباب و این خود موجب بدفهمی و زمینه‌ساز تک‌ساختی شدن افراد است. قشری‌گری ریشه در خامی ذهن و ناپروورگی اندیشه کسانی دارد که می‌کوشند معارف و حقایق هستی به‌ویژه آموزه‌های دین را در قالب تنگ و محدود فهم‌های قاصر خود، محدود و محصور سازند و همان را احتمال دهند که می‌فهمند و آنچه را در نمی‌یابند، ممکن ندانند. نمونه بارز، خوارج در زمان حضرت علی (ع) بودند که حاضر به تعرض به اوراق کاغذی قرآن نبودند و سرانجام کمر به قتل قرآن ناطق بستند.

مراد از راز زدایی نیز گرایش به این امر است که امور عالم از جمله دین و معارف دینی، مانند امری طبیعی نگریسته و رد پای هر امر ماورای طبیعی در آنها محو شود. تردیدی نیست میان دو قطب قشری‌گری و راززدایی، دادوستد نهانی و مستمر برقرار است. گرایش به قشر امور و حقایق منجر به راز زدایی از آنان شده و برعکس، راز زدایی و تبدیل حقایق باطنی به وقایع عادی به قشری‌گری منجر می‌شود.

مؤلفه سوم خرافه‌گرایی، روندگریزی است که گاه در قالب اندیشه به رد و طرد قانون عمومی علیت یا نادیده گرفتن یا استثناء‌پذیری آن می‌پردازد و گاه برانگیخته از کهنه‌پرستی افراطی و آرزو پروری تخیلی است. مواجهه با قانون عمومی علیت و سرکشی در برابر روند طبیعی امور

عالم در طول تاریخ اندیشه آدمیان، در تفکرات نظام‌مند فلسفی و علمی نمونه‌های فراوانی دارد و در اشکال گوناگون ظهور ادیان، رشد یافته است. در مورد اول، مواجهه انتقادی «غزالی» در کتاب *مقاصد الفلاسفه* با قانون علیت و فرو کاستن آن به جریان روان‌شناختی عادت اذهان به توالی و ترتب حوادث جهان بر یکدیگر و پس از آن، نقدهای «هیوم» بر علیت، نمونه‌های برجسته روندستیزی به شمار می‌آیند. همچنین تقریر اصل عدم قطعیت «هایزنبرگ» در سده بیستم، جریان مواجهه با علیت را وارد مرحله نوینی کرد. در مورد استثناءپذیری نیز می‌توان به ظهور معجزه‌ها به دست پیامبران الهی اشاره کرد که خواسته یا ناخواسته راه را برای مواجهه با قانون علیت گشوده‌اند. انبوه معجزه پیامبران همواره ذهن آدمی را به خود مشغول داشته و امکان تغییر علمی و حتی تعمیم آنها به مثابه قانون‌های ناشناخته جهان را فراهم کرده است. در واقع از آنجایی که ظاهراً هر معجزه‌ای، متضمن نوعی مخالفت با قوانین علمی طبیعی و جهان‌شمول است، در نتیجه این قوانین نقض‌پذیر و استثناء دارند. اگر در روندگرایی پایه تفسیر حوادث عالم بر قوانین شناخته یا ناشناخته طبیعی استوار است، در اعجازگرایی تعمیم یافته که نام خرافه‌گرایی براننده آن است، غیرطبیعی کردن امور طبیعی و برهم‌زدن سامانه دریافت منسجم و عادی حوادث، وجهه همت قرار می‌گیرد.

روندگرایی همچنین گاه به دلیل گرایش انسان به آمال و آرزوها، کوشش در جهان و امکان‌پذیر معرفی کردن این آرزوهاست که از ایده‌آل‌گرایی معتدل تا تخیل‌گرایی افراطی را شامل می‌شود. در ایده‌آل‌گرایی معتدل، آدمی آرمان‌های کوچک و بزرگ خود را از طریق

اعتقاد به جریان‌های مؤثر در زندگی‌اش، دسترس‌پذیر می‌داند. ستاره‌بینی (طالع‌بینی) در انواع هندی، چینی، سرخ‌پوستی و ... در کنار دیگر شیوه‌های غیرعملی مانند فال‌بینی و فال‌گیری در همه اشکال متنوع و مختلف خود از جمله این جریان‌های به ظاهر مؤثر در زندگی بشر تلقی می‌شوند. رازگونگی افلاک و آسمان‌ها زایش‌فزاینده‌ای در حول خرافات به ثمر داده و رفته رفته اعتقاد به نیروهای مرموز ستارگان و نقش قاطع و مسلم آنها در سرنوشت و زندگی حال و آینده آدمیان به شکل خرافه طالع‌بینی و ستاره‌بینی که گاه با اصطلاح تنجیم - در برابر نجوم یا ستاره‌شناسی یا اختر فیزیک - از آن یاد می‌شود، درآمده.

و اما تخیل‌گرایی افراطی در کسانی کار را تا به آنجا کشانده است که از روش‌های نامرسوم و احیاناً نامقبول و مطرود در تلاش‌اند آمال و آرزوهای خفته و نهفته خویش را جامه تحقق پوشند. نمونه شاخص چنین جریان‌هایی را می‌توان در جنبش‌های به اصطلاح نوپدید دینی و عرفانی مشاهده کرد.^۱ این قبیل جنبش‌ها، طیف وسیعی از جریان‌های معنوی یا معناگرای دینی و عرفانی را که از حدود سال ۱۹۸۸ میلادی ظهور فعال یافتند، شامل می‌شود. این جریان‌ها که بیشتر در آفریقا، ژاپن و هند نشو و نما یافته‌اند، شامل جریان‌هایی از قبیل طریقت دل،^۲ یوگای آناندا مارگا، ایمان بهایی، بالاسای بابا، بدن مسیح، جنبش کاریزماتیک، فرزندان خدا، تعبد مستقیم، آکانکار، هیتلریسم باطنی، بازوی خدا، طریقت خلسه، طریقت دست چپی، جنبش روح مقدس و ده‌ها فرقه و

1. New Mystical Movements (NMM) & New Religions Movement (NRM).

². Adidam

تشکل دیگر است. این جریان‌ها هریک به مقتضای تعالیم و اهداف نظری و عملی خویش می‌کوشند به طریقی، راه را برای سعادت و دستیابی آدمیان به کامیابی و موفقیت و آرمان‌هایشان بگشایند و در این راه از هر دستاویزی (مثبت یا منفی، موافق با طبع آدمی و مخالف با آن) بهره می‌گیرند. لذا اغلب صرف‌نظر از ایده کلی مثبت و قابل قبول سعادت‌مندی بشر و کامیابی وی در زندگی زمینی - که در بعضی از این جریان‌ها اهمیت ویژه می‌یابد - راه و روش تأمین چنین سعادت‌ی و تضمین چنان کامیابی به شدت مخدوش و خرافه‌آمیز است. (هادی و کیلی، کتاب نقد، ۹۱-۸۶)

۱- علل خرافه‌گرایی

در رویکردی کلی، می‌توان اساس رویکرد خرافی بشر را جهل دانست. جهل در این معنا ضد عقل خواهد بود و خرافه‌پذیران نیز کسانی هستند که به عقلانیت لازم نرسیده‌اند. بنابراین یک انسان عالم می‌تواند خرافه‌گرا و خرافه‌پذیر باشد و صرف عالم بودن، نمی‌تواند قالب‌های روحی خرافه‌پذیری را بشکند. در واقع جوامعی که با خرافات همساز شده‌اند، جوامعی هستند که گفتمان حاکم بر آنها خرافه‌گرایی است و نه عقلانیت. لذا باید فضای جهل شکسته تا سره از ناسره باز شناخته شود. جوامعی که از نظر فرهنگی فقیر و بیمار هستند، بستر مساعد و آماده‌ای جهت ایجاد و رشد خرافه خواهند بود و به طرز فزاینده‌ای این روند در طبقات فقیر، درمانده، کم‌سواد و نیازمند دیده می‌شود.

عواطف و احساسات باطنی به خصوص ترس و امید تحت تأثیر خیالات تحریک شده و در پاره‌ای موارد، انسان را وادار به قبول عقاید خرافی

می‌کند؛ چه بسا انتقال این احساسات به دیگری و انتشار آنها بستر ساز ایجاد یک سنت خرافی شود. (طباطبایی، پیشین.)

غفلت علمای دینی نیز می‌تواند راهگشای حضور راهکارهای خرافی شود. اهتمام عالمان شرع در خصوص واجبات و محرمات به دلیل حساسیت احکام الزامی، احکام پالوده و نپخته‌ای را فراهم آورده، ولی در خصوص احکام غیرالزامی، تأکید آنان بر «تسامح در ادله سنن» ناخواسته زمینه را برای دریافت‌ها و تلقی‌های خرافی فراهم کرده است.

در این میان سوء استفاده‌گرانی نیز این روند را دامن می‌زنند. از یک سو سیاستمداران سلطه‌گر و از سوی دیگر شریعت‌ستیزان، از این آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند؛ زیرا خرافه‌گرایی فرصتی طلایی جهت حکومت بر ذهن و دل مردم است و با ترویج خرافه‌ها، به راحتی مردم را در جهتی که مورد نظرشان است سوق می‌دهند.

تلاش مخالفان شریعت در راستای بهره بردن از رویکردهای خرافی جهت بی‌اعتبار کردن شریعت نیز از دیگر زمینه‌های تولید باورهای خرافی است. داستان پادشاه و وزیر جهودش با مردم نصرانی از مثنوی معنوی، شاهد مناسبی در این مورد است.

دشمن عیسی و نصرانی گداز
که او بر آب از مکر برستی گره
لیک در باطن صغیر و رام بود
خود چه باشد قوت تقلید عام
ما چو مرغان حریص بی‌نوا
گندم جمع آمده گم می‌کنیم

بود شاهی در جهودان ظلم‌ساز
او وزیری داشت گبر و عشوه ره
او به ظاهر واعظ احکام بود
دل به او دادند ترسایان تمام
صد هزاران دام دانه استای خطر
ما در این انبار گندم می‌کنیم

می‌نیندیشیم آخر ما به هوش کاین خلل در گندم است از مکر موش
(مثنوی معنوی: ۱۹)

در واقع مشکل عام جوامع را باید نپذیرفتن عقل و الزامات آن، و به عکس تمایل به تعبد کورکورانه و خرافات در میان عوام دانست. عامه مردم ترجیح می‌دهند به جای رجوع به عقل و الزامات عقلی دین، خزانه و باورهای کورکورانه را بپذیرند.

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

۲- خرافه‌گرایی در دین

آب که از سرچشمه می‌جوشد، پاک است، اما در مسیر جریان خود ممکن است آلودگی‌های محسوس یا نامحسوسی بر آن عارض شود. در جریان‌های معنوی نیز همین اتفاق می‌افتد. سرچشمه معنویت که در ابتدا صاف و پاک است و آلودگی ندارد، به تدریج در بستر افکار دیگران قرار می‌گیرد و نسلی بعد از نسل دیگر آن را به دوره‌های بعد منتقل می‌کند و این امکان وجود دارد که آلودگی‌های محسوس یا نامحسوسی پیدا کند که دیده شود یا اینکه فقط علماء با ابزار ذره‌بینی بتوانند آن را ببینند. (مطهری، ۱۲۹-۱۲۸)

به طور کلی، خرافه‌گرایی نسبت به دین دو جریان را می‌تواند تولید کند:

- خرافه‌گرایی منشأ شکل‌گیری دین شود؛
- خرافه‌گرایی دین را به انحطاط کشد.

تردیدی نیست در تمدن‌های باستانی که هنوز دانش و آگاهی بشر در مراحل ابتدایی و اسطوری قرار داشت و علت و ماهیت حقیقی امور برای بشر کمتر شناخته و دانسته بود، وجود مرموز ستارگان دور دست و پرتوافشان، تشکیل خوشه‌های عجیب ستارگان و تجمع سحابی‌ها و توده‌های بی‌شکل و سیال ستارگان و نیز نقش شناخته شده ماه و خورشید در ایجاد جزر و مد و حرکت منظم ستارگان و ... اندک اندک اعتقاد به قدرت شگفت‌انگیز اجرام آسمانی را در ذهن و تخیل قوی آدمی به وجود آورد و پر و بال بخشید؛ به طوری که در هزاره پیش از میلاد مسیح، کیش ستاره‌پرستی شکل گرفت و ستاره‌پرستی به‌عنوان دین و آیین قدرتمندی به وجود آمد، پیروان و معتقدان بسیاری در گوشه و کنار جهان به‌ویژه در آسیا یافت و در تمدن‌های ساحلی مانند تمدن‌های بابلی، کلدانی، سریانی و نیز تمدن‌های بیابانی نظیر آشوری و مادّی به‌عنوان آسیبی فراگیر و پر قدرت ظاهر شد و به مرور زمان به کیش صائبی و آیین زردشتی منجر شد. با گذشت زمان، به تدریج دانشمندان و حکیمان دوران باستان، با منظم و یکپارچه کردن معتقدات خویش در این خصوص و بهره‌گیری از نظریه‌های گوناگون نظیر عناصر اربعه و فلکیات و بروج، اعتقادات خرافی چشمگیری را شکل دادند؛ به گونه‌ای که آرام آرام با اساطیری به نام ارباب انواع و ستاره خدایگان مقرون گشت و از دل آن، فرهنگ‌های اساطیری گوناگونی از قبیل فرهنگ هلنیستی، رومنی، مصری، چینی، هندی، بابلی، سریانی، ایرانی و ستاره خدایگانی چند نظیر زئوس، ریانا، آپولون و آفرودیت در اساطیر هلنیستی، ژوپیتر، زئوس، مرکور و مارس در اساطیر رومنی و آناهیتا، میترا، زاوش، بهرام، کیوان و استر در فرهنگ ایرانی به وجود آمد. (وکیلی، پیشین، ص ۹۰-۸۹).

به این ترتیب، رد پای خرافه‌گرایی را می‌توان دنبال کرد و به فلسفه وجودی برخی عقاید پی برد؛ عقایدی که به نفوذ و رسوخ خرافه‌گرایی و انحلال و تبدیل ادیان منجر می‌شوند. این گرایش در همگی ادیان دیده می‌شود، چه ادیانی که خود ریشه در خرافات دارند یا ادیان آسمانی هستند؛ هرچند عوامل ماورائی جزء معتقدات ادیان الهی هستند، اما زمانی که جزئی‌ترین پدیده‌ها نیز به عوامل ماورائی نسبت داده و راه تعقل و دلایل علمی بسته می‌شود، خرافه‌گرایی نتیجه منطقی این روند خواهد بود.

بارزترین نمونه خرافات را می‌توان در جریان کسوف هم‌زمان با مرگ فرزند پیامبر اسلام (ص) دانست که مسلمانان آن دوره، این دو را به یکدیگر ربط دادند، ولی پیامبر (ص) به صراحت آن را نهی نمودند. در این راستا، اعتقاد به تفسیر قدسی از وقایع، مرزهای مشترکی با باورهای حساس اعتقادی و دینی می‌یابد، چنان‌که گفته‌اند: «امر قدسی، وحشی است و هر لحظه می‌تواند هر چیزی را متصرف شود. مداخله امر قدسی در اشیاء، در مکان مقدس و نیز در زمان مقدس دیده می‌شود». به همین علت، برخی اعتقادات دینی را زمینه‌ساز خرافات می‌دانند. اما باید گفت اگر «مجموعه عقاید دینی» در کنار هم قرار گرفته و باهم پذیرفته شوند، جهان‌بینی به دست می‌دهد که این تلقی را از بین می‌برد و چنین نتیجه‌ای را به بار نمی‌آورد.

دین در قالب سه مؤلفه شناخته می‌شود: «اخلاق»، «عقاید» و «احکام». در میان این قلمروهای سه‌گانه، حجم خرافه‌پردازی در دو قلمرو عقاید و احکام بیش از قلمرو اخلاق است. به این دلیل که در قلمرو باورها و نیایدهای ارزشی، خرافه‌اندیشی چندان مجال نمی‌یابد، اما در

عقاید و احکام، خرافات فرصت می‌یابند تا خود را تئوریزه کرده یا بسط یابند و در زندگی بشر حضور پیدا کنند. در محدوده عقاید که باور به امور غیبی و ماورایی بخش اصلی و چشمگیر اعتقادات دینی را تشکیل می‌دهد، راه به سوی عوامل نهانی مؤثر و متغیرهای نادیدنی نافذ در زندگی بشری که در بطن خود، دسترس‌پذیری امور غیبی و دخالت عوامل ماورایی را به شکل مستقیم و غیرمستقیم، مفهوم‌سازی می‌کنند به آسانی گشوده می‌شود. بنابراین عقاید خرافی منسوب به آموزه‌های نظری دین به‌گونه‌های متنوع شکل می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۴).

در محدوده احکام نیز، عقاید خرافی می‌توانند قوانین یا توصیه‌هایی را رقم بزنند؛ چنانچه راهکارهای خرافی در این زمینه مشهود است. به‌عنوان مثال، مکروه دانستن پاک کردن استخوان‌ها، زیرا اجنه از آن تغذیه می‌کنند.

۳- پیامدهای خرافه‌گرایی در دین

در فضای خرافه‌گرایی، سعی و تلاش در جهت رسیدن به اهداف متوقف، عقلانیت جای خود را به خرافه می‌دهد، ارزش عمل کاسته می‌شود، امیدواری به عوامل ماورایی، آسودگی دروغینی در دل‌ها ایجاد می‌گردد و خود دل‌مشغولی جدیدی به وجود می‌آورد که هوشیاری اذهان را نسبت به حال و آینده از بین برده و زمینه‌ساز سلطه و ظلم خواهد شد. در این روند، حرکت چرخه اقتصاد رو به سوی کندی می‌نهد و خود سبب عقب‌ماندگی‌ها می‌شود. از سوی دیگر، فساد در عقاید، زمینه‌ساز شرک‌گرایی و انحراف در عقاید می‌شود و کارکرد دین را به منزله امری

مفید، تغییر داده و آن را به عاملی در جهت نابسامانی و بدبختی تبدیل می‌کند.

۴- عقل‌گرایی در دین

به‌طور عمده مفهوم عقل‌گرایی در سه حوزه به کار دارد:

۱. این مفهوم در فلسفه در برابر اصطلاح «تجربه‌گرایی» قرار می‌گیرد؛ به این معنا که هر امری در مورد حقایق اساسی عالم را می‌توان به وسیله عقل تبیین نمود؛

۲. عقل‌گرایی در کلام و فلسفه دین در برابر «ایمان‌گرایی» قرار دارد و به معنای آن است که عقل بر ایمان مقدم داشته می‌شود و کلیه اصول و حقایق دینی بر مبنای عقل اثبات می‌پذیرد، نه آن که بر مبنای ایمان استوار باشد؛

۳. عقل‌گرایی در عصر عقل یا دوره روشنفکری. این اصطلاح برای توصیف جهان‌بینی‌ها و رهیافت‌های فیلسوفان عصر روشنفکری قرن هجدهم که عقل را در برابر «ایمان، مرجعیت سنتی، جمودگرایی، خرافه‌پرستی و به‌خصوص در تقابل با مسیحیت» قرار می‌دهند، به کار می‌رود (وکیلی، پیشین: ۹۶-۹۵).

منظور از عقل‌گرایی در این نوشته، عقل‌گرایی در کلام و فلسفه دین است که در برابر ایمان‌گرایی قرار می‌گیرد. این نوع عقل‌گرایی به «عقل‌گرایی حداکثری» و «عقل‌گرایی معتدل» تقسیم می‌شود. براساس نظریه عقل‌گرایی حداکثری یا افراطی، برای آنکه نظام اعتقادات دینی واقعی و از نظر عقلی، مقبول باشد، باید بتوان صدق آن را اثبات کرد.

هنگامی که عقل‌گرایی حداکثری را در مورد نظام اعتقادات دینی به کار ببریم، انتظار داریم آن نظام به نحوی به اثبات برسد که همه عاقلان در همه زمان‌ها و مکان‌ها صدق آن را تصدیق کنند. در این نظام، تنها توجیه‌کننده ایمان، اثبات حداکثری (برای همه عاقلان در همه زمان‌ها و مکان‌ها) است. عقل‌گرایان حداکثری به دو نتیجه کاملاً متفاوت می‌رسند و بر این مبنا دو گروه متمایز از آنها شناخته می‌شود: عقل‌گرایان مخالف دین (دین‌ستیز) و عقل‌گرایان موافق دین (دین‌باور).

عقل‌گرایان افراطی دین‌ستیز: تلاش عقلانی این گروه بیشتر به نفی دین و مخالفت با هرگونه امر قدسی انجامیده است. این گروه استدلال کرده‌اند باور به خدا، نامعقول یا دور از عقل، به لحاظ منطقی غیرقابل قبول، از نظر عقلی غیرمسئولانه یا نامنطبق بر معیارهای معرفتی است؛ زیرا قرائن کافی برای آن وجود ندارد. از جمله معتقدان به این دیدگاه «کیلفورد»، «براند بلانشارد»، «برتراند راسل»، «مایکل اسکریون» و «آنتونی فلو» هستند. بزرگ‌ترین نمایندگان این طرز تفکر در قرون وسطی، «برنگاریوس» در قرن یازدهم میلادی است. او منطق و جدل را معیار صحت اعتقادات دینی قرار داد. به نظر وی، عقل عالی‌ترین بخش انسان و نشان دائم از آفریده شدن به صورت خداوند و ممنوع کردن آن برای انسان به معنای محروم کردن او از شرافت و احترام است. حجت دینی به‌عنوان یک برهان به تنهایی کافی نیست.

عقل‌گرایان افراطی دین‌باور: این گروه رسیدن به سعادت جاودانه و کمال مطلوب را بی‌مدد وحی ناممکن و بسیار دور از دسترس می‌دانند. به اعتقاد آنها، هر گزاره دینی، ناگزیر باید از دریچه پذیرش عقل عبور کند تا بتوان به آن باور داشت و براساس آن، زندگی خود را سامان داد.

افراطی شمردن این گروه نیز از این روست که هیچ گزاره فوق عقل و خردگریزی را نمی‌پذیرند. اینها عقل را اصل و اساس دین می‌دانند و هراسی ندارند از اینکه بسیاری از آموزه‌های دینی رایج در بین مردم را غیردینی و خرافات تلقی کنند.

«جان لاک» از نخستین عقل‌گرایان حداکثری است که در دوره روشنفکری می‌زیست و رساله او یکی از مؤثرترین منابع فکری این موضوع است. در چارچوب اندیشه «لاک»، خداباوری برای ما یقینی نیست، چون بدیهی نیست؛ زیرا باور ملحدانه نیز وجود دارد و طبق روش اندیشه «لاک»، خداباوری فقط در صورتی موجه است که استدلال خوبی برایش داشته باشیم. در قلب دینداری لاک مشربانه، نوعی حس عمیق شکرگزاری از خداوند به خاطر اعطاء عقل وجود دارد و نیز اطاعتی به همین اندازه عمیق از او در بهره جستن از عقل و کاربست شایسته آن. «دکارت» از دیگر چهره‌های این مکتب است.

عقل‌گرایان معتدل: این دیدگاه بر عقلانیت متعارف یا عقل سلیم استوار است. مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع تفکر به شرح زیر است:

۱. در بررسی افکار و اندیشه‌ها به‌ویژه در موارد اختلاف باید محتاط بود. استدلال بهاء دارد و باید تابع دلیل بود. از نقد ادله باید استقبال کرد و به ادله مخالف نیز توجه نمود؛

۲. محدودیت‌های عقل باید به رسمیت شناخته شود و اینکه اثبات حداکثری در همه مسائل ناممکن است؛

۳. می‌تواند صدق پاره‌ای مدعیات را برای همه کسانی که از عقل سلیم برخوردارند و به نحو متعارف می‌اندیشند و دچار وسوسه

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۱۳

فیلسوفان حداکثری نشده‌اند، به اثبات رساند (نورعلی‌زاده، شماره ۳۳:۳۴).

۵- عقل‌گرایی در اسلام

گرایش به تفکر در جهان اسلام را پیش از هر چیز باید در خود اسلام جستجو کرد. قرآن برخلاف دیگر متون دینی، پیوسته بر عنصر عقل و تفکر تأکید می‌کند. با این وجود، عقل‌گرایی در اسلام از عوامل بیرونی نیز اثر پذیرفته است. گسترش اسلام و مواجهه مسلمانان با فرهنگ‌های دیگر از دو سو بر اندیشه‌های اسلامی تأثیر گذارد. از یک سو، علوم و افکار بیگانه به تدریج بر ذهنیت جامعه اسلامی مؤثر واقع شد و از سوی دیگر، دانشمندان اسلامی را برای دفاع از مبانی دینی در مقابل ادیان و فلسفه‌های معارض برانگیخت (همان: ۴۰-۳۳).

عقل‌گرایان اسلامی نیز بر مبنای میزان ارزشی که برای عقل قائل‌اند، به دو عنوان کلی عقل‌گرایان افراطی و عقل‌گرایان معتدل تقسیم می‌شوند. افراطیون در این گروه نیز، گرایش‌های دین‌ستیزانه و دین‌باورانه داشته‌اند (هاشمی، همشهری)^۱.

عقل‌گرایان حداکثری دین‌باور در جهان اسلام، صورت نهایی خود را در فرقه معتزله شکل دادند و در واکنش به نص‌گرایی افراطی شکل گرفتند. اختلاف اصلی این دو گروه بر سر شیوه برخورد با متون دینی بود که اهل ظاهر، الفاظ قرآن و روایات را سرلوحه دیانت خویش گرفتند و معتزله با استمداد از عقل، راه را بر توجیه و تأویل متون دینی گشودند.

^۱ سیدعلی هاشمی، از وحی به عقل، روزنامه همشهری، ؟؟؟؟

با اوج‌گیری تفکر معتزلی، اختلاف کلامی درونی این مکتب رو به فزونی نهاد و زیاده‌روی در به‌کارگیری عقل، بن‌مایه دین را سست و بی‌مقدار ساخت. اصل اساسی مکتب اعتزال در این جمله معروف است: «المعارف كلها معقولة بالعقل، واجبة بنظر العقل، و شكر المنعم واجب قبل السمع، و الحسن و القبيح ذاتيان للحسن و القبيح (نورعلی‌زاده، پیشین، ۳۶).

۱-۵- رویکرد عقل‌گرایانه نزد مسلمانان و شکل‌گیری فرق اسلامی

از نیمه قرن نخست هجری، دو جریان فکری در میان مسلمانان پدید آمد: نخست جریان تعبد به ظواهر و پیروی از نصوص کتاب و سنت بدون تفکر پیرامون محتویات آن و دیگری مسئله عقل‌گرایی و همسو قرار دادن عقل با شرع و بهره‌گیری از قرآن و حدیث به کمک داوری‌های عقل و خرد بود. طرفداران جریان فکری نخست اهل حدیث بودند که بیشتر نبض جامعه را در دست داشتند. مروجان جریان دوم، گروه زبده‌ای از اهل فکر و دانش بودند که به خود اجازه نمی‌دادند نقل، جدا از عقل تفسیر شود. در این کشمکش مکتب‌هایی پدید آمد که قسمت اعظم افکار آنها نوعی ارتجاع و واپس‌گرایی بود. اینها دیری نپاییدند که به فنا و نابودی محکوم شدند؛ مانند مرجئه، جهمیه، کرامیه، ظاهریه و ... معتزله یکی از پیشوایان این طرز تفکر بود که به تدریج تحلیل رفته و در سده‌های اخیر کسی از آنان باقی نماند، البته محکومیت آنان به خاطر عقل‌گرایی نبود؛ بلکه به دلیل «تندروی‌های» آنان در طرفداری از خرد بود. آنان نصوص را با داوری خام تأویل می‌کردند و به دیگر عبارت، این به دلیل عقل‌گرایی و خردپروری آنان نبود؛ بلکه به دلیل تندروی آنان در استقبال از خرد بود (همان: ۳۹).

در سال‌های نخستین اسلامی غلبه با تفکر نص‌گرایی بود. نص‌گرایی در آغاز بیش از آنکه یک مکتب کلامی باشد، یک زمینه و بینش فرهنگی بود که نباید آن را تنها یک پدیده طبیعی دانست. حاکمیت سیاسی این جریان را حمایت و تقویت می‌نمود؛ زیرا در چنین فضایی - جمود بر آیین‌های مذهبی و گرایش بی‌چون و چرا به چیزی که می‌توان آن را سنت مهار شده نامید - برای حاکمیت وقت بسیار پسندیده و پر بار بود. به واقع، در واکنش به نص‌گرایی افراطی، به تدریج جریان دیگری در جامعه اسلامی رو به رشد نهاد که بعدها صورت نهایی‌اش را در فرقه معتزله یافت. سده دوم و سوم هجری دوره مقاومت نص‌گرایی در برابر پیشرفت خردباوری و بیرون آمدن از فشارها و تنگناهای جمود و تعصب بود. از یک سو رشد عقل‌گرایی و از سوی دیگر، انحطاط و جمود حنابله علمای اهل سنت را به بازنگری و پیرایش در دیدگاه‌های سنتی فرا خواند. با آغاز قرن چهارم، جریان نص‌گرایی وارد مرحله تازه‌ای شد. شخصیت بزرگ اهل تسنن - اشعری - به‌طور جداگانه دست به احیاء و بازسازی اندیشه دینی و جذب عناصری از کلام معتزلی زد. اشعری را حد واسط میان اهل حدیث و معتزله دانسته‌اند (سبحانی، ۳)

۲-۵- رویکرد اهل سنت به عقل‌گرایی

۱-۲-۵- اهل حدیث

اهل حدیث که با عناوین «حشویه»، «سلفیه» و «حنابله» نیز شناخته می‌شوند - در برخورد با معارف دینی - منابع نقلی از احادیث و آثار،

زمینه اصلی مطالعات آنان بوده است. همچنین در روش خود، برای آموزش احادیث و پیروی از آن، اعتنایی ویژه داشتند (همان، ۴۲).

اهل حدیث با تکیه بر نقل، شیوه‌ای عقل‌ستیزانه در پیش گرفتند، به تفسیر ظاهری آیات پرداختند و از تأویل عقلانی آن سخت پرهیز کردند. در مقایسه‌ای کلی می‌توان گرایش آنها را تکیه بر ظاهر نصوص اعتقادی از کتاب و سنت دانست. تأکید شدید احمد بن حنبل از هر گونه تأویل و برداشت درایی از نصوص قرآنی، متون روایی و اصرار بر باور آوردن به ظاهر نصوص - بی‌چون و چرا - و بدون تلاش در جهت تحلیل عقلی آنها، نظام اعتقادی احمد و اصحاب حدیث متأثر از او را به صورت یک مجموعه توجیه نشده از قالب‌های مأثور درآورده است.

گفتار آنها در باب مباحث کلامی همواره در حد رفع تکلیف بوده، جنبه‌ای کاملاً جدلی داشته است و در موضع‌گیری‌های خود نسبت به مسائل کلامی، نفس‌اندیشه را به صورت مجرد مورد حمله قرار می‌دادند (همان: ۴۲).

۲-۲-۵- معتزله

معتزله که با عناوین دیگری چون «عدلیه»، «الموحد»، «اهل الحق»، «القدریه»، «ثنویه»، «معطله» و ... شناخته می‌شوند، (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹: ۵۰) در میان فرقه اسلامی، بیشترین بهاء را به عقل و خرد داده‌اند. این گروه بر عقل به عنوان یگانه ابزار شناخت حقیقت تأکید می‌ورزند و هر آنچه در نظر آنان خردپذیر نمی‌یابد نفی می‌کنند. در مکتب اعتزال، عقاید از نصوص قطعی کتاب و سنت و حکم خرد گرفته

گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ◀ ۲۱۷

می‌شود و چه بسا نصوص فراوانی که در شریعت آمده، به دلیل اندیشه مخالفت آن با عقل به کنار گذارده شده است (سبحانی، پیشین: ۵).

۳-۲-۵- اشاعره

ویژگی اصلی مکتب اشعری دفاع عقلانی از عقاید اهل سنت و اصحاب حدیث است و در برابر جریان فکری معتزله که از دیدگاه ایشان بدعت در دین تلقی می‌شود، بنیان گذارده شده است (دایره المعارف بزرگ اسلامی، پیشین: ۱۱۳).

«ابوالحسن اشعری» در برابر دو جریان افراطی معتزله و اهل حدیث کوشید ضمن پرهیز از افراط و اجتناب از تفریط، راهی میانه برگزیند. جریان‌های افراطی رویه‌ای در عقل‌گرایی و رویه‌ای در عقل‌ستیزی داشتند.

روش اشعری، روشی عقلی - نقلی است. اگرچه این جنبش با پرهیز از عقل‌گرایی و تأویل آغاز شد، اما از آنجا که میان عقل‌گرایی افراطی و عقل‌ستیزی، گونه‌ای عقل‌گرایی معتدل است، اشعری نه تنها از نظر عملی، بلکه به‌طور نظری نیز مفهومی عقل‌گراست و این عقل‌گرایی میراث معتزلیان و فیلسوفان به شمار می‌رود. در واقع این گروه در برابر فیلسوفان و معتزلیان خردگرا و به اصطلاح «بدعت‌گذار» از باورهای اصیل اسلامی یعنی از داده‌های وحی (= نقل) به دفاع برخاستند و روش عقلی - نقلی برگزیدند (همان: ۱۱۱).

۳-۵- رویکرد تشیع به عقل‌گرایی

در میان شیعیان دو نوع بینش نسبت با عقل و دین دیده می‌شود. «تفکر حدیث‌محور» و «تفکر عقل‌گرایانه». در زمان امامان و سده‌های نخستین پس از غیبت، تفکر حدیث‌محور که بیشتر بر نقل احادیث و پرهیز از تعقل و اجتهاد تأکید داشت، دارای طرفداران فراوان‌تری بود؛ اگرچه شواهد تاریخی نشان از گرایش عقل‌مدارانه در میان شیعیان به تشویق امامان و رهبران تشیع دارد. از جمله «هشام بن حکم» از یاران امام صادق (ع) با استفاده از اصول جدل به دفاع از مبانی تشیع پرداخته است.

در تشیع تا سه قرن میان «متکلمین» و «محدثین» اختلاف چندانی نبود. البته در بین متکلمین و اصحاب اثر، گاهی مباحثه و کشمکش در می‌گرفت، اما نسبت با شکافی که میان حنابله و معتزله بود، این اختلاف نادیده انگاشته می‌شود. از قرن سوم مقارن با عصر تقیه و دوران غیبت، به تدریج این دو جریان از یکدیگر فاصله گرفتند و به دو دیدگاه متفاوت تبدیل شدند؛ اگرچه هیچ‌گاه به تقابلی مانند آنچه در میان حنابله و معتزله رخ داد، نینجامیدند. محدثین شیعه نه تنها بحث و استدلال را در رد منکران، جایز می‌شمردند، بلکه آن را واجب می‌دانستند. مناظراتی که از شیخ صدوق - محدث بزرگ تشیع - در این باب نقل شده، گویای این مطلب است. همه این اختلافات در دامنه عقل‌نظری است و در مورد عقل عملی - برخلاف اهل سنت - اختلاف میان محدث و متکلم شیعی، بسیار اندک است. محدودیتی که اهل حدیث و اشاعره برای عقل عملی قائل‌اند، در بین محدثین شیعه، حتی یک مصداق هم ندارد.

در قرن پنجم هجری، «شیخ مفید» کوشید با در نظر گرفتن جوانب مسئله و جمع بین احکام عقلی و محتوای متون دینی، جریانات مختلف شیعی را به یکدیگر نزدیک کند. شیخ «خرد» را در شناخت حقایق مستقل نمی‌دانست؛ بلکه «عقل» را در علم و نتایج‌اش به وحی و دین نیازمند می‌دید. او خرد آدمی را شایسته نیل به امور دینی می‌دانست، اما کیفیت استدلال بر این امور را ملزوم تعلیم پیامبر (ص) و وحی تلقی می‌کرد. سید مرتضی بزرگ‌ترین شاگرد او، به بیشتر عقلانی کردن کلام رو آورد؛ عقل را در استدلال نیازمند نخواند و آن را مستقل پذیرفت. شاگردان و پیروان سید مرتضی - همانند علم‌الهدی - این‌گرایش را تقویت نمودند تا اینکه در قرن هفتم هجری «شیخ طوسی»، آمیزش کلام شیعی با فلسفه را به اوج خود رساند. در این روند، به تفکیک سه مرحله می‌توان قائل شد:

۱. مرحله‌ای که متکلمان عصر حضور ائمه در آن فعال بودند؛
 ۲. مرحله حضور کسانی مانند شیخ مفید که عقل و نقل را به هم آمیختند؛
 ۳. مرحله‌ای که با حضور شیخ الطائفه - طوسی - آغاز شد.
- عقل‌گرایی در راستای ایمان، در بین تشیع قدم به قدم رشد کرد و در آخرین مرحله، متکلمان شیعی، فلسفه عقلی مشاء را قالب مناسبی برای عرضه معارف دینی تشخیص دادند. مرحله چهارمی نیز وجود دارد که با پایه‌گذاری حکمت متعالیه توسط «صدرالمتألهین» آغاز شد و در آن مقولات فلسفی و مفاهیم عرفانی در کنار یکدیگر، دین را با عقل و اشراق همساز نمود (همان، ج ۸: ۷۳۶).

۱-۳-۵- ادامه حیات نص‌گرایی در تشیع

پس از شیخ مفید، همگام با رشد عقل‌گرایی که گرایش غالب علمای شیعه بود، نص‌گرایی نیز به حیات خود ادامه داد و شخصیت‌هایی بنام (ابن طاووس و شهید ثانی) به تبلیغ و تثبیت مواضع آن همت گماشتند. «ابن طاووس» عقل را منکر نیست و در معرفت الله بر نص تمسک نمی‌جوید. او امر وجود صانع - خدا - را امری وجدانی و غیرقابل انکار می‌داند و معتقد است: عقل همه مردم بر اصل خالق، اتفاق دارد. «شهید ثانی» برخلاف متکلمین که اساس ایمان را «معرفت استدلالی» می‌دانند، در ایمان «جزم و اذعان» را معتبر می‌داند. در هر حال، در این میان افراط و تندروری‌های بی‌پروایانه به چشم نمی‌آید (سبحانی: ۲۲۲-۲۱۷).

در طی این دوره که با حیات علمی شیخ مفید آغاز می‌شود و تا اوایل قرن یازدهم هجری ادامه می‌یابد، هیچ‌گاه مکتبی قابل طرح و معارض مطرح نشد و در برابر رشد روزافزون عقل‌گرایی در تشیع نتوانست قد علم کند تا اینکه از اوایل قرن یازدهم با ظهور «ملا محمد امین استرآبادی» که خود در ابتدا از مجتهدان و اصولیون بود، این جریان رو به رشد و جلوه‌نمایی نهاد. او با بیانی تازه و شیوه‌ای نو، به سرزنش عقل و عقل‌گرایی پرداخت و نص‌گرایی برخی از علمای شیعه دهه‌های نخست پس از عصر غیبت را به صورت شفاف‌تر و حتی افراطی‌تر زنده کرد. «استرآبادی» سخنان خود را بر ضد تعقل چنان کوبنده، صریح و جسورانه بیان کرد که توانست در اندک مدتی عالمان فراوانی از تشیع را به این اندیشه متقاعد کند. لذا کم‌کم همه مراکز علمی تشیع در عراق و ایران تحت نفوذ این جریان قرار گرفتند و گرایش عقل‌مدارانه رو به زوال

نهاد. در نتیجه موج «اخباری‌گری» با کمال تعجب در نسبت با سابقه طولانی عقل‌گرایی در عالم تشیع، توانست به مدت دو قرن بر تمام معارف شیعه سایه افکند. نخستین کسی که پرچم مخالفت با این اندیشه را برافراشت، «ملا صدرا» بود که اینها را به «حنابله» و «جماعت اهل حدیث و اهل سنت» تشبیه کرد. این موج فکری با تلاش‌های اصولیون و عقل‌مدارانی چون «وحید بهبهانی» و «شیخ مرتضی انصاری» رو به زوال نهاد و منحن شد (همان: ۲۲۵).

خلاصه کلام اینکه دو جریان نص‌گرایی و تسلیم و پذیرش محض در برابر دین و آموزه‌های آن، و عقل‌گرایی و تلاش عقلی در جهت توجیه و تأویل معارف دینی، اغلب به افراط و تفریط کشیده شده‌اند. بحث‌های کلامی گاه چنان به پیچ و خم منازعات و رد و اثبات‌ها گرفتار می‌آید که نصوص دینی به فراموشی سپرده می‌شود و یا اینکه در روند توجیه و تأویل، ماهیت خویش را از دست می‌دهد. گرایش افراطی به عقل، گرد غفلت بر چهره دین می‌نشانند. در مقابل، نص‌گرایان و ایمان‌گروان، چنان به اندیشه و خردورزی پشت کرده که دین را بی‌سلاح رها می‌کنند. نص‌گرایی دین را به انزوا و عزلت می‌کشاند. باید گفت: عقل‌گرایی حداکثری و ایمان‌گرایی هر دو مطرودند و تعقل و تفکر باید مبنا و محک ایمان قرار گیرد.

۶- نتیجه‌گیری

همان‌طور که متفکر بزرگ اسلامی - سید جمال الدین اسدآبادی - بیان کرده است: «اولین نشانه‌های انحطاط یک جامعه، بی‌رغبتی مردم

آن جامعه نسبت به فلسفه و حکمت است و جهل و خرافه، تنگ نظری و جزم‌اندیشی دستاورد تعطیلی عقل و خردورزی است» (شریفی، شماره ۶: ۳۱-۲۶).

بنابراین، حد واسط و مأمن از سقوط به ورطه‌های خرافه‌گرایی و عقل‌گرایی مطلق، خردورزی معتدل خواهد بود؛ دیدگاهی که بر مبنای عقلانیت متعارف یا عقل سلیم استوار است. قرآن کریم نیز همواره از مردم ایمان‌مبته بر اندیشه را طلب می‌کند؛ یعنی دین‌پذیری خالص از خرافات و وسواس در تعقل.

فهرست منابع

۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹.
۲. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ج ۴، انتشارات توحید.
۳. سبحانی، محمد تقی، عقل‌گرایی و نص‌گرایی در کلام شیعه، نقد و نظر، ش ۳ و ۴.
۴. شریعتی، سارا، سخنرانی در انجمن جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۵. شریفی، امیر حسین، عقل از دیدگاه اخباریان شیعه، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۶.
۶. طباطبایی، حسین، خرافات، نشریه زائر.
۷. فرهنگ دهخدا، دهخدا، ج ۶.
۸. فرهنگ معین، ج ۱.
۹. گودرزی، فاطمه، مبانی قرآنی اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه امام خمینی (ره) در مقایسه با سید جمال‌الدین اسدآبادی، مؤسسه چاپ و نشر، ج ۶.
۱۰. مثنوی معنوی، اندیشه ماندگار.
۱۱. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، ج ۱.
۱۲. نورعلی زاده، مسعود، عقل‌گرایی حداکثری و معتدل در دین‌شناسی، معرفت، ش ۳۴.
۱۳. هاشمی، سید علی، از وحی به عقل، روزنامه همشهری.

[پشت صفحه]

اعتقادات یکی از عناصر مهم هر فرهنگی است. قسمتی از این اعتقادات، حقیقی و مبتنی بر اصول ثابت شده است اما بخشی دیگر از آنها بی پایه و بدون دلیل است که به آن خرافات می‌گویند. وجود اعتقادات خرافی در بین مردم جهان و از جمله مردم ایران واقعیتی انکارناپذیر است. البته ممکن است برخی از آنها به این دلیل خرافات تلقی شوند که علم هنوز قادر به توضیح یا اثبات آنها نیست. با این حال امروزه بخش عمده‌ای از آنها از دید غالب مردم، غیرواقعی و نادرست به نظر می‌رسند که این امر به‌خصوص از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیازمند بررسی بیشتر می‌باشد.